



مدیر مسئول: سید محمد جواد شوشتری

سر دبیر: معصومه صبور

مدیر اجرایی: محمد حاتمی

دبیر تحریریه: مرضیه منگلی

مدیر هنری: علیرضا عبادی

طراح جلد: ایمان خاکسار

و با تشکر از وحید رزاقی راد

عکس و تصویر:

طاهره بابایی، حسن آقامحمدی، مصطفی

تیموری، حامد عبدلی، مصطفی تقاضایی

حامد گودرزی، علی عظیمی

ویراستار: مهدیه موحدی فر

حروف چین: مصطفی عسگر

همکاران این شماره:

مجتبی بزرگری، زهرای ابرجی، مجتبی اصغری

مریم روزبهانی، فاطمه بختیاری، یاسر مختاری

وهاب خدابخشی، اشرف بصیری، اکبر ابراهیمی

محمد پارسائیان، جواد پارسامهر

محمد حسن جعفری، احسان ذاکری

صدیقه صادقین، مینا حیدری، سمیه قربانی

علی حیدری، بهنام افشاری، مریم رجبی

و با تشکر از همکاران شعبه کرمان ایکن

این شماره از رايحه

خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا)

به سفارش سازمان توسعه

روابط اقتصادی، فرهنگی،

سیاحتی و زیارتی ایران و عراق

منتشر شده است



داوای های شهید حاج قاسم سلیمانی

در هشت سال جنگ تمومی

یک عمر مجاهدت

شهید سلیمانی و هشت سال جنگ تمومی

جانبازی در راه خرمشهر

مجر و حیت در طریق القدس

قاسم سلیمانی در مرحله دوم عملیات بیت المقدس برای تروریستی و هفت تیر هوا، عازم خطوط مقدم شده بود که ناگهان گلوله خمپاره ای در کنار خودروی او منفجر و گرد و غبار بلند شد. نفس ها در سینه ها حبس شد. اتفاق به خیر گذشت، اما چند ترکش به بدن او اصابت کرد.

عملیات طریق القدس که شجر به آزادسازی بستان شد، اولین عملیاتی بود که قاسم سلیمانی در قامت فرمانده گردان کرمانی ها وارد عمل شد. او در این عملیات بر اثر انفجار گلوله خمپاره از ناحیه دست و شکم به شدت مجروح شد، دستی که از پیگر او سالم ماند، یادگار آن عملیات بود.

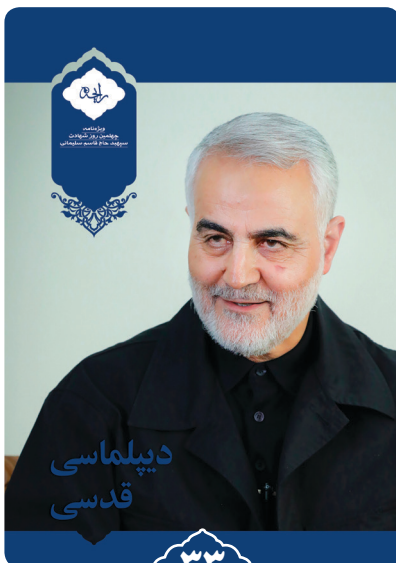
شهید نادر مهدوی

در پایان جنگ تحمیلی عراق، آمریکا خود به صحنه آمد و در خلیج فارس جنگ جدیدی را به ایران تحمیل کرد. نیروی دریایی سپاه تمام قد در برابر نیروهای متجاوز آمریکایی ایستاد و ابهت آنان را شکست. نادر مهدوی به همراه چند تن از نیروهایش در ۱۶ مهر یا آمریکایی ها درگیر شد و فرمانده به شهادت رسید.

فوتی شدن تپ نارالله

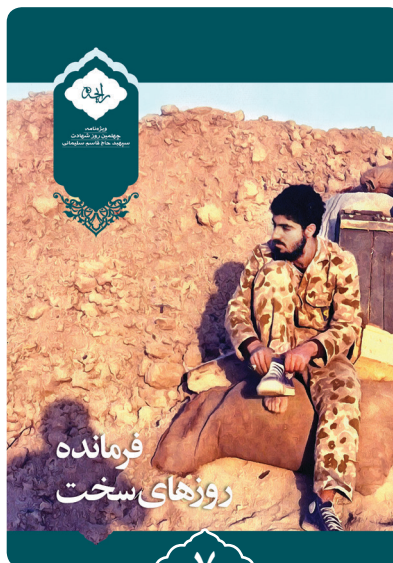
عملیات رمضان، عملیات سختی برای رزمندگان ایرانی بود. اگرچه رزمندگان با عدم موفقیت همراه شدند، اما تپ نارالله به فرماندهی قاسم سلیمانی توانست در این عملیات و پس از آن، واحدهای رزمی، ادوات و توپخانه راه بیاندازد و بیش از گذشته قدرتمندتر شود و در عملیات های بعدی قدرت خود را نشان دهد.

دیپلماسی قدسی



۳۳

فرمانده روزهای سخت



۷



۱۲



۱۰



۳۴



۲۴

شهید قاسم سلیمانی

فروردین ۶۷ آمریکایی‌ها در عملیات، که نام آن را آخوندک گذاشته بودند، به سکویهای نفتی ایران حمله کردند. نیروی دریایی ارتش با تروریستهای آمریکایی درگیر شد و دریادلان ایرانی در اولین روز از ماه مبارک رمضان حماسه خلق کردند و فرمانده آنان شهید ذراغ نعمتی بود.

شهید علی ذراغ نعمتی

فروردین ۶۷ آمریکایی‌ها در عملیات، که نام آن را آخوندک گذاشته بودند، به سکویهای نفتی ایران حمله کردند. نیروی دریایی ارتش با تروریستهای آمریکایی درگیر شد و دریادلان ایرانی در اولین روز از ماه مبارک رمضان حماسه خلق کردند و فرمانده آنان شهید ذراغ نعمتی بود.

نبرد منافقان

عملیات مرصاد آخرین عملیات دوران دفاع مقدس بود که لشکر تارالله و سردار سلیمانی نقش آلربی بودند. قاسم سلیمانی با نفوذ به عمق دشمن، ضمن شناسایی مواضع منافقان، شاهد جنایات آنان در شهر اسلام‌آباد غرب بود. منافقان با حمله به بیمارستان اسلام آباد و کودکان را کشتار کردند.

تداوم در خشت

عملیات کربلای پنج، عملیات بزرگ رزمندگان اسلام در سال ۶۵ بود. لشکر سلیمانی در این عملیات بود. نیروهای قاسم سلیمانی توانستند اهداف پیش‌بینی شده را برآورده کنند. امام در این عملیات شهادت قاسم سلیمانی، قائم مقام لشکر، برای حاج قاسم و شهیدانش بسیار تلخ و سخت بود.

خشت در فتح فاو

اوج و درخشان‌ترین قاسم سلیمانی، لیلیات والفجر هشت شد. رهبر انقلاب ختانی به نقش لشکر در آن عملیات اشاره و آن را لشکری شجاع، فداکار و آفرین دانستند و خصوص فرمانده آن شد: «الحمد لله خدای اوزار برای ما نگه داشته عز یز آن ماست.»



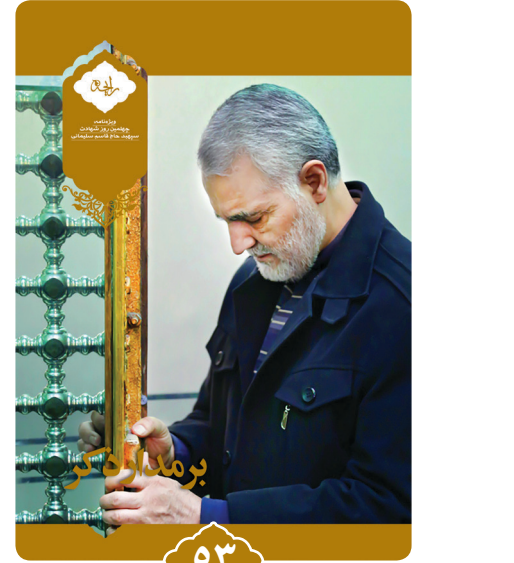
۵۶

الشهید سلیمانی: تجسید لآیات القرآن



۷۵

برمدار ذکر



۵۳



۴۰

سخن نخست

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (سوره مائده، آیه ۵۴).

سیزدهم دی ماه ۱۳۹۸ را تاریخ جهان همواره به یاد خواهد داشت؛ روز شهادت مجاهدی بزرگ و نستوه و همیشه در سنگر که بیش از چهل سال با ظلم و استبداد و استکبار مبارزه کرد. فرمانده مقتدر خاکریزهای امتداد یافته از دفاع مقدس تا دفاع از عتبات عالیات و از شلمچه تا موصل و از مهران تا حلب و از فاو تا بوکمال؛ مردی که نامش لرزه بر اندام جنایتکاران کاخ سفید و اشغالگران قدس می انداخت و نهضت ها و مبارزان جبهه حق و عدالت و آزادی چون کوهی استوار به او اتکا داشتند. شهید حاج قاسم سلیمانی مصداق بارز و تعبیر عینی آیه فوق به شمار می آید. او عاشق خداوند بود و شهادت را برای وصال معشوق آرزو می کرد. در مقابل مؤمنان و مردم، خاضع و متواضع و صمیمی و مهربان و در برابر دشمنان، قاطع و مقتدر و باصلابت بود و همه عمر شریف و پربرکت خود را صرف جهاد در راه خدا کرد. برای توصیفش از کدامین ویژگی ها و صفات و نقش ها و قابلیت هایش باید سخن گفت؟ از اینکه مالک اشتری بود برای رهبری و بازوی قدرتمندی برای انقلاب اسلامی و ستون مستحکمی برای اقتدار و قدرت ملی. از نقش بی بدیل او در شکل دهی و توسعه جبهه مقاومت علیه استکبار جهانی و صهیونیسم و به شکست کشاندن کلیه طرح های آن هادر منطقه غرب آسیا. از مبارزه اش با غده سرطانی رژیم اشغالگر قدس. از نقش محوری اش در جنگ علیه فتنه داعش و تروریسم تکفیری

که اگر در نطفه خفه نمی شد، دهه های سیاه و خونینی را برای نه تنها کشور ما، بلکه قلمرو مسلمین و عالم بشریت رقم می زد. از نقش راهبردی اش در عمق بخشی به انقلاب اسلامی و اعتلای قدرت و نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی ایران. از جایگاه رفیعش به عنوان تکیه گاه و حامی و یاور نهضت های آزادی بخش، به طوری که از سیدحسن نصرالله در لبنان گرفته تا احمدشاه مسعود در افغانستان و از ابومهدی المهندس در عراق تا بدرالدین حوثی در یمن او را رفیق شفیق و یار صدیق خود می دانستند. از مجاهدت و جانفشانی اش در پاکسازی منطقه جنوب شرق کشور از لوث وجود اشرار و برقراری امنیت در آن خطه و از رزم شهادت طلبانه اش در هشت سال دفاع مقدس و بنیانگذاری و فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله. اما شرح هر کدام از این عرصه ها و برهه های افتخار آفرینی شهید سلیمانی مستلزم قلم فرسایی طولانی و مفصلی است؛ مخلص کلام آنکه شهادت حاج قاسم موجب اعتلای انقلاب اسلامی شد و روح تازه ای در کالبد مقاومت دمید و فصل جدیدی را در تاریخ مبارزات ضد استکباری گشود. اَلَيْسَ الصَّبْحُ بِقَرِيبٍ (سوره هود، آیه ۸۱).

سردار سرتیپ یعقوب زهدی

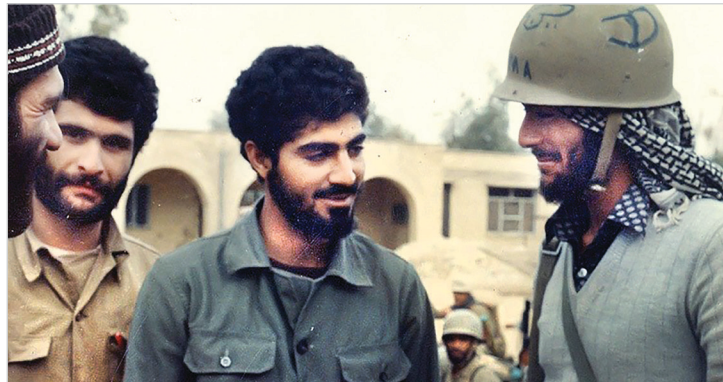
این شماره نشریه «رایحه» تلاشی است از سر ارادت، پیشکش به مقام شامخ سپهبد شهید سلیمانی، سید شهدای مقاومت، که به همت خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا) و با همکاری سازمان توسعه روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاحتی و زیارتی ایران و عراق تهیه و منتشر شده است.

سپهر

ویژه نامه
چهلمین روز شهادت
سپهرید حاج قاسم سلیمانی

فرمانده روزهای سخت





بازخوانی نقش سردار شهید قاسم سلیمانی در دفاع مقدس
دفاع از مرز و جبهه مقاومت؛

سردارِ پرافتخارِ اسلام و ایران

قاسم سلیمانی سال ۱۳۳۵ در قنات ملک کرمان به دنیا آمد. او در ۱۲ سالگی، روستای زادگاه خود را ترک کرد و مشغول به کار بنایی در کرمان شد و چندی بعد نیز به عنوان پیمانکار در سازمان آب مشغول به کار شد. سلیمانی در همان ایام و از سال ۵۵ فعالیت‌های انقلابی خود را آغاز کرد. قاسم سلیمانی دوسال مانده به انقلاب با حجت الاسلام رضا کامیاب از اهالی شهر مشهد که در ماه‌های رمضان برای تبلیغ به کرمان می‌آمد، آشنا شد و به انقلابیون پیوست. رفاقتشان اما در هفتم مرداد ۶۰ که سازمان مجاهدین خلق (منافقین) کامیاب را ترور کرد و به شهادت رساند، ناتمام ماند. البته این دوستی کوتاه باعث شد قاسم سلیمانی با یک روحانی مبارز از مشهد به نام حجت الاسلام سیدعلی خامنه‌ای آشنا شود. او پس از پیروزی انقلاب و با تأسیس سپاه به عضویت این نهاد انقلابی درآمد. سلیمانی برای مدتی مربی آموزشی سپاه در کرمان بود و با آغاز جنگ تحمیلی و پیش از اجرای عملیات طریق القدس، همراه با یک گروهان به سوسنگرد رفت و برای همیشه در جبهه‌های جنگ ماندگار و در عملیات‌های بزرگ و موثری در قامت فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله نقش آفرین شد.

شهیدان محمد حسین یوسف‌اللهی و قاسم

میرحسینی دو یار برجسته سردار سلیمانی در دفاع مقدس بودند. یوسف‌اللهی از فرماندهان اطلاعات عملیات لشکر ثارالله و عارفی بود که سردار سلیمانی به او عشق می‌ورزید و بنا بر وصیتش پیکرش در کنار مزار آن عارف شهید در گلزار شهدای کرمان به خاک سپرده شد. شهید میرحسینی نیز قائم مقام لشکر ثارالله بود که سردار سلیمانی در وصافا گفته بود، در هر مأموریتی جای خالی او را حس می‌کنم.

سردار سلیمانی به پاس رشادت‌هایی که در دوران دفاع مقدس انجام داد، مفتخر به دریافت ۳ نشان «فتح» از سوی فرمانده معظم کل قوا شد؛ البته هیچگاه دیده نشد که آن نشان‌ها را بر لباس خود نصب کند.

اگر بخواهیم دوران خدمت ۴۰ ساله فرمانده ۶۳ ساله نیروی قدس را به سه بخش تقسیم کنیم، اولین بخش آن در تابستان سال ۶۷ و با پایان جنگ تحمیلی به اتمام رسید. اگرچه جنگ برای برخی در این تاریخ تمام شد، اما برای قاسم سلیمانی آغاز دوران جدیدی بود که انجامش ۹ سال طول کشید. از جمله مسئولیت‌های لشکر ۴۱ ثارالله به فرماندهی او پس از پایان جنگ، مقابله با اشراق، قاچاقچیان و برهم‌زنندگان امنیت در جنوب شرق کشور بود. قاسم

سلیمانی به دلیل آشنایی با جغرافیای این منطقه، توانست کارنامه قابل قبولی از خود و نیروهای تحت امرش به جای بگذارد.

اما مهم‌ترین دوران فرماندهی «حاج قاسم» از اواسط سال ۷۶ و وقتی که ۴۲ ساله بود، آغاز شد؛ مسئولیتی که دامنه تأثیرات آن مرزهای جغرافیایی کشور را در نوردید و تأثیرات زیادی بر گستره جغرافیایی جهان اسلام گذاشت. در کارنامه فرماندهی سردار سلیمانی در نیروی قدس، نقاط درخشان بسیاری وجود دارد که بسیاری از آن‌ها شاید برای همیشه پنهان بماند؛ اما آنچه لااقل در ظاهر و برای نمونه می‌توان دید، تقویت و ثبات حزب‌الله لبنان، تقویت نیروهای مقاومت فلسطینی در جریان جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه و ۸ روزه و نیز شکل‌گیری و تقویت محور مقاومت به خصوص در ۸ سال اخیر و پس از شروع بحران در سوریه و عراق است. شیوه و منطق کاری نیروی قدس در این کشورها و در بسیاری از نقاط دیگر که نیازمند کمک از سوی جمهوری اسلامی ایران برای دفاع از خاک و جان مسلمین هستند، فعال کردن ظرفیت‌های خفته در همان کشورهاست. به طور مثال در عراق «حشد الشعبی» و در سوریه «بسیج مردمی» (قوات دفاع وطنی) تشکیل شد و



“
قاسم سلیمانی
به عنوان
نماینده ایران
در سفر به
مسکوطی
مذاکره با
پوتین رئیس
جمهور
روسیه
توانست
از ظرفیت
عملیاتی
روس ها برای
پیشبرد
اهداف جبهه
مقاومت
استفاده کند

مستشاران نظامی ایران در سوریه بود. آشنایی این دو سردار به سال های دفاع مقدس بازمی گشت. سردار همدانی از فرماندهان تیپ محمد رسول الله (ص) و فرمانده یگان های انصارالحسین و قدس بود که پس از دفاع مقدس مسئولیت های مختلفی از جمله فرماندهی سپاه تهران بزرگ داشت.

به هر ترتیب، سخن گفتن از مردی که بیش از نیمی از عمر ۴۰ ساله خدمت خود را در گمنامی و مجاهدت های خاموش گذرانده کار آسانی نیست، سال ها باید بگذرد تا کسانی پیدا شوند و بتوانند برخی از نقاط ناشناخته کارنامه درخشان این مجاهد نستوه را برای افکار عمومی آشکار کنند تا شاید از آن طریق بهتر بدانیم حقایق پنهان از مجاهدت های این فرمانده شهید را درک کنیم.

در نهایت آمریکایی ها در یک عملیات تروریستی که نام آن را آذرخش کبود گذاشته بودند و ترامپ فرماندهی آن را بر عهده داشت، سردار قاسم سلیمانی را همراه با مجاهد ابومهدی مهندس در فرودگاه بغداد به شهادت رساندند. همراهی و وحدت مجاهدان و سرداران شهید سلیمانی، مغنیه، ابومهدی مهندس، علیرضا توسلی (ابوحامد) و... نشانی می دهد که جبهه اسلام بیش از گذشته متحد تر است.

و مصداق «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى» بود که به خاطر مجاهدت شبانه روزی شما و همزمانتان به شما پاداش داده شد.»

در ادامه سردار سلیمانی به پاس رشادت هایش در دفاع از حریم ملت و حرم اهل بیت (ع) اسفند ماه سال ۱۳۹۷ به عنوان نخستین فرمانده نظامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی مفتخر به دریافت نشان عالی «ذوالفقار» از سوی حضرت آیت الله خامنه ای شد. البته او پس از پایان جنگ ۳۳ روزه حزب الله لبنان با رژیم صهیونیستی نیز مفتخر به دریافت نشان فتح از سوی رهبر انقلاب شد. راز موفقیت فرمانده نیروی قدس در برقراری ارتباط با توده های مردمی کشورهای مسلمان را بدون شک باید در دهه های قبل و در جریان سال های دفاع مقدس جست و جو کرد. قاسم سلیمانی که به وضوح تحت تأثیر روحیات به جامانده از دوران جنگ تحمیلی بود، سعی کرد تا این فرهنگ را در تمامی گستره جبهه مقاومت بسط و گسترش دهد و در واقع با تمسک به همین ویژگی بود که توانست جبهه متحدی از مجاهدان کشورهای اسلامی را دور هم جمع کند. دوستان و همزمان شهیدی هم که در جبهه مقاومت به شهادت رسیدند، همانند او بودند. سردار شهید حسین همدانی فرمانده

با کمک آنها و هدایت و مشاوره نیروی قدس سپاه، بساط تروریست ها در این دو کشور تقریباً جمع شد. در کنار فرماندهی بی نظیر سردار سلیمانی در میدان جنگ، در خلال همین بحران ها بود که افکار عمومی با چهره دیگری از «حاج قاسم» آشنا شد؛ چهره ای که او را در قامت یک سیاستمدار و دیپلمات کار کشته نشان می داد که توانایی اقناع و همراه سازی دیگر کشورها را برای ورود به جبهه جنگ مقابله با تروریست ها در سوریه دارد. قاسم سلیمانی به عنوان نماینده ایران در سفر به مسکوطی مذاکره با پوتین رئیس جمهور روسیه توانست از ظرفیت عملیاتی روس ها برای پیشبرد اهداف جبهه مقاومت استفاده کند.

نقش بی بدیل سردار سلیمانی در مدیریت منطقه و مقابله با دشمنان، القابی چون «شیخ فرمانده»، «قدرتمندترین فرد خاورمیانه» و «کابوس اسرائیل» را از سوی آمریکایی ها و اسرائیلی ها برای او به دنبال داشت. سردار سلیمانی حدود سه ماه پیش از پایان یافتن سیطره داعش، در یک سخنرانی قول داد تا سه ماه دیگر بساط حکومت داعش برچیده خواهد شد. در نهایت او در تاریخ ۳۰ آبان ۹۶ در نامه ای به فرمانده معظم کل قوا پایان سیطره داعش را اعلام کرد. رهبر انقلاب نیز در پاسخ عنوان فرمودند: «این نصرتی الهی



روایتی از روزهای هم سنگری؛

راز دست سردار

سردار مرتضی قربانی، از فرماندهان دوران دفاع مقدس، از روزهایی گفت که با سردار سلیمانی ۲۲ روز در کانالی یک متری زیر آتش ۵۰ هزار گلوله ایستادند تا ایران بایستد. از روزی که همه گمان کردند حاج قاسم سلیمانی شهید شده، اما دستش را اول فرستاده بود تا خودش بعداً برود. از آغاز جنگ که سردار سلیمانی از کرمان؛ باکری از تبریز؛ خرازی، کاظمی و... هر کدام از جایی آمدند تا در یک نقطه برای دفاع مقدس جمع شوند.

● کدام عملیات دوران دفاع مقدس سبب آشنایی شما با شهید سلیمانی شد؟

اولین دیدار من با او در آبان ۱۳۶۰ برای عملیات طریق القدس و فتح بستان بود. در ابتدای جنگ هنوز لشکرهای استان‌ها تشکیل نشده بودند و نیروها به شکل گردانی از استان‌ها می‌آمدند و در اهواز بین خطوط پدافندی توزیع می‌شدند. ما از اولین یگان‌هایی بودیم که تشکیل شد و گردان‌هایی از نقاط مختلف به آن ملحق شدند. از کرمان هم ۳۰۰ نیرو به فرماندهی حاج قاسم سلیمانی به اهواز آمدند و به ما پیوستند.

اولین باری که همدیگر را دیدیم و صحبت کردیم، ایشان را بسیار باوقار و توانمند دیدم. آوردن ۳۰۰ نیرو از کرمان به اهواز و مستقر کردن آنها در دشت وسیع سوسنگرد، آن هم با کمترین امکانات، بسیار سخت بود. او جوهره بالایی داشت و گردان خودش را در عملیات طریق القدس به نحو شایسته آموزش داده و به خط دشمن زده بود.

از سوسنگرد تا بستان ۴۰ کیلومتر بود که برای

رسیدن به بستان نصف مسیر را با پدیم جنگیدیم. جاده را به بچه‌های اصفهان، سمت راست را به شهید چمران و سمت چپ را به سردار سلیمانی واگذار کرده بودم و او هم به بهترین شکل منطقه را شناسایی و نیروهای خود را برای شب عملیات به خط آورده بود. عراقی‌ها آماده‌باش کامل بودند، اما حاج قاسم از خط حضور نیروهای خودی به سمت نیروهای دشمن رفت و خط دشمن را شکست؛ درگیری و آتش سنگین دشمن آغاز شد. بعد به سمت خط دوم و گرفتن جاده تعاون حرکت کرد که در آنجا مورد اصابت تیر کالیبر دوشکای دشمن قرار گرفت و دستش تا آرنج شکافته و تمام عصب‌های دستش پاره شد.

بنابراین، تماس ما با حاج قاسم قطع شد؛ علت را پرسیدم، بی‌سیم چی گفت: «حاج قاسم شهید شد». پرسیدم: «کی اونجاست؟» بی‌سیم را بنی‌اسدی گرفت و گفت: «حاج قاسم مورد اصابت تیر دوشکای دشمن قرار گرفته و بیهوش است. شاید هم شهید شده باشد.»

چند نفر از بچه‌های اصفهان را فرستادم و گفتم سریع حاج قاسم را به عقب بیاورید؛ از نقطه‌ای که زخمی شده بود تا خط خودمان دو کیلومتر راه بود و از خط ما تا سوسنگرد شش کیلومتر. حاج قاسم را در بخشی از مسیر با برانکارد و در بخشی دیگر با آمبولانس آوردند و به سوسنگرد و بعد اهواز بردند. الحمدلله گردانش عملیات را به خوبی انجام داد و تا آخر عملیات هم ماند. زحمت بخش اعظم فتح بستان را سردار متحمل شد.

۲۵ روز بعد برای صحبت در مورد عملیات فتح‌المبین به قرارگاهی در منطقه شوش رفتیم و سردار سلیمانی را دیدم. دستش را گچ گرفته بود. دستی که در فرودگاه بغداد قطع شد، همان دستی بود که در جنگ مجروح شده و از کار افتاده بود. حضور دوباره سردار نشانه بزرگواری و اخلاق کریمه او بود، زیرا با وجود اینکه دستش از کار افتاده و مجروحیتش سنگین بود، به صحنه نبرد بازگشت.

● شهید سلیمانی در چه عملیات‌های دیگری حضور داشتند؟

بعد از اینکه مسئولیت تیپ ثارالله را به سردار دادند، او به سمت ارتفاعات دالپری رفت و در عملیاتی که در دشت عباس، از ارتفاعات مورموری، انجام شد حضور داشت. در این عملیات باید ۱۰ کیلومتر از ارتفاعات پایین می‌رفتند، در حالی که پشت سرشان هیچ جاده و امکاناتی نبود؛ سپس به دشتی می‌رسیدند که پر از تانک بود. حاج قاسم در منطقه دشت عباس و تنگه ابوقریب مردانه ایستاد و دشمن را شکست داد و همراه با سردار حاج حسین خرازی و شهید متوسلیان پیروزی بزرگی را به دست آوردند.

همچنین، او ۱۵ سال فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله بود؛ در عملیات‌های بزرگی مثل والفجر ۸، خط‌شکنی و تا عمق منطقه خور عبدالله پیش‌روی کرد و در عملیات‌های کربلای چهار و پنج بخش اعظمی از جزیره ام‌الرصاص با فرماندهی او از دشمن پس گرفته شد. عملیات کربلای چهار ناموفق بود، در عملیات کربلای پنج در کنار هم بودیم و با عنایت خدا توانستیم ۲۲ روز در شش تا هفت کیلومتری

بصره با دشمن جنگ سختی را به پایان برسانیم. در این عملیات ابتدا با حاج قاسم از یک آبگرفتگی پنج کیلومتری و سیل‌بند یک کیلومتری به نام کانال ماهیگیری عبور کردیم و به دژی در غرب کانال رسیدیم؛ در آنجا ۲۲ روز داخل کانال در

تماس ما با حاج قاسم قطع شد؛ علت را پرسیدم، بی‌سیم چی گفت: «حاج قاسم شهید شد». پرسیدم: «کی اونجاست؟» بی‌سیم را بنی‌اسدی گرفت و گفت: «حاج قاسم مورد اصابت تیر دوشکای دشمن قرار گرفته و بیهوش است. شاید هم شهید شده باشد.»

اشرار کرمان، سیستان و بلوچستان و اهواز که آنجا را ناامن کرده بودند مقابل کند؛ ایشان طی یک سال امنیت را به منطقه بازگرداند. در کهنوج با طراحی بسیار خوب با یکی از اشرار روبه‌رو شد که هزار تفنگچی داشت و در کوه‌ها در برابر نظام می‌جنگید؛ رئیس این اشرار گردن کلفت بود؛ حاج قاسم او را گرفت و پس از تأدیب، بر سر سفره خود نشاند. معتقد بود باید کاری کنیم که همین آدم شرور از نیروی‌های جمهوری اسلامی و مدافع ولایت فقیه شود. سپس مشکل اشتغال در منطقه را پی گرفت و برای اهالی شغل ایجاد کرد.

● درباره تحولاتی که به واسطه جسارت و درایت این فرمانده بزرگ رخ داد توضیح دهید.

حاج قاسم از روزی که نیروی قدس را تحویل گرفت، راهی کشورهای همسایه به خصوص عراق، سوریه و لبنان شد. او برای انقلاب شهادت را انتخاب کرده بود و پای آن هم ایستاد. سردار طی این ۴۰ سال اهل هیچ جناحی نبود. من پس از ۴۰ سال هم‌سنگری و همسایگی با فردی که ۲۲ روز با هم در کانالی یک متری بودیم و حتی نمی‌توانستیم کفش‌هایمان را در بیاوریم و آتش و خون بر سرمان می‌بارید، از او یک کلمه خلاف فرمان امام و رهبری نشنیدم. شکل‌گیری و قدرت گرفتن جبهه مقاومت یکی از برکات هشت سال دفاع مقدس است و سردار آن را برای همه گروه‌ها و احزاب متفرق به یادگار گذاشت. حاج قاسم حشش نبود در ایران، عراق، سوریه یا لبنان به دست داعش یا منافقان شهید شود. البته شهادت مقام والا ای است و انسان به دست هر خبیثی که شهید شود، خداوند جایگاه در خوری به او اعطا می‌کند، اما او به دست شقی‌ترین‌ها شهید شد.

● میراث و دستاورد سردار چه بود و برای حفظ آن چه باید کرد؟

میراث ایشان عزت، کرامت، وحدت، برابری، برادری و قدرت برای تمام جوامع اسلامی بود و باید برای پاسداشت این میراث و نگهداری از این میثاق، وحدت داشته باشیم. در انتخابات پیش رو نباید بی‌تقوایی وجود داشته باشد. شهید سلیمانی و همراهانشان باعث عزت اسلام و انقلاب شدند. بنابراین هر فردی و یا هر مسئولیتی باید مراقب حفاظت از این صلابت و عزت باشد.



جنگ سختی در گرفت و حاج قاسم دوباره خوش درخشید.

● چگونه یک فرمانده نظامی می‌تواند صلابت را با عفو و مهربانی تلفیق کند؟

فرماندهان ما در جنگ از کرامت اخلاقی بالایی برخوردار بودند. خداوند این توفیق را به اکثر فرماندهان جنگ، خصوصاً سردار سلیمانی، عنایت کرده و در وجودشان محبتی پایان‌ناپذیر قرار داده بود. حدود ۴۰ سال با هم رفیق و ۲۵ سال همسایه دیوار به دیوار بودیم؛ روحیه سردار باعث جذب نیروها و پرسنل تحت امر و سایرین شده بود.

● فعالیت‌های شهید سلیمانی بعد از جنگ به چه چیزی معطوف شد و استراتژی ایشان چه بود؟

بعد از جنگ، حاج قاسم به شرق کشور رفت تا با

مقابل دشمن بودیم. چند روز اول را با حاج قاسم بودم و سپس لشکر حضرت رسول (ص) به کمک آمد. در این ۲۲ روز سه لشکر ایرانی با ۳۰ درصد ارتش عراق جنگید. گاهی صبح‌ها یک تیپ حمله می‌کرد و بعد از ظهر تیپ دیگری. من و سردار سلیمانی در کانال یک متری بودیم؛ این کانال را عراقی‌ها کنده بودند و ما از آن استفاده و آتش را هدایت می‌کردیم. روزی ۵۰ هزار گلوله و کاتیوشا روی سر ما می‌ریخت، ۲۲ روز ضرب در ۵۰ هزار گلوله، حساب کنید چند گلوله بر سر ما ریختند؟ در این عملیات تلفات سنگینی به بعضی‌ها وارد و موجب پیروزی بزرگی شد که در نتیجه قطعنامه ۵۹۸ رقم خورد. در عملیات‌های دیگری نیز مثل کربلای یک برای فتح مهران کنار یکدیگر بودیم و سپس تا نزدیکی شهر بدریه یعنی ۲۰ کیلومتر داخل خاک عراق پیش رفتیم و تمام ارتفاعات مسلط بر منطقه مهران را تصرف کردیم؛ در آنجا هم



حاج قاسم
از روزی که
نیروی قدس
را تحویل
گرفت، راهی
کشورهای
همسایه به
خصوص
عراق، سوریه
و لبنان شد. او
برای انقلاب
شهادت را
انتخاب کرده
بود و پای آن
هم ایستاد

(روایت قالیباف از ۴۰ سال رفاقت با «حاج قاسم»

شهید سلیمانی «مامی توانیم» را محقق کرد

محمدباقر قالیباف، فرمانده لشکر ۵ نصر در دوران دفاع مقدس و عضو فعلی مجمع تشخیص مصلحت نظام، که در کنار شخصیت‌هایی همچون شهید احمد کاظمی بیشترین همدلی و رفاقت را با شهید سلیمانی داشت، در این یادداشت که به مناسبت چهلمین روز عروج آن سردار پرافتخار برای مجله رایحه نگاشته شده است به ویژگی‌هایی از شهید سلیمانی اشاره می‌کند؛ ویژگی‌هایی که می‌تواند چراغ راه ملت ایران برای عبور از مشکلات و سختی‌ها باشد.

حدود ۴۰ سال از نزدیک با شهید سلیمانی عزیز همدل بودم و رفاقت داشتم. اگر بخواهم از اوصاف این مرد خدا بگویم، باید سال‌ها بگویم و بنویسم، اما اجمالاً به این نکات بسنده می‌کنم که شهید سلیمانی از ابتدای جوانی تالحنه شهادت پیوسته و بدون وقفه مجاهدت کرد و رزمنده یک‌ه‌تاز میدان دفاع از ایران و اسلام بود، به طوری که هر چه به دوستان و یادگاران دفاع مقدس نگاه می‌کنم نمی‌توانم کسی را نام ببرم که ۴۰ سال بی‌وقفه مانند او با گمنامی در صحنه خدمت به مردم و انقلاب بوده باشد. اگر رعب دشمنان از توفیق‌های بی‌در پی حاج قاسم در جبهه مقاومت نبود، هیچ‌گاه چهره او را در رسانه‌های خود مطرح نمی‌کردند و حاج قاسم مثل قبل همچنان در گمنامی تمام به خدمت خود ادامه می‌داد.

سلیمانی کسی بود که برای خدا کار می‌کرد و کلامش، قلمش، قدمش، فکرش و همه

چیزش برای خدا بود و از آنجا که همه قلب‌ها در اختیار خداست، همه در شهادتش سوختند. مادر یکی از شهدای مدافع حرم به من می‌گفت: «وقتی فرزندم شهید شد گریه نکردم، اما وقتی خبر شهادت شهید سلیمانی را شنیدم گریستم و هنوز پس از چند روز احساس می‌کنم که آرام و قرار ندارم و قلبم می‌سوزد.»

امروز ادامه راه این شهید بزرگوار از هر موضوعی مهم‌تر است؛ باید توجه کنیم که یک فرد روستازاده از روستاهای دوردست کرمان چگونه فرصت یافت تا خدماتی بزرگ به بشریت، ایران و اسلام ارائه کند. در واقع بازخوانی شخصیت او موجب می‌شود تا جوانان در گام دوم انقلاب بتوانند با خودباوری و با اتکا به داشته‌های گران‌سنگ خود، مسیر رشد و شکوفایی را پیمایند و مشکلات کشور را حل کنند.

اولین و مهم‌ترین ویژگی شهید سلیمانی اتکال به خداوند بود. او در دوران دفاع

مقدس می‌گفت که ما مکلف به دفاع از کشور و اسلام هستیم و کمبود امکانات و تجهیزات نباید در اراده ما تأثیر بگذارد. او به سنت الهی ایمان داشت و هنگامی که تیری به سمت دشمن شلیک می‌کرد، معتقد بود که هدایتش با خداست. خودباوری همراه با اتکال به خدا درسی بود که ما و او از مکتب امام‌را حل (ره) و مقام معظم رهبری آموختیم و باور کردیم که اگر در راه خدا گام برداریم، خدا پیروزی را تضمین می‌کند.

دومین ویژگی شهید سلیمانی، مردم‌باوری و مردم‌داری بود. او مردم را گرچه گشای هر کاری می‌دانست و در خدمت به مردم با همه وجود پای کار می‌آمد و از خدمت و محبت به مردم لذت می‌برد. یکی از برجستگی‌های اخلاقی او، احترام خاص و باور نکردنی‌اش به مردم بود، فارغ از اینکه آن‌ها را بشناسد یا نه. در این میان به یک قشر هم به طور ویژه ارادت داشت و آن خانواده‌های شهدا بودند. وقتی فرزندان شهدا خدمتش می‌آمدند و او را سردار سلیمانی خطاب می‌کردند، به آن‌ها می‌گفت که اگر به من بگویند «سردار» ناراحت می‌شوم و همه بچه‌های شهدا به او عمومی گفتند. با اینکه بُعد امنیتی کارش بالا بود و مشغله کاری بسیاری هم داشت، اما به تلفن بچه‌های شهدا همیشه پاسخ می‌داد و همواره در خانه‌اش به روی آن‌ها باز بود.

تکیه به خداوند در کنار مردم‌باوری باعث شد که شهید سلیمانی در دوران دفاع مقدس و پس از دورانی که تأمین امنیت جنوب شرق ایران را به عهده داشت، موفقیت‌های بی‌نظیری را کسب کند، موفقیت‌هایی که عملاً کسب آن‌ها به دلیل کمبود امکانات و پیچیدگی اوضاع ممکن نبود. شهید سلیمانی با این دو ویژگی بیش از دو دهه نیروی قدس سپاه پاسداران را مدیریت کرد و توانست با به کارگیری ظرفیت‌های مردمی در کشورهایی مثل لبنان، سوریه، عراق، یمن و ... جبهه مقاومت را به موقعیتی ممتاز برساند، چنانکه رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه با حزب الله لبنان و جنگ ۱۱ روزه با غزه شکست خورد.

سومین ویژگی شهید سلیمانی، اعتقاد به

“
**شهید
سلیمانی کسی
بود
که بر اساس
شعار ما
می‌توانیم
حرکت می‌کرد
و اعتقاد به
سنت‌های الهی
را پستوانه
حرکتش
قرار می‌داد**



کرامت انسانی و ظلم ستیزی بود. روزی که تکفیری های جنایتکار، مردم بی گناه را به خاک و خون می کشیدند او برای دفاع از مردم مظلوم سوریه و عراق ایستاد و آن کشورها را از سقوط حتمی نجات داد. مردم کشورها را دسته بندی نمی کردند و نمی گفت چه کسی شیعه و چه کسی سنی است؟ نمی گفت چه کسی مسلمان و چه کسی مسیحی و یهودی است؟ چه کسی عرب است و چه کسی عجم؟ همه را فارغ از دین و مذهب یاری کرد.

چهارمین ویژگی شهید سلیمانی از میان انبوه ویژگی ها و برجستگی های اخلاقی اش، تبحر در مسائل سیاسی و دیپلماتیک بود. او اهل هیچ جناح و حزبی نبود و همه مسائل سیاسی را به خوبی تحلیل و با بصیرت در خط ولایت حرکت می کرد. ایشان فقط مرد جنگ نبود، بلکه اهل گفت و گو، مذاکره و سخن هم بود اما سخنی که منطقی قوی داشته باشد و به سنت های الهی و باورهای انقلاب متکی باشد.

اگر امروز مشکلاتی در کشور وجود دارد، به دلیل نبود اعتقاد به سنت های الهی است. وقتی امام راحل (ره) فرمودند «ما می توانیم» یعنی ما می توانیم اگر معتقد به سنت های الهی باشیم. شهید سلیمانی کسی بود که بر اساس شعار ما می توانیم حرکت می کرد و اعتقاد به سنت های الهی را پشتوانه حرکتش قرار می داد.

فراموش نکنیم که مردم در جریان تشییع پیکر مطهر شهید سلیمانی، یک رفراندوم واقعی از باورها و جوهره انقلاب را به نمایش گذاشتند و نشان دادند که هوادار آرمان های انقلاب و جریان مقاومت هستند، انقلابشان را دوست دارند و پیوندشان با امام راحل (ره)، مقام معظم رهبری و شهدا مستحکم است و فقط از ناکارآمدی ها و عملکرد برخی مسئولان گلایه دارند. مردم ما از مسئولان انتظار دارند که با خودباوری، اتکال به خداوند متعال، توجه به ظرفیت های مردمی و عمل به سنت های الهی، شعار «ما می توانیم» را، که شهید سلیمانی به آن جامه عمل پوشاند، محقق کنند.

هم‌زمان شهید سردار سلیمانی در دوران دفاع مقدس

شهید مهدی زندی نیا

مسئول ادوات لشکر ثارالله و پاسدار نمونه این لشکر بود. حاج قاسم وقتی اورابه عنوان پاسدار نمونه معرفی کرد، مانند فرزندی که مادر خود را از دست داده، گریه کرد.

شهید قاسم میر حسینی

قاسم میر حسینی از دیار سیستان و قائم مقام لشکر ثارالله بود که در عملیات کربلای پنج آسمانی شد. حاج قاسم می گفت: «در هر مأموریتی جای خالی اورا می بینم.»

شهید محمد حسین یوسف اللهی

شهید یوسف اللهی از فرماندهان اطلاعات عملیات لشکر ثارالله بود. او عارف و اصلی بود که قاسم سلیمانی در فراق او اشکها ریخت و پیکر اربا اربا شده حاج قاسم در کنار مزار آسمانی او آرام گرفت.



دلاوری های شهید حاج قاسم سلیمانی

در هشت سال دفاع مقدس

یک عمر مجاهدت

شهید سلیمانی و هشت سال جنگ تمامی

جانبازی در راه خرمشهر

مجروحیت در طریق القدس

قاسم سلیمانی در مرحله دوم عملیات بیت المقدس برای بررسی وضعیت نیروها، عازم خطوط مقدم شده بود که ناگهان گلوله خمپاره ای در کنار خود روی او منفجر و گرد و غبار بلند شد.

نفس ها در سینه ها حبس شد؛ اتفاق به خیر گذشت، اما چند ترکش به بدن او اصابت کرد.

عملیات طریق القدس که منجر به آزادسازی بستان شد، اولین عملیاتی بود که قاسم سلیمانی در قامت فرمانده گردان کرمانی ها وارد عمل شد.

او در این عملیات بر اثر انفجار گلوله خمپاره از ناحیه دست و شکم به شدت مجروح شد، دستی که از پیکر او سالم ماند، یادگار آن عملیات بود.

شهید حسین بادپا

از دفاع مقدس تا دفاع از حرم همراه با حاج قاسم بود. سردار سلیمانی به او علاقه خاصی داشت و در وصف او گفته بود: «حسین بادپا چه بسا از شهید یوسف‌اللهی پیشی گرفت.»



شهید محمدعلی الله‌دادی

الله‌دادی هم همچون بادپا از دفاع مقدس تا دفاع از حرم همراه با حاج قاسم بود. سردار سلیمانی هنگام دفن پیکر او از مردم پرایش حلاوت طلبید و مردم با نوای حاج قاسم زیارت عاشورا قرائت کردند.



شهید حسین پورجعفری

پورجعفری از روزهای سخت جنگ تا لحظه شهادت سردار سلیمانی همراه او بود. دختر شهید سلیمانی می‌گوید: «ایشان بدون پدرم آب و غذایم خورد و بدون پدرم نمی‌خوابید. ایشان نماد مجاهدی صادق بود.»



شهدای مبارزه با حکومت امپریالیست آمریکا

شهید نادر مهدوی

در پایان جنگ تحمیلی عراق، آمریکا خود به صحنه آمد و در خلیج فارس جنگ جدیدی را به ایران تحمیل کرد. نیروی دریایی سپاه تمام‌قد در برابر نیروهای متجاوز آمریکایی ایستاد و ابهت آنان را شکست. نادر مهدوی به همراه چند تن از نیروهایش در ۱۶ مهر با آمریکایی‌ها درگیر شد و قهرمانانه به شهادت رسید.



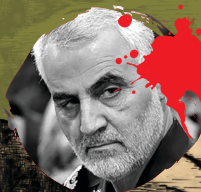
شهید علی‌زارع نعمتی

فروردین ۶۷ آمریکایی‌ها در عملیاتی، که نام آن را آخوندک گذاشته بودند، به سکوهای نفتی ایران حمله کردند. ناوگان نیروی دریایی ارتش با تروریست‌های آمریکایی درگیر شد و دریادلان ایرانی در اولین روز از ماه مبارک رمضان حماسه خلق کردند و فرمانده آنان شهید زارع نعمتی بود.



شهید قاسم سلیمانی

فرمانده نیروی قدس سپاه و سردار مبارزه با تروریسم که ۴ دهه از عمر خود را صرف دفاع از کیان اسلامی کرد. او بامداد سیزدهم دی ۹۸ پس از استقبال رسمی از سوی عراقی‌ها، در فرودگاه بغداد مورد حمله تروریستی یک پهپاد آمریکایی قرار گرفت و همراه با ابومهدی المهندس به شهادت رسید.



قوی شدن تیپ ثارالله

عملیات رمضان، عملیات سختی برای رزمندگان ایرانی بود. اگرچه رزمندگان با عدم موفقیت همراه شدند؛ اما تیپ ثارالله به فرماندهی قاسم سلیمانی توانست در این عملیات و پس از آن، واحدهای زرهی، ادوات و توپخانه راه بیاندازد و بیش از گذشته قدرتمندتر شود و در عملیات‌های بعدی قدرت خود را نشان دهد.

درخشش در فتح‌فاو

نقطه اوج و درخشش فرماندهی قاسم سلیمانی در عملیات والفجر هشت نمایان شد. رهبر انقلاب در سخنانی به نقش لشکر ثارالله در آن عملیات اشاره کردند و آن را لشکری مقتدر، شجاع، فداکار و افتخارآفرین دانستند و در خصوص فرمانده آن فرمودند: «الحمد لله خدای متعال او را برای مانگه داشته و جزء عزیزان ماست.»

تداوم درخشش

عملیات کربلای پنج، عملیات بزرگ رزمندگان اسلام در سال ۶۵ بود. لشکر ثارالله، لشکری خط‌شکن در این عملیات بود. نیروهای قاسم سلیمانی توانستند اهداف پیش‌بینی شده را برآورده کنند، اما در این عملیات شهادت قاسم میرحسینی، قائم‌مقام لشکر، برای حاج قاسم و نیروهایش بسیار تلخ و سخت بود.

نبرد با منافقان

عملیات دوران دفاع مقدس بود که لشکر ثارالله و سردار سلیمانی نقش آفرین بودند. قاسم سلیمانی با نفوذ به عمق دشمن، ضمن شناسایی مواضع منافقان، شاهد جنایات آنان در شهر اسلام‌آباد غرب بود. او با چشمان خود دید که منافقان با حمله به بیمارستان اسلام‌آباد، زنان و کودکان را وحشیانه به شهادت رساندند.



توصیف سردار حسین علایی از شهید سلیمانی

دغدغه او قوی کردن جبهه مقاومت در برابر اسرائیل بود

سردار حسین علایی برای ما سلحشوری ها و مجاهدت های حاج قاسم را در دوران دفاع مقدس روایت می کند؛ آن روزها لشکر ۴۱ ثارالله به فرماندهی شهید سلیمانی ذیل قرارگاه نوح به فرماندهی حسین علایی فعالیت می کرد. این پیشکسوت جبهه و جنگ معتقد است که شهید سلیمانی فرمانده نیروهای ضد تروریسم ایران در محیط امن ملی جمهوری اسلامی محسوب می شد و دغدغه اصلی اش قدرتمند کردن جبهه مقاومت در برابر اسرائیل بود.

ایشان دارید؟

تقریباً در اکثر عملیات‌ها از نزدیک با شهید قاسم سلیمانی در ارتباط بودم و گاه در زمان یک عملیات مدت‌ها با هم بودیم. او هم هوشمندانه و خوب می‌جنگید و هم با صراحت نظرات خود را در جلسات برنامه‌ریزی برای عملیات‌های گوناگون مطرح می‌کرد. برای مثال در زمان طرح‌ریزی عملیات والفجر ۸ تعداد زیادی از فرماندهان لشکرهای خط‌شکن و نیز فرماندهان باتجربه سپاه با عبور قوای ایران از رودخانه اروند و تصرف رأس البیشه و فواف مخالف بودند، زیرا تجربه دو عملیات خیبر و بدر به آن‌ها نشان داده بود که بدون داشتن جاده و خطوط مواصلاتی و امکان پشتیبانی، علی‌رغم موفقیت اولیه، در نهایت عملیات با شکست مواجه خواهد شد، اما قاسم سلیمانی در کنار سایر فرماندهان قرارگاه نوح موافق انجام این عملیات بود، زیرا اطمینان داشت که مشکل آتش پشتیبانی در این عملیات حل و مهندسی قرارگاه قادر به نصب پل بر روی اروند خواهد بود. لذا او برای عبور نیروهای لشکر ثارالله از اروندرود با دقت برنامه‌ریزی کرد، غواص‌ها را آموزش داد، یگان دریایی لشکر را آماده کرد و تمام توان لشکر را برای شرکت در عملیات به کار گرفت. بنابراین لشکر ثارالله در کنار سایر یگان‌ها در پیروزی عملیات فائز نقش مؤثری داشت.

البته قاسم سلیمانی با انجام عملیات کربلای ۵ مخالف بود، در حالی که بعضی دیگر از فرماندهان با آن موافق بودند. او در جلسات مربوط به عملیات کربلای ۵ به وضوح و با استدلال نظرات خود را در جلسات قرارگاه مطرح می‌کرد، اما وقتی تصمیم به انجام این عملیات گرفته شد، لشکر ثارالله با تمام توان در این عملیات شرکت کرد، زیرا او خود را مطیع نظر آقای هاشمی رفسنجانی، فرمانده جنگ و نیز فرمانده کل سپاه می‌دانست و معتقد بود: «فاذا عَزَمْتُ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ».

گرچه شهید سلیمانی روحیه‌ای حماسی داشت، ولی در مقابله با قوای دشمن بسیار واقع‌نگر و عمل‌گرا بود و کاملاً اجرایی فکر می‌کرد. در جلسات بررسی طرح‌های مانور در قرارگاه نوح، تاکتیک‌ها و طرح‌هایی را پیشنهاد و مطرح می‌کرد که قابل اجرا باشند. فرمانده لشکر ثارالله وقت زیادی را با فرماندهان گردان‌های این لشکر صرف می‌کرد تا در جریان جزئیات تاکتیک‌های آن‌ها و تداوم پیش‌روی برای شکستن خطوط

● پیش‌تر از سردار سلیمانی به عنوان یکی از ۱۰ فرمانده تأثیرگذار جبهه‌های دفاع مقدس یاد کردید. چه ابتکارات و خدمات ویژه‌ای از جانب ایشان در جنگ انجام می‌شد؟ مشی نظامی ایشان در مبارزه با دشمن چگونه بود؟ شهید قاسم سلیمانی تقریباً از روزهای اول شروع جنگ تحمیلی تا پایان آن در جبهه‌های مختلف حضور داشت و در راه خدا برای دفاع از کشور و مردم ایران لباس جهاد به تن کرده بود. او به تدریج چگونه جنگیدن و تاکتیک‌های مقابله با ارتش متجاوز بعثی را در جبهه‌ها یاد گرفت. قاسم سلیمانی موفق شد ابتدا تیپ و سپس لشکر ۴۱ ثارالله را با به‌کارگیری و سازماندهی نیروهای داوطلب استان‌های کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان بنیان نهد و آن را به یکی از واحدهای رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تبدیل کند. لشکر ثارالله، که قاسم سلیمانی فرماندهی آن را در طول جنگ بر عهده داشت، یکی از یگان‌های خوب رزمی ایران در دوران دفاع مقدس بود. او تقریباً در تمامی عملیات‌های بزرگی حضور داشت که منجر به بیرون راندن ارتش متجاوز عراق از خاک ایران شد. موفقیت در عملیات‌هایی مانند فتح‌المبین، بیت‌المقدس، والفجر ۸، کربلای ۵، مرهون فرماندهان و رزمندگان سلحشوری مانند اوست که توانستند تاکتیک‌های جدیدی را خلق کنند و در شیوه‌های رزمی نوآوری داشته باشند.

مشی نظامی فرماندهان رزمی سپاه از جمله شهید سلیمانی در جنگ تحمیلی، بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و ساختار فکری امام خمینی (ره) بود؛ بر مبنای این تفکر، فراهم کردن حداکثر توان برای غلبه بر خصم ضروری است. خداوند می‌فرماید: «وَاعِدُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» امام خمینی (ره) با تکیه بر دیدگاه اسلامی، دفاع را برای همه مردم واجب کفایی می‌دانستند. چنین اندیشه‌ای باعث شد تا افرادی مانند قاسم سلیمانی داوطلبانه به جبهه‌ها بروند و با تمام ظرفیت از تمامیت ارضی ایران دفاع کنند. آن‌ها کسب اطلاعات درست از وضعیت و چگونگی آرایش و گسترش دشمن را مبنای طرح‌ریزی‌های عملیاتی خود قرار داده و با تکیه بر روحیه سلحشوری و عاشورایی بسیجیان داوطلب، به نصرت الهی امیدوار بودند و قوای دشمن را آرام نمی‌گذاشتند.

● در دوران دفاع مقدس چه خاطره خاصی از



روایت

فرق ما با ارتش‌های کلاسیک دنیا

یکی از ویژگی‌های جنگ ما، که نابرابری‌ها را کنار زد، ابتکاراتی بود که در صحنه دفاع مقدس به وقوع پیوست. فرق ما با ارتش‌های کلاسیک دنیا در یک کلمه بود. در واقع فرق «حاج احمد متوسلیان»، «حاج همت» و فرماندهان شهید با یک فرمانده کلاسیک ارتش دنیا، علاوه بر معنویت و رفتارشان، در «بیا و برو» بود. یعنی فرمانده مادر صحنه جنگ می‌ایستاد جلو و می‌گفت: «بیا»، اما فرمانده کلاسیک می‌ایستاد عقب و می‌گفت: «برو». کسی که می‌ایستاد جلو و می‌گفت «بیا» تأثیر زیادی داشت و فداکاری‌های بزرگی کرد. لذا حجم شهادت فرمانده ما با هیچ جنگی قابل مقایسه نیست.

در دوران جنگ تحمیلی ۱۲ لشکر تازه تأسیس داشتیم. از بین آن‌ها ۷ فرمانده لشکر شهید شدند. از لشکر ۲۷ چهار فرمانده لشکر پشت سر هم به شهادت رسیدند. یعنی بعد از حاج احمد متوسلیان، چراغی، همت، حاج عباس کریمی، غلامرضا صالحی و حاج آقا کوثری شهید زنده هستند. نزدیک به ۸۰ درصد فرمانده گردان‌ها شهید شدند.

اگر خط‌شکنی و جلو ایستادن نبود، این اتفاق نمی‌افتاد. وقتی فرمانده می‌گفت بیا، نقش آن فرمانده مانند ملکه زنبور عسل بود. لذا تمام زنبورهای عسل دور او جمع می‌شدند. امروز شهید همت فقط اسوه و محبوب بچه‌های تهران نیست، بلکه او بیش از یک مرجع تقلید در کل کشور محبوب و مورد توجه است.

برگرفته از کتاب «حاج قاسم»



فرصت رسیدگی به امور زندگی و خانواده‌اش را نداشت. او دائم در مأموریت و کمتر در کنار خانواده بود. سعی می‌کرد در مسائل سیاسی داخل کشور تا جایی که ممکن است وارد نشود، هر چند مطیع فرمانده کل قوا بود. او با مسئولان کشتارهای مختلف در ارتباط بود و بسیاری از مسئولان منش وی را در دامن نژاد به مناقشه‌های داخلی می‌پسندیدند. گاهی اوقات به دنبال کاهش اختلافات داخلی برمی‌آمد و سعی در همگرایی داشت. برای سالگرد قیام ۱۹ دی قم مقاله‌ای نوشته بودم که نظرات و واکنش‌هایی را در پی داشت. او با حضور من و تعدادی دیگر از فرماندهان دوران دفاع مقدس جلسه‌ای را ترتیب داد تا از میزان مناقشات ناشی از چاپ آن مقاله بکااهد.

همچنین، او احترام پیشکسوتان جهاد و دفاع مقدس را همواره حفظ می‌کرد و روابط دوران جنگ را فراموش نکرده بود. دغدغه او قوی کردن جبهه مقاومت در برابر اسرائیل بود و می‌خواست مردم کشورهایی مانند لبنان و فلسطین در وضعیتی قرار گیرند که اسرائیل نتواند مثل گذشته هر وقت بخواهد به آن‌ها حمله و خانه و کاشانه آن‌ها را خراب کند و به اشغالگری ادامه دهد.

مقدم دشمن قرار گیرد و از درست بودن شیوه‌های جنگی آن‌ها مطمئن شود. گاهی در بعضی از عملیات‌ها من نیز در جلسات شهید قاسم سلیمانی با فرماندهان واحدهای لشکر ثارالله حضور می‌یافتم و از نزدیک شاهد خلوص، شجاعت و تأثیر رفتار و افکار حاج قاسم بر فرماندهان رده‌های مختلف این لشکر بودم.

● آیا ارتباطتان پس از دفاع مقدس هم ادامه داشت؟ مشی سیاسی و دغدغه همیشگی ایشان چه بود و زندگی‌شان از لحاظ اعتدال و ساده‌زیستی چگونه بود؟

در دوره‌ای که رئیس ستاد مشترک سپاه بودم، حاج قاسم سلیمانی از سوی سردار رحیم صفوی به فرماندهی نیروی قدس برگزیده شد. بنابراین در این دوره مرتب با او در ارتباط بودم، اما پس از آن، دیگر ارتباط سازمانی نداشتیم، ولی رفاقت ما تا آخرین روزهای حیاتش ادامه یافت. هر ساله در شب اربعین حسینی در منزلش عزاداری پرشوری را برپا می‌کرد و از من و خانواده دعوت می‌کرد که معمولاً شرکت می‌کردم. در خانه سازمانی سکونت داشت و زندگی‌اش به دور از زرق و برق بود و خیلی



دو مشخصه او
تواضع و جدیت
در جهاد بود
که به عنوان
میراثش به
یادگار مانده
است و باعث
ماندگاری راه
او خواهد شد.
بعد از شهادت
سردار قاسم
سلیمانی،
نیروی قدس
همچنان به
حیاتش ادامه
خواهد داد
و جریانات
مقاومت راه
ایشان را
تداوم خواهند
بخشید

گفت و گو

در یک دست قرآن در دست دیگر سلاح

ابو تحسین النجار، مسئول بخش قرآنی حشدالشعبی، شهید قاسم سلیمانی را مصداق مالک اشتر برای امیرالمؤمنین(ع) می‌داند. به نظر او زمانی که تصمیمات، رفتار، شیوه زندگی و کلام او را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که در بسیاری از موارد از جمله شجاعت، زیرکی، بُعد نظامی و... مطابق با سفارش‌های امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر است. شهید سلیمانی نخستین بنیانگذار جبهه مقاومت جهانی علیه استکبار و هیمنه آمریکایی در جهان است. نه تنها کشورهای اسلامی در منطقه، بلکه همه ملت‌های مظلوم روش او را رهایی‌بخش از هیمنه استکبار جهانی و آمریکایی می‌دانند. او هم صالح بود و هم مصلح. او به سوی اصلاح حرکت می‌کرد. به همین دلیل بر همه ملت‌های جهان تأثیر گذار بود.

باید بگوییم که بعد از حمله داعش به عراق و سوریه، در مدت ۱۰ روز حشدالشعبی تشکیل و شهید ابومهدی متوجه شد که دشمنان می‌خواهند قرآن را هدف قرار دهند. به همین دلیل دستور راهاندازی بخش قرآنی آن را داد، زیرا محور فعالیت‌های دشمنان هدف‌گیری مفاهیم و ارزش‌های قرآن بود. لذا از ابتدای صدور فتوا از سوی مرجعیت و تشکیل حشدالشعبی، اداره قرآن کریم نیز تأسیس شد و سردار سلیمانی از این اقدام بزرگ ابراز خرسندی کرد. تمام نیروهای حشدالشعبی قرآنی هستند و شعار آن‌ها این است که در یک دست قرآن و در دست دیگر سلاح داریم. البته این دوشهید بزرگوار نقش بسیار مهمی در حمایت از این اقدام قرآنی داشتند.

تشدید محاصره اقتصادی ایران و افزایش تحریم‌ها، نگرانی از تصمیم آمریکایی برای حمله محدود نظامی به ایران افزایش یافته است. ترور سردار سلیمانی نشان داد که آمریکا هر اقدامی را علیه ایران انجام می‌دهد. بنابراین نمی‌توان در برابر استفاده آمریکا از پایگاه‌های نظامی خود در این کشورها علیه ایران بی‌تفاوت بود. البته ایران نیز به جریان‌های مردمی در این کشورهایی توجه نیست و از جریان‌های مقاومت ضد صهیونیستی و ضد آمریکایی برای حفظ امنیتش حمایتی کند.

ممکن است برخی پیرسند چه اتفاقی افتاده که آمریکا تبدیل به دشمن ما شده است، اما با کشورهای مثل مالزی، امارات یا قطر مشکلی ندارد؟ نمی‌توان مثل چنین کشورهایی سیاست خارجی را طوری تنظیم کرد که بر اساس منافع متقابل با کشوری مثل آمریکا باشد. به نظر می‌رسد که مشکل فقط سیاست خارجی ایران نیست، بلکه ریشه اصلی معضلات خاور میانه بر نامه‌های آمریکا در منطقه به ویژه سیاست دولت ترامپ است که بسیار ضد ایرانی تلقی می‌شود. ایران در زمان او با آمریکا بر سر مسئله هسته‌ای توافق کرد، ولی ترامپ از برجام خارج شد و تحریم‌ها را گسترش داد و بر ارتفاع دیوار بی‌اعتمادی افزود. آمریکا نمی‌خواهد با جمهوری اسلامی روابط برابر و بر اساس منافع مشترک داشته باشد، بلکه در صدد است با زور بر ایران تسلط یابد. آمریکا در قطر و ژاپن پایگاه نظامی دارد و این کشورها نمی‌توانند برخلاف تمایلات آن سیاستی داشته باشند و ارتش آمریکادر عراق هم مستقر است. ترامپ از عربستان هم پول می‌گیرد و به این کشور انواع سلاح‌ها را می‌فروشد و نمی‌گذارد در آن کشور دموکراسی ایجاد شود. در ترکیه هم پایگاه نظامی اینجریلیک را دارا دومی‌گذار که دولت ترکیه از اسرائیل فاصله بگیرد. دولت آقای روحانی می‌خواست سیاست خارجی متفاوتی در برابر آمریکا و اروپا داشته باشد، اما ترامپ بیشترین فشارها را بر مردم وارد کرد و حتی اجازه تأمین داروی بیماران را هم نداد و بسیار خصمانه تمامی راه‌های دیپلماسی را با تحریم وزیر امور خارجه ایران بست و حتی اجازه سفر به او برای شرکت در جلسه شورای امنیت سازمان ملل را هم نداد و باعث شد او نتواند به اجلاس بین‌المللی داووس برود. در واقع آمریکا به دنبال منزوی کردن ایران است و می‌خواهد دوباره با ۴۰ هزار مستشار به ایران برگردد و ایران را در اختیار بگیرد و افراد وابسته به خود مثل پسر شاه را بگمارد. البته انشاءالله موفق نخواهد شد.

● نقش سردار سلیمانی را در حفظ امنیت کشور و مبارزه با تروریسم در دوران فرماندهی نیروی قدس سپاه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

پس از خاتمه جنگ تحمیلی، سردار سلیمانی، که فرمانده لشکر ثارالله بود، برای افزایش ضریب امنیتی در سیستان و بلوچستان بسیار تلاش کرد. در آن زمان شکل‌گیری گروه‌هایی مانند جیش‌العدل در پاکستان زمینه ایجاد ناامنی در بلوچستان را امکان‌پذیر کرده بود. حاج قاسم سلیمانی که فرمانده ارشد منطقه بود سعی می‌کرد گام‌هایی را برای رفع ناامنی در این منطقه مرزی بردارد، اما در دوره فرماندهی نیروی قدس، او در مبارزه با تروریسم دولتی مهم‌ترین نقش را برعهده داشت. در واقع قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای ضد تروریسم ایران در محیط امن جمهوری اسلامی بود. او در زمان حیات توانست با تروریسم ضد جمهوری اسلامی در کشورهای پیرامون مقابله کند، زیرا حضور گروه‌هایی مانند القاعده در افغانستان و داعش در عراق امنیت ملی ایران را تهدید می‌کرد. نیروی قدس توانست در درون این کشورها مقابله با تروریستی این گروه‌ها باشد. از طرفی نیروی قدس با کمک به تشکیل‌های ملی در کشورهایی مانند لبنان، عراق، یمن و سوریه و جریاناتی مانند حزب‌الله، حشدالشعبی و انصارالله توانست کشورهای آن‌ها را در مقابله با اسرائیل و عربستان و مداخله نظامی آمریکا تقویت کند. اگر خیال اسرائیل و آمریکا از امنیت واحدهای خود در پیرامونش راحت بود، بعضی از مراکز درون ایران در معرض حمله نظامی بودند. ممکن است این سؤال ایجاد شود که حضور ایران در منطقه چه توجیهی دارد؟ آیا حضور اقتصادی بر حضور نظامی اولویت ندارد؟ طبیعی است که توسعه رابطه اقتصادی با همسایگان و کشورهای منطقه از هر نظر اولویت دارد، اما باید ظرفیت کالاهای صادراتی ایران به گونه‌ای باشد که بتوان جایگاه مناسبی را در بازارهای کشورهای منطقه برای آن دید. باید هم دولت موانع تولید را بردارد تا تولید در فضای رقابتی افزایش یابد و زمینه صادرات انواع کالاها فراهم شود.

در ادامه باید بگوییم که آمریکا در کشورهایی مانند ترکیه، سوریه، عراق، عربستان، کویت، قطر، امارات، افغانستان و بحرین تعداد زیادی پایگاه نظامی و بیش از ۷۰ هزار نیرو دارد و معتقد است که با وجود پایگاه‌ها و افزایش کشتی‌های جنگی، از جمله ناو هواپیمابر در خلیج فارس، ایران را محاصره نظامی کرده است. همچنین، با خروج ترامپ از برجام و

● **سردار سلیمانی از چه زمانی وارد جنگ شد و شهید باقری در شناسایی و بروز استعدادهای ایشان چه نقشی داشت؟**

سردار سلیمانی مربی آموزشی سپاه در کرمان بود و در سال‌های ۵۸ و ۵۹ در کردستان حضور نداشت و تا اردیبهشت سال ۶۰ نیز نشانی از حضور ایشان در جبهه‌های جنوب نیست. قاسم سلیمانی در بهار یا تابستان سال ۶۰ نخستین بار به همراه یک گروه از نیروهای کرمانی که خود آموزش داده بود، به جبهه آمد و در پادگان گلف با حسن باقری دیدار کرد. به نظر می‌رسد، ایشان بنا بود آن گروه را به فرماندهان تحویل داده و خود به کرمان بازگردد که در دیدار با باقری مجذوب منش و شیوه فرماندهی او شد و تصمیم گرفت در جبهه‌های جنوب باقی بماند. از این رو حسن باقری خط کرخه‌کور را به او و نیروهایش واگذار کرد.

● **سردار سلیمانی برای نخستین بار به عنوان فرمانده در کدام عملیات نقش آفرینی کرد؟**

ایشان در عملیات طریق‌القدس، که در آذر سال ۶۰ انجام شد، به عنوان فرمانده گردان حضور داشت و زیر نظر تیپ کربلا به فرماندهی مرتضی قربانی به اجرای عملیات پرداخت. او در آن عملیات از ناحیه دست مجروح و در یکی از بیمارستان‌های اهواز بستری شد. وقتی شهید باقری به عیادت او رفت، سردار سلیمانی در خواب بود. بعد که به او خبر دادند، بسیار ناراحت شد و این اقدام شهید باقری نیز بر او تأثیر بسیاری گذاشت.

● **پس از این عملیات یگان ثارالله تشکیل شد؟**

پس از عملیات طریق‌القدس و پیش از اجرای عملیات فتح‌المبین، شهید باقری در گفت‌وگو با فرماندهان تلاش کرد تا یگان‌ها را توسعه بخشد. سردار سلیمانی که خطش در شوش بود با حسن باقری دیدار کرد. استعداد نیرویی قاسم سلیمانی کمتر از یک تیپ بود، اما حسن باقری به آن‌ها گفت که شما گروه رزمی هستید. البته یکی دو هفته قبل از آغاز عملیات فتح‌المبین گروه ثارالله به تیپ ارتقا یافت و تیپ امام حسین (ع) پشتیبان این یگان شد.

مسیر پرفراز و نشیب سلیمانی

دو چیزی که همواره در کوله پشتی خود داشت

سردار سلیمانی از فرماندهان عملیاتی دوران دفاع مقدس بود. او به تدریج استعداد و توانمندی خود را در فرماندهی به نمایش گذاشت. اخلاص و هوشمندی‌اش موجب شد که در عملیات‌های بزرگی همچون والفجر ۸ و کربلای ۵ به یکی از فرماندهان برجسته و مؤثر جنگ تحمیلی تبدیل شود. قاسم سلیمانی در به جمع فرماندهان پیوست و در نیمه نخست جنگ شرایط سختی را پشت سر نهاد، اما اعتماد حسن باقری و دیگر فرماندهان به او باعث شد تا با تجربه گرفتن از عدم موفقیت‌ها به فرماندهی تبدیل شود که در فاو، شلمچه و حلبچه گره از کار سپاه اسلام بگشاید. موفقیت‌های دو دهه اخیر سردار سلیمانی در جبهه مقاومت مدیون تجارب او از دفاع مقدس است و در سایه مرد بزرگی همچون حسن باقری، رشد یافت و به فرماندهی توانمند تبدیل شد. سردار سر تیپ فتح‌الله جعفری، اولین فرمانده زرهی سپاه و مدیر مؤسسه شهید حسن باقری، در این خصوص می‌گوید.



پنج ادامه یافت؛ در واقع در عملیات‌های والفجر هشت و کربلای پنج، که دو عملیات بزرگ و اثرگذار نیمه دوم جنگ تحمیلی بودند، سردار سلیمانی یکی از فرماندهان برجسته و مؤثر عملیاتی بود. مدتی که در کنار ایشان بودم، تواضع و خلوص ایشان را دیدم. قاسم سلیمانی با نیروهایش و فرماندهان لشکرش بسیار خوش‌برخورد بود و صمیمیت داشت. هر وقت هم که اسم شهدای لشکرش می‌آمد با لطافت خاصی سخن می‌گفت و قطره اشکی از چشمانش جاری می‌شد.

● پس از جنگ ارتباط شما با سردار سلیمانی چگونه بود؟

پس از جنگ ایشان فرمانده سپاه کرمان و فرمانده قرارگاه جنوب شرق نیروی زمینی سپاه بود و ارتباط ما کمتر شد. حاج قاسم زمانی که در کرمان حضور داشت، به منظور برقراری امنیت پایدار در مرزهای جنوب شرق کشور اقدام کرد. او زمینه‌های بسیاری را برای رونق اقتصاد و کشاورزی آن منطقه به وجود آورد که بر امنیت کشور اثر گذاشت.

تا سال ۷۶ فرمانده سپاه کرمان بود و پس از آن به فرماندهی نیروی قدس سپاه منصوب شد. آن زمان در ستاد فرماندهی سپاه و در کنار سرلشکر صفوی بودم. سردار سلیمانی اولین انتصاب دوره فرماندهی سرلشکر صفوی بود. به یاد دارم در جلسه معارفه خود گفت: «من از روزی که وارد سپاه و جنگ شدم، همواره دو چیز در کوله‌پشتی خود داشتم؛ نخست توکل به خدا و دوم اخلاص.»

● چه زمانی تیپ ثارالله به لشکر ارتقا پیدا کرد؟

یگان ثارالله پس از مدتی و در تابستان سال ۶۲ به لشکر ارتقا یافت. آقا رشید تصمیم گرفت برای تقویت این یگان به کرمان سفر کند و با فرمانده سپاه کرمان در این باره مذاکره کند. بنده به همراه حسن تهرانی مقدم و محمد باقری همراه ایشان به کرمان رفتیم. دو روز جلسات مداومی داشتیم. فرمانده سپاه کرمان موافق نبود و انتقاداتی داشت که با حمایت آقا رشید در نهایت تصمیم گرفته شد که یگان ثارالله تقویت و استعدادش به اندازه لشکر گسترش یابد. همزمان با آن جلسات، اولین فرزند سردار سلیمانی متولد شده بود. ما هدیه‌ای خریدیم و به منزل او رفتیم. از حضور ما بسیار خوشحال شد. ضمن اینکه در آن دیدار، خطاب به محمد باقری گفت: «تو را که می‌بینم، اشک در چشم‌هایم جاری می‌شود، چون تو مرا یاد حسن می‌اندازی و تو یادگار حسن باقری هستی.» لشکر ۴۱ ثارالله در عملیات‌های مختلفی همچون والفجر چهار، خیبر، والفجر هشت، کربلای چهار و پنج و والفجر ۱۰ حضور داشت.

● از چه عملیاتی فرماندهی سردار سلیمانی برجسته شد؟

عملیات والفجر هشت که منجر به آزادسازی فاو شد و عملیات پیروزمندانه‌ای برای رزمندگان اسلام محسوب می‌شود، زیرا نقطه درخشش سردار سلیمانی بود. در جریان عملیات در کنار ایشان بودم. این درخشش در عملیات کربلای

سردار سلیمانی هم از اسفند سال ۶۰ در جلسات فرماندهان حاضر شد؛ به عبارت دیگر یک سال و نیم پس از آغاز جنگ، سردار سلیمانی به جمع فرماندهان سپاه پیوست. به یاد دارم اولین باری که در جلسات حضور یافت، من برخی از فرماندهان را به قاسم سلیمانی معرفی کردم. ایشان انسان بسیار متواضعی بود و طی جلسات در گوشه‌ای می‌نشست و بیشتر گوش می‌داد تا اینکه بخواهد حرفی بزند. هر بار هم که از او گزارش می‌خواستند، با دقت گزارش خود را ارائه می‌کرد.

● عملکرد گروه رزمی ثارالله در عملیات فتح‌المبین چگونه بود؟

تیپ ثارالله در این عملیات تحت امر قرارگاه قدس عملیات کرد. این یگان در عملیات فتح‌المبین نتوانست اهداف تعیین‌شده را محقق کند. جمعی از فرماندهان ارشد بر آن شدند تا در فرماندهی این تیپ تغییر به وجود آورند و قاسم سلیمانی کنار گذاشته شود، اما حسن باقری با این تصمیم فرماندهان مخالفت کرد و گفت که اگر ایشان تغییر کند، به کرمان بازخواهد گشت و استعدادهایش شناخته نخواهد شد.

از نگاه حسن باقری، قاسم سلیمانی استعدادهایی داشت که باید به او میدان داده می‌شد تا رشد کند. در عملیات بعدی که عملیات بیت‌المقدس نام داشت، تیپ ثارالله تحت امر قرارگاهی عمل کرد که نقش پشتیبانی از دیگر قرارگاه‌ها را داشت. تیپ ثارالله در آن عملیات خوش درخشید و در عملیات‌های بعدی نیز نقش‌آفرین شد.

در اینجا بد نیست خاطره‌ای را ذکر کنم. پس از عملیات رمضان که عملیات ناموفقی برای ایران بود، آقامحسن رضایی فرماندهان یگان‌ها را در چادر فرماندهی جمع کرد. چراغ‌ها را خاموش کرد و توضیح داد که جنگ همراه با پیروزی‌ها و عدم موفقیت‌هاست و همه ما برای ادای تکلیف به جبهه آمده‌ایم. اکنون نیز اصراری نیست که کسی بماند. هر کس می‌خواهد می‌تواند برود. پس از صحبت‌های آقامحسن، همه لحظه‌ای سکوت کردند. سپس سردار سلیمانی برخاست و گفت: «آقامحسن ما ایستاده‌ایم و به دفاع از کشور ادامه خواهیم داد.»

سردار شهید حاج احمد کاظمی، هم‌رمز و یار صمیمی سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی بود. شخصیتی که حاج قاسم او را «خلاصه‌ای از امام خمینی (ره)» می‌دانست. او دوم مرداد ۱۳۳۷ در نجف آباد اصفهان چشم به جهان گشود. پدرش نجار بود و سپس به قالی بافی روی آورد. احمد نیز در اوقات فراغتش به پدر کمک می‌کرد و به یک قالی باف حرفه‌ای تبدیل شد. او هم‌زمان با قالی بافی و تحصیل، به فعالیت‌های ضد شاهنشاهی هم مشغول بود، تا آنجا که در عاشورای سال ۵۶ ساواک او را دستگیر کرد و مدتی در بازداشت به سربرد. البته مبارزات او به گونه‌ای بود که ساواک شیبانه‌روز به دنبال دستگیری او بود. احمد مجبور شد که برای ادامه فعالیت‌های انقلابی‌اش، استان اصفهان را ترک کند و چندین ماه پس از پیروزی انقلاب به این استان بازگردد. پس از بازگشتش، با شهید محمد منتظری راهی لبنان شد تا نبردهای چریکی را بیاموزد. بازگشت او به ایران هم‌زمان با شروع غائله کردستان بود. پس از این اتفاقات به کردستان رفت و در مبارزه با گروهک‌های ضد انقلاب مجروح شد و به اصفهان بازگشت. هنوز بهبود نیافته بود که ارتش حزب بعث به ایران حمله کرد و به جبهه رفت. او در مدت حضور ۸ ساله خود در جبهه‌های نبرد علیه دشمن بعثی، مسئولیت‌هایی را همچون فرماندهی جبهه فیاضیه آبادان، فرماندهی لشکر ۸ نجف و فرماندهی لشکر ۱۴ امام حسین (ع) بر عهده داشت و پس از دفاع مقدس نیز فرماندهی قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع)، قرارگاه رمضان، فرماندهی نیروی هوایی و نیروی زمینی سپاه را عهده‌دار شد. شهید کاظمی در سال ۱۳۷۹ طی حکمی از سوی فرمانده معظم کل قوا به سمت فرماندهی نیروی



شهیدی که خلاصه امام (ره) بود

یادداشت

چهره نورانی دفاع از مرز

کردستان شد. در سال ۱۳۶۰ سپاه تصمیم گرفت تا تعدادی از فرماندهانش را در غرب کشور برای تشکیل یک تیپ جدید به جبهه جنوب اعزام کند. نام شهید حسین همدانی در بین سردارانی همچون حاج احمد متوسلیان، شهید همت و شهید شهبازی بود. در این برهه شهید همدانی در کنار شهید محمود شهبازی، که تا آن زمان فرمانده سپاه همدان بود، نقش مؤثری را در تشکیل تیپ ۲۷ محمد رسول الله (ص) ایفا کرد. او در سال‌های میانی دفاع مقدس به فرماندهی لشکر ۳۲ انصارالحسین (ع) همدان منصوب شد. پس از تجربه فرماندهی دو لشکر در عملیات‌های مهم و سرنوشت‌ساز دفاع مقدس، سردار همدانی در عملیات مرصاد مسئولیت معاونت اطلاعات و عملیات قرارگاه عملیاتی قدس را بر عهده گرفت. او بعد از دوران دفاع مقدس به دانشگاه فرماندهی و ستاد رفت تا آنچه را به صورت تجربی در جنگ آموخته بود، به دیگران منتقل کند. پس از دافوس، به

سردار شهید حاج حسین همدانی از هم‌رمزمن و یاران شهید سلیمانی بود که در سال ۱۳۳۳ در شهرستان همدان دیده به جهان گشود. او دوره سربازی را در تیپ ۵۵ هوارد شیراز گذراند و سپس از جلسات درس استاد اخلاق، مرحوم آیت الله مدنی، بهره برد و با تفکرات امام خمینی (ره) آشنا شد و به سبب مبارزه با رژیم پهلوی، ساواک او را دستگیر کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کنار شهید محمود شهبازی نقش مؤثری در راه‌اندازی سپاه همدان داشت و با شروع درگیری‌ها در کردستان برای مقابله با ضد انقلاب راهی



خصلت در میان همه رزمندگان جنگ عمومیت داشت، لکن احمد در حد اعلاي آن قرار داشت. دو مشخصه دیگر هم در احمد بود که به نظر من او را از نظر معنوی، بیشتر از بقیه مشخصه‌ها، رشد دادند. یکی ادب بود و دیگری رازداری؛ خیلی کم در جمع‌های دیدم که کسی چنین خصلت‌هایی داشته باشد. برای فرمانده نظامی چنین خصلتی سخت است و اینکه می‌گویم احمد خلاصه‌ای از امام (ره) بود، واقعاً این‌طور بود.»

همچنین در مستند «نامه‌ای به احمد» شهید سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه اگر بخواهد به هم‌رزم شهیدش سردار فاتح خرمشهر حاج احمد کاظمی حرف یا نامه‌ای بنویسد چه می‌گوید. این شهید والا مقام اینگونه می‌گوید: «من همیشه به احمد (شهید احمد کاظمی) می‌گفتم «اللهی دردت بخوره تو سرم». اصطلاح من بودن نسبت به احمد، دورت بگردم. من دلم می‌خواست واقعاً، مکنونات قلبی من است. از خدا این رومی‌خوام که خدا هر چه سریعتر مرا به او ملحق کند. به او اگر بنویسم، این را خواهم نوشت «من را ببر»

«من کارهای بزرگی را به عهده ایشان محول کردم، کارهایی که به همه نمی‌دادم و اطمینان نمی‌کردم، ایشان به بهترین وجه آنها را به انجام می‌رساند. روزی که من یکی از این مأموریت‌ها را به ایشان محول کردم، بعضی در سپاه باور نمی‌کردند که ایشان بتواند این کار را انجام بدهد اما ایشان رفت و به بهترین وجه آن را انجام داد. ایشان جزء بهترین‌های من بود.»

پس از شهادت سردار کاظمی در سال ۱۳۸۴، حاج قاسم سلیمانی درباره او گفت: «احمد چند مشخصه اصلی داشت که همه این‌ها را از امام خمینی (ره) و از مکتب اسلام گرفته بود. امام (ره) به عنوان الگوی مجسمی در ذهن ما بود و وقتی در جنگ به احمد نگاه می‌کردیم، آن ویژگی‌ها را در او می‌دیدیم. او در مواردی از همه ما برجسته‌تر بود. یکی از مشخصه‌های بارز او زیرکی و به تعبیر درست‌تر «تدبیر» بود. همیشه وقتی درباره منطقه عملیاتی بحث می‌شد، او به خیلی از زوایا نگاه می‌کرد. لذا موافقت و مخالفت هایش معنا داشت. خصوصیت بعدی احمد شجاعت و جسارت بود. هر چند این

هوایی سپاه منصوب شد و در طول فرماندهی‌اش نیروی هوایی سپاه را از نظر ساختار و سازمان موشکی ارتقا داد. او پس از پنج سال خدمت ارزنده در نیروی هوایی سپاه، در سال ۱۳۸۴ حکم فرماندهی نیروی زمینی سپاه را از سوی فرمانده کل قوا دریافت کرد و طی سه ماه فعالیت شبانه‌روزی و سفرهای متعدد، از نزدیک به بررسی وضعیت یگان‌های نیروی زمینی پرداخت. شهید احمدی، همزمان با روز عرفة، در پی مأموریتی که در ۱۹ دی ۱۳۸۴ به همراه ۱۱ نفر از فرماندهان و پرسنل نیروی زمینی سپاه به استان آذربایجان غربی داشت، بر اثر سقوط جت فالکن حامل آن‌ها در نزدیکی ارومیه به فیض شهادت نائل آمد.



شهید کاظمی

در مدت حضور

۸ ساله خود

در جبهه‌های

نبردعلیه

دشمن‌بعثی،

مسئولیت‌هایی

را همچون

فرماندهی

جبهه‌هایضیه

آبادان،

فرماندهی

لشکر ۸ نجف

و فرماندهی

لشکر ۱۴ امام

حسین (ع)

بر عهده داشت

در خواست شهید کاظمی از رهبری

مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای طی بیاناتی در مراسم تشییع پیکرهای فرماندهان سپاه فرمودند: دو هفته پیش شهید کاظمی پیش من آمد و گفت از شما دو درخواست دارم: یکی این که دعا کنید من رو سفید بشوم، دوم این که دعا کنید من شهید بشوم. گفتم شماها واقعاً حیف است بمیرید؛ شماها که این روزگارهای مهم را گذراندید، نباید بمیرید؛ شماها همه‌تان باید شهید شوید؛ ولیکن حالا زود است و هنوز کشور و نظام به شما احتیاج دارد. بعد گفتم آن روزی که خبر شهادت صیاد را به من دادند، من گفتم صیاد، شایسته شهادت بود؛ حقش بود؛ حیف بود صیاد بمیرد. وقتی این جمله را گفتم، چشم‌های شهید کاظمی پر اشک شد، گفت: ان شاء الله خبر من را هم به‌تان بدهند! همچنین مقام معظم رهبری، در دیدار با خانواده شهید در سال ۱۳۸۹ درباره شهید کاظمی فرمودند:

منطقه را از خطر تجزیه و ترور یسم نجات دهد.

سرانجام سردار سرتیپ پاسدار حاج حسین همدانی در ۱۶ مهر ۱۳۹۴ و پس از سال‌ها جهاد و شادت، در حومه شهر حلب سوریه حین انجام مأموریت مستشاری به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

رهبر معظم انقلاب در پیام تسلیت خود به مناسبت شهادت سردار همدانی بیان فرمودند: «این رزمنده قدیمی و صمیمی و پر تلاش، جوانی پاک خود را در جبهه‌های شرف و کرامت، در دفاع از میهن اسلامی و نظام جمهوری اسلامی گذراند و مقطع پایانی عمر بابرکت و چهره نورانی خود را در دفاع از حریم اهل بیت (ع) و در مقابله با اشقیای تکفیری و ضداسلام سپری کرد و در همین جبهه پرافتخار به آرزوی خود یعنی جان دادن در راه خدا در جهاد فی سبیل الله نائل آمد.»

عنوان فرمانده قرارگاه نجف اشرف عهده‌دار تأمین امنیت مناطق غربی کشور شد و در این مسئولیت هم کارنامه درخشانی در برخورد با گروهک‌های ضدانقلاب به جای گذاشت. همچنین، انتخاب او به عنوان جانشین نیروی مقاومت بسیج برای دو دوره، معاون هماهنگ‌کننده نیروی زمینی سپاه، فرماندهی لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) و مشاور عالی فرمانده کل سپاه از دیگر مسئولیت‌های سردار پس از دوران دفاع مقدس است. یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های سردار همدانی، فرماندهی سپاه محمد رسول الله (ص) تهران بزرگ در دوران سخت فتنه سال ۸۸ بود.

سپس شهید همدانی در سال ۱۳۹۱ به پیشنهاد حاج قاسم سلیمانی و با تأیید سردار جعفری، فرمانده وقت سپاه پاسداران، به فرماندهی نیروهای مستشاری ایران در سوریه منصوب شد و توانست طی سه سال نبرد شبانه‌روزی با نیروهای تکفیری، سوریه و حتی

نشان داد و تا مرز شهادت پیش رفت. من از نزدیک شاهد فعالیت هایش بودم و احتمال شهادت سردار را بسیار زیاد می دانستم، اما خداوند تقدیر او را طوری رقم زد تا بماند، کارهای بسیار بزرگی انجام دهد و در اوج به شهادت برسد.

● به نظر شما، ویژگی های ممتاز فرماندهی شهید سلیمانی در دوره خدمتشان چه بود؟

شهید سلیمانی تاپیش از فرماندهی سپاه قدس از یک تجربه ۱۸ ساله در فرماندهی جنگ برخوردار بود و پس از هشت سال جنگ تحمیلی، مدتی به شرق کشور رفت و امنیت را در آن مناطق ایجاد کرد. حاج قاسم سلیمانی در مدت بیش از ۲۲ سالی که در نیروی قدس حضور داشت اموری را به ثمر رساند که کمتر کسی از عهده آنها برمی آمد. زمانی که داعش در قلب سوریه و عراق حضور یافت، او بلافاصله به منطقه رفت و برای دفع این شر بزرگ، رشادت های بسیاری به خرج داد. چنانکه حتی برخی از غربی ها پس از شهادت سردار سلیمانی گفتند که آمریکایی ها باید از قاسم سلیمانی تشکر کنند، زیرا شر تروریست های داعش را از روی زمین کند و آمریکایی ها و دیگر قدرت ها توانایی این کار را نداشتند.

شهید سلیمانی در کار خود دو شاخصه اساسی را رعایت می کرد؛ اول، به معنای واقعی کلمه پاسدار انقلاب اسلامی بود و دوم، برای اینکه تکلیفش را در حد اعلی انجام دهد همواره برای شهادت آماده بود. حاج قاسم همیشه احساس می کرد که از امثال شهید خرازی، حاج همت و... عقب افتاده است و دائم می گفت که منتظر شهادت هستم



جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران

شهادت حاج قاسم به شکست کامل امریکا در منطقه منجر می شود

سردار سر تیپ پاسدار علی فدوی، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از شخصیت هایی است که از دوران دفاع مقدس سابقه همراهی با شهید سلیمانی را داشته است؛ پای صحبت های این فرمانده بلند پایه نشستیم و از ایشان درباره شهید و الی مقام، حاج قاسم سلیمانی، پرسیدیم.

● آشنایی شما با شهید سلیمانی به چه زمانی بازمی گردد؟
آشنایی ما به نخستین سال های جنگ تحمیلی بازمی گردد، زمانی که او فرماندهی تیپ (و بعد

لشکر) ثارالله کرمان را برعهده داشت. البته حاج قاسم پیش از آغاز جنگ تحمیلی، در خنثی کردن توطئه های دشمنان رشادت ها کرده بود. در زمان دفاع مقدس نیز رشادت های بسیار زیادی از خود

گفت و گو

گشایش درهای محکم

شهید حاج قاسم سلیمانی سردار پرافتخار و بزرگ اسلام از اولیای الهی بود. او به دلیل یک عمر مجاهدت خالصانه و تلاش های صادقانه و شبانه روزی برای دفاع از سرزمین های اسلامی به این مقام دست یافته بود. سرلشکر مصطفی ایزدی، فرمانده قرارگاه سایبری و تهدیدات نوین نیروهای مسلح، در خصوص مشی و مکتب فرمانده سلیمانی می گوید: سپهبد سردار سلیمانی تربیت شده و پرورش یافته مکتب انقلاب اسلامی بود. این مکتب ریشه در عاشورا دارد. به همین دلیل از روزهای سخت جنگ تحمیلی تا نبرد با فتنه داعش، عاشورایی

جنگید و زندگی کرد. رهبر مکتب انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره)، به فرزندان رشید خود، که نمونه بارز آن سردار سلیمانی بود، آموخت که در میدان نبرد با دشمن مردانه بجنگند و در کنار مردم خود مهربان و رثوف باشند.

سردار سلیمانی خود را سرباز اسلام و وطن می دانست و شأنی بیشتر از این برای خود قائل نبود. روزگاری در جبهه های جنگ تحمیلی سرباز امام خمینی (ره) بود و پس از ارتحال ملکوتی آن امام عزیز، خود را سرباز رهبر معظم انقلاب دانست و تا آخرین لحظه خالصانه و ولایت مدارانه از مرزهای اسلامی دفاع کرد. همچنین از ویژگی های نبرد عاشورایی سردار سلیمانی این بود که هیچ گاه از نیروهایش عقب تر نبود. همیشه از آن ها جلوتر یا در کنارشان بود. او از دوره جوانی و وقتی که فرمانده لشکر ثارالله بود این ویژگی را داشت. حتی در شصت سالگی مانند دوره جوانی در میدان های نبرد

دیدگاه

شبیعه واقعی امیر المؤمنین (ع)

(عاقبت) این سردار بزرگوار، شهید سلیمانی، را نگاه کنید. به این مردمی که (برای او) در خیابان‌ها ریختند نگاه کنید، مگر دعوت‌نامه داده بودند؟ آیا به آن‌ها بابت این حضور پولی می‌دادند؟ هیچ چیز نمی‌دادند. پس چرا مملکت به هم ریخت؟

چون خدا می‌داند که این مرد بزرگ چقدر خدمت کرد و چقدر به داد مظلومان رسید.

خداوند در سوره مریم می‌فرماید: «أَنْ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا؛ آن‌ها که ایمان و عمل صالح دارند، خداوند محبتشان را به دل مردم می‌اندازد.» این جمعیت میلیونی، که در تهران، مشهد، اهواز، قم، کرمان و... به خیابان‌ها آمدند، بی‌سابقه بود، چون سردار سلیمانی مصداق این آیه بود. کاش وقتی این سردار عزیز در قید حیات بود، به او می‌گفتم که سردار، تو شیعه واقعی امیر المؤمنین (ع) هستی.

حجت الاسلام والمسلمین
استادفاطمی نیا



**شهید
سلیمانی
در کار خود
دو شاخصه
اساسی
را رعایت
می‌کرد؛ اول،
به معنای
واقعی کلمه
پاسدار انقلاب
اسلامی
بود و دوم،
برای اینکه
تکلیفش را
در حد اعلی
انجام دهد
همواره برای
شهادت آماده
بود**



و خداوند متعال هم شهادتی را که به مجاهدان راه خدا وعده داده است نصیبش کرد.

● استراتژی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پس از شهادت شهید سلیمانی برای تداوم راه ایشان چیست؟

بی‌شک این راه ادامه می‌یابد، چرا که استراتژی و راهبرد را امام ما و انقلاب گویای این امر است. امام خمینی (ره) بر اساس مکتب پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) این راه را ترسیم کردند و در حال حاضر نیز امام خامنه‌ای آن را ادامه می‌دهند و به فضل الهی با ادامه این راه شکست قطعی آمریکا رقم خواهد خورد. بیش از ۴۰ سال است که جبهه حق انقلاب اسلامی و جبهه باطل شیطان بزرگ با یکدیگر نبرد می‌کنند. آمریکایی‌ها بعد از آن همه پشتیبانی از صدام، مستقیماً از سال ۶۵ وارد جنگ با ما شدند و ناو و تعداد زیادی هواپیما به خاورمیانه آوردند، اما نتوانستند پیروزی کسب کنند. امروز بیشتر مردم دنیا و اکثر دولت‌های منطقه از

● زمانی که خبر شهادت سردار سلیمانی به شمار سید، چه چیزی در ذهنتان تداعی شد؟ زیباترین خاطراتم از او به یاد آمد، یعنی نبردها، رشادت‌ها، تلاش‌ها، شجاعت‌ها، فداکاری‌ها و صحنه‌هایی که نزدیک بود به شهادت برسد. البته همان‌طور که گفتم خداوند تقدیرش را طور دیگری رقم زده بود. او سال‌ها آرزوی شهادت داشت و در پی آن بود و به آرزوی خود رسید.

مراسم تشییع پیکر او و هم‌زمانش در شهرهای مختلف ایران و عراق حماسه خلق کنند؛ حماسه‌ای که در دنیا بی‌نظیر است و همتایی ندارد. سردار سلیمانی با مجاهدتی که در جبهه‌های مقاومت داشت، جریانی ایجاد کرد که امروز مادر فلسطین، لبنان، سوریه، عراق، یمن، افغانستان و... افرادی را می‌بینیم که با الهام از سردار سلیمانی، پرچمدار جبهه مقاومت هستند. بنابراین با ریخته شدن خون مطهر سردار سلیمانی و مجاهد بزرگ ابومهدی المهندس، جبهه مقاومت متوقف نخواهد شد، بلکه این جبهه با قدرت بیشتر رو به جلو حرکت خواهد کرد و هم قوی‌تر خواهد شد و هم گسترده‌تر. به برکت خون این شهید، نیروی قدس سپاه و جبهه مقاومت مقتدرتر از گذشته و با فرماندهی سردار قآنی به مسیر خود ادامه خواهد داد.

حاضر بود، او فرماندهی ممتاز در طراحی و سازماندهی بود و می‌توانست در اتاق‌های جلسات و فرماندهی بنشیند و تصمیم‌گیری کند، اما نه تنها صحنه نبرد را ترک نمی‌کرد، بلکه همواره در کنار نیروهایش در خط مقدم جبهه‌ها حضور داشت. خداوند متعال به دلیل مجاهدت‌های خالصانه سردار سلیمانی، درهای حکمت خود را به روی این بنده خالص گشوده بود. رهبر انقلاب نیز در سخنان خود به تدابیر این سردار سرافراز اشاره کردند. او هم شجاع بود، هم حکیم و هم باتدبیر. برای جهانیان حتماً عجیب خواهد بود که یک فرمانده نظامی مقتدر، عارف باشد. سردار سلیمانی به دلیل اینکه پرورش یافته مکتب عاشورا و انقلاب اسلامی بود، ابعاد روحی و عرفانی داشت که شاید هنوز برای بسیاری ناشناخته مانده باشد و همین ویژگی ایشان در کنار سلحشوری، تواضع و مردم‌داری موجب شد که مردم به او عشق بورزند و در

● شهید سلیمانی را از چه زمانی شناختید و کدام ویژگی اخلاقی ایشان پررنگ تر است؟

با شهید بزرگوار از سال ۱۳۶۱ در جبهه های دفاع مقدس آشنا شدم. او تیپ ۴۱ ثارالله را در خوزستان شکل داد و من هم تیپ ۳۳ المهدی را؛ بعد هر دو تیپ به لشکر تبدیل شد و توفیق داشتیم که در کنار هم فعالیت کنیم. رفاقت ما زیانزد خاص و عام بود و به همین سبب فرمانده نیروی زمینی وقت ما را تشویق کرد و از سوی ایشان هدیه دریافت کردیم.

سردار سلیمانی گوهری به نام اخلاص داشت که موجب شده بود از ابتدا به دنبال حقیقت باشد و در این راه تلاش کند. اعضای لشکر ۴۱ ثارالله افتخار می کردند که فرمانده آن ها حاج قاسم است، زیرا با اخلاص و مقتدر بود. مورد دیگر نظمش بود. او در سال ۱۳۷۶ به فرمانده نیروی قدس سپاه منصوب شد و من هم جانشین نیروی زمینی شدم. تقریباً یکی دوماه از آغاز مسئولیتش می گذشت که برای ملاقات خدمتش رسیدم. دیدم مشغول نوشتن است. گفتم چه کار می کنید؟ گفت: «برنامه ۲۰ سال آینده نیروی قدس را روی کاغذ نوشتم و در حال نهایی کردن آن هستم.» حاج قاسم نه فقط یک شخصیت شجاع و با اخلاص، بلکه انسانی بابرنامه بود. حاج قاسم تجلی «و صیکم بتقوی الله و نظم امرکم» بود؛ هم تقوا داشت و هم نظم. این ها سبب شد که کارهای بسیار بزرگی را در طول زندگی اش انجام دهد.

● مشی فرماندهی ایشان در عملیات ها چگونه بود؟ شجاعت و درایتشان چگونه به نیروهای رزمنده کمک می کرد؟

او در حالی که فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله یا فرمانده نیروی قدس سپاه بود، بارها و بارها در خط مقدم مثل سرباز جنگید؛ مثلاً در زمان پذیرش قطعنامه صدام می خواست خرمشهر را در اختیار بگیرد. حاج قاسم آن روزها به نبرد تن به تن با نیروهای متجاوز در خرمشهر پرداخت. این قدر درگیری نزدیک بود که وقتی صبح بلند شد، دید که با نیروهای عراقی یکجا خوابیده است! در همه صحنه هایی که کنار حاج قاسم بودم، شجاعت و درایتش را مشاهده کردم. هنگام عملیات به خط

روایت سردار اسدی از شهید سلیمانی؛

فردی به پرکاری او در جمهوری اسلامی سراغ نداشتیم

سردار محمدجعفر اسدی از فرماندهان دوران دفاع مقدس است که از ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ فرماندهی میدانی نیروهای سپاه را در سوریه عهده دار بود. شنیدن خاطرات ایشان که یآوری صادق و صمیمی برای شهید شهید حاج قاسم سلیمانی بود، پنجره های جدیدی را از شناخت وجوه اخلاقی و مشی نظامی سردار دل ها به روی ما می گشاید و بیش از پیش ما را با آفتاب مجاهدت های آن مرد خستگی ناپذیر مأنوس می کند.



این لشکرها به چند سپاه تبدیل شدند که بعدها خدمات آن‌ها به منطقه مشخص خواهد شد.

● به نظر شما خون شهید سلیمانی چه حاصلی برای ملت‌های مظلوم و مقاوم دارد؟

مصلحت خدا این بود که چهل سال دوم انقلاب با خون سردار سلیمانی بنیان گذاشته شود. چهل سال اول انقلاب را شهدای محراب و دفاع مقدس و... بنانهادند، اما معتقدم شهید سلیمانی به تنهایی بنیان چهل سال دوم انقلاب را گذاشت؛ همان‌طور که فرمانده محترم کل سپاه فرمودند، خون شهید سلیمانی بیشتر از قاسم سلیمانی سبب رعب دشمن می‌شود. بحمدالله فرمانده جدید نیروی قدس، اسماعیل قاتانی، انسانی بسیار خالص، صبور، شجاع و برنامه‌ریز است که در نیروی قدس حضور داشت. در تمام مدتی که حاج قاسم فرمانده سپاه قدس بود، امور استراتژیک در دست آقای قاتانی بود. او بسیار در سایه فعالیت می‌کرد و از روی تواضعی که در برابر حاج قاسم داشت، هیچ‌گاه در صدد مطرح کردن خدمات خود برنیامد. بعضی از روی مردانگی فرمانده خود را چنین گرامی می‌دارند و خداوند آن‌ها را بزرگ می‌کند. ان‌شاءالله در آینده خواهیم دید که به برکت خون حاج قاسم و فرماندهی اسماعیل قاتانی، سپاه قدس موفق‌تر از قبل به راه خود ادامه می‌دهد. وقتی تشییع پیکر او با چنین عظمتی در شهرهای مختلف ایران و عراق برگزار شد، یعنی راه حاج قاسم ادامه خواهد داشت. در واقع خون او از تمایل آشکار ملت ایران به استکبارستیزی پرده برداشت.

بخواهند مستقل شوند. حضور آمریکایی‌ها در افغانستان، پاکستان، عربستان، قطر، کویت، ترکیه و... با همین انگیزه بوده است. تنها کسی که در میدان تمام‌قد در مقابل آمریکایی‌ها و ولد خبیث آن‌ها، یعنی اسرائیل مبارزه می‌کرد، حاج قاسم بود.

در این شرایط آمریکایی‌ها احساس کردند که بشار اسد و سوط هلال شیعی قرار دارد و با توجه به اینکه به عراق حمله کرده و اوضاع آنجا را متزلزل کرده بودند، احساس کردند که اگر دولت بشار اسد را ساقط کنند، هلال شیعی از بین می‌رود، اما به دستور مقام معظم رهبری سرباز ولایت، حاج قاسم سلیمانی، به سوریه رفت. زمانی که او و شهید بزرگوار حاج حسین همدانی وارد سوریه شدند، از فرودگاه دمشق تا محل استقرار چند بار به ماشین آن‌ها تیراندازی شد، چون افراد مسلح کنترل بخش‌های زیادی از شهر را به دست گرفته و افراد مسلح تا ۴۰۰ متری کاخ بشار پیش‌روی کرده بودند.

به لطف خدا در طول هفت هشت سال گذشته نه تنها در سوریه و عراق، بلکه در کل منطقه نیت آمریکایی‌ها با وجود رشادتهای حاج قاسم محقق نشد. یکی از مهم‌ترین اقدامات شهید سلیمانی برای مبارزه با عناصر تکفیری در سوریه این بود که تجربه دفاع مقدس را به کار گرفت و دولت سوریه را متقاعد کرد که نیروی مردمی و دفاع‌وطنی داشته باشند. در پی این اقدام، ۵۰ هزار نیروی وطنی سوریه به میدان آمدند و تحولات جدیدی رقم خورد. شهید سلیمانی توانست در مدت سه چهار سال پنج لشکر تشکیل دهد و

اودر حالی که فرمانده لشکر

۴۱ ثارالله

یافرمانده

نیروی قدس

سپاه بود،

بارها و بارها

در خط مقدم

مثل سرباز

جنگید

مقدم می‌رفت و به بچه‌ها می‌گفت که بیایید! هیچ وقت عقب نمی‌ایستاد و به بچه‌ها نمی‌گفت بروید! او در طول ۲۴ ساعت بیشتر از دوسه ساعت نمی‌خوابید. بعضی وقت‌ها ۱۰ دقیقه می‌خوابید و بعد بسیار فعالیت می‌کرد.

● وقتی به زندگانی شهید سلیمانی پس از انقلاب اسلامی نگاه می‌کنیم، ایشان مدام در حال مبارزه و جهاد بود. نظر تان درباره خستگی ناپذیری‌شان چیست؟

تقریباً عموم پاسدارها توفیق یافتند که کل ایام دفاع مقدس یا حداقل بخش عمده‌ای از آن را در جنگ سپری کنند، اما یک نفر را می‌شناسم که از اول انقلاب تا زمان شهادت از اسلام و انقلاب دفاع کرد. هشت سال جنگ تحمیلی تمام شد و خیلی از ما پاسدارها زندگی‌مان را ادامه دادیم یا حداقل شب‌ها به منزل بازمی‌گشتیم!

اما حاج قاسم پس از جنگ به مبارزه با اشرار و قاچاقچیان مواد مخدر در جنوب شرق پرداخت و شبانه‌روز خود را در بیابان‌ها و کوه‌ها گذراند. او توانست سران تمام عشایر را جمع کند و فرایند خلع سلاح را انجام دهد که کار بسیار سختی بود و هر کسی از پس آن بر نمی‌آمد. بعد به فرماندهی نیروی قدس منصوب شد و تا پایان عمر در سوریه، عراق، لبنان و... به مجاهدت پرداخت. من کسی را در جمهوری اسلامی سراغ نداشته‌ام که به اندازه حاج قاسم از همسر و فرزندانش دور بوده باشد.

● با توجه به اینکه شما فرمانده میدانی نیروهای سپاه در سوریه هم بوده‌اید، بعضی این سؤال و انتقاد را مطرح می‌کنند که چه لزومی داشت جمهوری اسلامی در آنجا وارد عمل شود؟ نقش شهید سلیمانی در تحولات سوریه چه بود؟

وجود کشور خبیث و غارتگر آمریکا در منطقه به چه معناست؟ چند دهه قبل تمام جهان به دو بلوک شرق و غرب تقسیم می‌شد و کشوری را پیدانمی‌کنید که مستقل بوده باشد. کشور مازیل بلوک غرب بود. وقتی جمهوری اسلامی به همت امام عزیزمان (ره) استقرار یافت، ایران مستقل شد. بعد آمریکایی‌ها با هراس زیادی وارد منطقه شدند که مبادا انقلاب سرایت کند و دیگر کشورها هم



درخواست سردار از دانشجویان پزشکی عازم جنوب؛

دعای شهادت

سپهبد شهید قاسم سلیمانی، چه زمانی که فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله و چه وقتی که فرمانده نیروی قدس سپاه بودند، با گروه‌های متعددی از جامعه پزشکی، که در جبهه‌ها حاضر بودند، ارتباط داشتند. تمامی آن‌ها معتقدند که هیچ فرماندهی به اندازه سردار سلیمانی برای سلامت نیروها و بیش‌اولویت قائل نبودند؛ اگر کسی مجروح می‌شد، تا به سلامت او را به خانه بدرقه نمی‌کردند، از پانمی‌نشستند.

در زمان دفاع مقدس در خدمت ایشان بودم و با ایشان آشنا شدم، اما اولین باری که رودرو و اصطلاحاً دونفره هم صحبت شدیم، سال ۷۱ در دانشگاه علوم پزشکی تهران بود. حاج قاسم سلیمانی در آن زمان فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله بودند و ما از سال ۷۰ دانشجویان علوم پزشکی تهران را به مناطق عملیاتی دفاع مقدس در

دکتر ابراهیم متولیان، جراح عمومی و رئیس کنونی بسیج جامعه پزشکی کشور، از جمله پزشکی است که شهید سلیمانی را از دوران دفاع مقدس می‌شناسد. همچنین او طی سال‌هایی که نبرد در محور مقاومت در جریان بود از نزدیک با فرمانده نیروی قدس برای سلامت نیروهای مدافع حرم ارتباط داشت.

گفت و گو

ذخیره فدا از دفاع مقدس برای مأموریت‌های بزرگ‌تر

حاج حمید رضا فراهانی از پیشکسوتان جبهه و جنگ است که در عملیات‌های متعدد دفاع مقدس از جمله والفجر ۸ حضور داشت و سمت «راوی» را در لشکر ۴۱ ثارالله عهده‌دار بود. او با سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی انس و الفتی شبانه‌روزی داشت. بدین منظور او خاطراتی را از آن روزها بازگو می‌کند. شهریور یا مهر ۱۳۶۴ یکی از افرادی که پشتیبان راویان بود، ما را در هور، روی پل خیبر، به حاج قاسم معرفی کرد. معتقدم فرماندهان شهید دفاع مقدس از جمله شهید سلیمانی سیر بندگی و عبودیت را به درستی پیمودند و به

جنوب اعزام می‌کردیم و برای سخنرانی در این اردوها فرماندهان جنگ به عنوان راوی لحظه‌های ناب دفاع مقدس دعوت می‌شدند. در سال ۷۱ از حاج قاسم دعوت کردیم که به جنوب بیایند و برای دانشجویان سخنرانی کنند. ایشان کرمان بودند و اعلام کردند که در تهران می‌توانند به بدرقه دانشجویان بیایند. سردار به مسجد دانشگاه تهران آمدند و با سخنرانی غریبی همه دانشجویان را تحت تأثیر قرار دادند. پس از سخنرانی و بدرقه دانشجویان به جبهه‌ها، به من گفتند: «این جوانان دل‌های پاکی دارند. در خاک جبهه و در کربلای جنوب از آن‌ها بخواهید که دعا کنند شهید شوم». شهادت خواسته دل حاج قاسم از زمان دفاع مقدس بود و به همین منظور در همه صحنه‌ها حاضر می‌شدند.

ایشان از سلامت معنوی بسیار بالایی برخوردار بودند. اقداماتشان در حوزه‌های عملیاتی و اهمیت‌شان به نیروها بسیار قابل توجه بود. حاج قاسم به لحاظ شرعی و عاطفی همه شئون را رعایت می‌کردند. سردار علاوه بر مسئولیت‌های نظامی، به سلامت خانواده و نیروهای تحت امر خود نیز توجه ویژه‌ای می‌کردند؛ اگر یک نفر از نیروهای تحت امرشان بیمار می‌شد، تا زمانی که او را به مرکز درمانی نمی‌رساندند، آرام نمی‌گرفتند.

تواضع و افتادگی‌شان کم‌نظیر و مثال‌زدنی بود؛ معمولاً افراد نظامی نشان‌های خود را به سینه می‌زنند، اما ایشان تنها فرمانده‌ای بودند که با ساده‌ترین لباس در انتظار ظاهر می‌شدند. در واقع سبک زندگی ایشان برای مادرش بود. حاج قاسم به مسئولان و مدیران آموخته بودند که بدون

چنین جایگاهی رسیدند. شهید سلیمانی برای خود سیره، برنامه و هدف داشت و همواره براساس آن پیش می‌رفت. عبادتش مثال‌زدنی بود. وقتی در بحبوحه حملات دشمن به نماز می‌ایستاد، طمأنینه خاصی داشت. در طول مدتی که با او بودم به یاد دارم که شبی نماز شب نخوانده باشد. علاوه بر این، توجه و توسل حاج قاسم به ائمه اطهار (ع) و صف‌ناشدنی است. وقتی در جریان عملیات والفجر ۸ فاو به دست سربازان ایرانی افتاد، به حاج قاسم در سنگر فرماندهی بودم. دیدم به دیوار تکیه داده و در حالی که اشک‌هایش سرازیر است می‌نویسد. خیلی دوست داشتم بدانم چه چیزی می‌نویسد. به بهانه اینکه بادگیرم را بردارم، نزدیک شدم و دیدم روی کاغذ نوشته است: «شک بی‌بی فاطمه زهرا (س) و همت بسیجی‌ها فاو را آزاد کرد...» او در عین اینکه بسیار هوشیار، باهوش و اهل فکر بود، روحیه احساسی هم داشت. وقتی می‌دید یک بسیجی مجروح شده، به شدت متأثر می‌شد.

یادداشت

پله پله تا ملاقات خدا

سردار سلیمانی در آغاز به عضویت مجموعه «سپاه افتخاری» کرمان درآمد و هم‌زمان در سازمان آب هم مشغول به کار بود. جبهه‌های کردستان سرآغاز حرکت او در جبهه‌های نبرد بود که با شروع جنگ تحمیلی ادامه پیدا کرد؛ فصلی جدید که با آموزش گردان‌های سپاه کرمان آغاز و به فرماندهی سپاه ثارالله و حضور مؤثر در میدان‌های دفاع انجامید.

لشکر ۴۱ ثارالله؛ سال ۵۹ در قالب یک گردان شکل گرفت و یک سال بعد به تیپ ارتقا پیدا کرد و سال ۶۱ باز گسترش یافت و با ۳ تیپ و یک گردان زرهی، به‌عنوان لشکر ۴۱ ثارالله به فعالیت ادامه داد. سردار سلیمانی که از بنیان‌گذاران این لشکر بود، تا سال ۷۶ فرماندهی آن را برعهده داشت. لشکر ۴۱ ثارالله در دفاع مقدس در عملیات‌های نصر ۴، نصر ۵، کربلای ۱، کربلای ۴، کربلای ۵، بدر، خیبر، والفجر ۱، والفجر ۳ و والفجر ۴، عملیات رمضان، بیت المقدس و بیت المقدس ۷، فتح‌المبین و طریق‌القدس حضور داشت.



حاج قاسم
یک مکتب
است، یک
فرد نیست. از
شهادتشان
متأثر شدیم.
البته باعث
بیداری ما
شدند و
آموختند
که هنوز
برای احیای
سبک زندگی
دفاع مقدس
فرصت داریم



باید بگوییم که حاج قاسم یک مکتب است، یک فرد نیست. از شهادتشان متأثر شدیم. البته باعث بیداری ما شدند و آموختند که هنوز برای احیای سبک زندگی دفاع مقدس فرصت داریم. زمانی که ایشان فرماندهی محور مقاومت را عهده‌دار بودند، در حوزه بهداشت و درمان نیروها در ارتباط بودیم، رزمندگان متعددی از کشورهایی مانند عراق، پاکستان و افغانستان در جبهه حضور داشتند و برخی از آن‌ها مجروح می‌شدند. ما نیز پشت خط مقدم در مانگاه راهاندازی کرده بودیم؛ سردار شخصاً پیگیر رسیدگی به مجروحان بودند. بسیاری از رزمندگان بدون اجازه از کشورهایشان به جبهه آمده و با خطر زندان و حتی اعدام مواجه بودند. این مسئله مشکلاتی را ایجاد می‌کرد. تا اینکه سردار سلیمانی آن را حل کردند و برای آن‌ها و خانواده‌هایشان اردوگاه ساختند و مرتب پیگیر سلامت و رفاه آن‌ها بودند.

هیئت همراه رفت و آمد کنند و به میان مردم بروند. همچنین، توجه ایشان به خانواده حائز اهمیت است. به یاد دارم که خواهرشان بیمار و در بیمارستان ما بستری بودند. حاج قاسم تمام کارهای مربوط به خواهرشان را انجام می‌دادند و به ما می‌گفتند که این خواهر نقش مادری را برایم ایفا کرده است. در خاطرهای دیگر هم باید عرض کنم، حاج قاسم نوه‌های دوقلویی دارند که نارس به دنیا آمده‌اند و در بدو تولد به دو دستگاه انکوباتور برای این نوزادان احتیاج بود که فقط یکی خالی بود و در دستگاه دوم نوزاد دیگری بود. مادر آن نوزاد زمانی که فهمید سردار، پدر بزرگ نوزادان دوقلو هستند از پرسنل بیمارستان خواست تا انکوباتور را خالی کنند و در اختیار نوه سردار سلیمانی قرار دهند، اما سردار مخالفت کردند، چفیه خود را به او هدیه و به حرمت آن قسم دادند و گفتند که راضی به این کار نیستند.

که طمأنینه و لبخند داشت به من گفت: «چیه؟ می‌خواهی بروی عقب؟» گفتم: «حاج قاسم، تا تو نروی من هم نمی‌روم.» همچنین، شهید سلیمانی در سال‌های ابتدایی جنگ تحمیلی با احمد کاظمی، حسن باقری و ابراهیم همت بیش از همه رفاقت داشت. بچه‌های جنگ ستارگانی بودند که دیگر تکرار نمی‌شوند. همین امروز کسانی که با داعش جنگیدند، بچه‌های جنگ و پرورش یافته آن مکتب بودند. نگاه کنید ببینید چه کسی جای سلیمانی را پر کرد؟ سردار قاضی! او چه کسی است؟ از بچه‌های دفاع مقدس. حیف که او را به نامردانه‌ترین شکل ممکن به شهادت رساندند. کشوری که ادعای دموکراسی دارد، فاجعانه یک سردار فداکار را، که می‌توانست به ایران و حتی دنیا خدمات بیشتری را ارائه دهد، به شهادت رساند؛ باین حال مظلومیت و عظمت شخصیت او به حدی بود که می‌توانم در باره شهادتش بگویم: «مارأیت آلا جمیلا»

در همین عملیات برادر سردار عکس پسر حاج قاسم را برایش آورد؛ یک سال بود که به کرمان نرفته و نتوانسته بود فرزند خردسالش را ببیند. در آن روزها از به شهادت نرسیدنش متعجب بودم، چون بارها مجروح شده بود و در همان عملیات والفجر ۸ نیز بارها در معرض شهادت قرار گرفت، اما بعدها که مجاهدتش را در سپاه قدس دیدم، فهمیدم که خدا او را برای مأموریتی بزرگتر حفظ کرده بود. شجاعت و شهامت او بی‌نظیر بود؛ به یاد دارم که با سردار در ماشین بودیم و ارتش عراق یکسره بر سر ما آتش می‌ریخت، آتشی که زمین را تکان می‌داد. رانندگی در آن شرایط بسیار دشوار بود. راننده دستپاچه شده بود و ماشین در چاله‌چوله‌ها حرکت می‌کرد. در همین شرایط ناگهان حاج قاسم گفت: «ایست! برگرد عقب.» راننده پرسید: «چرا؟!» حاج قاسم گفت: «چون آن چاله را یاد رفت!» (با خنده) یادم هست که در این عملیات شیمیایی هم زدند و نفسم بند آمده بود، حاج قاسم در حالی

شهید ابومهدی المهندس و سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی، دو هم‌رزم قدیمی، سالیان درازی را در جبهه مقاومت دوشادوش یکدیگر جنگیدند و در پاکسازی سرزمین‌های اشغال شده عراق و سوریه از چنگ تروریست‌های تکفیری داعش نقش اصلی را ایفا کردند. ابومهدی خود را سرباز حاج قاسم می‌دانست و در یک مصاحبه تلویزیونی به این مورد اذعان کرده بود. در مقابل حاج قاسم نیز از روی ارادت گفته بود: «خیر، من سرباز ابومهدی هستم».

ابومهدی المهندس که نام اصلی او «جمال جعفر محمد آل ابراهیم» بود، سال ۱۹۵۳ میلادی (۱۳۳۲ شمسی) در شهر بصره عراق از پدری عراقی و مادری ایرانی متولد شد. ابومهدی در سال ۱۹۷۳ وارد دانشگاه پلی تکنیک بغداد شد و به تحصیل در رشته مهندسی عمران پرداخت و بعد از مدتی در زمینه راه و ساختمان مشغول به کار شد. همین موضوع باعث شد که «المهندس» لقب بگیرد. او بعدها در تهران در رشته روابط بین‌الملل فوق لیسانس و دکتری گرفت. سپس در کویت همسری ایرانی اختیار کرد و صاحب چهار دختر شد. ابومهدی در سال ۱۹۷۰ به حزب «الدعوه الاسلامیه» عراق پیوست و در درس حوزوی آیت‌الله سیدمحسن الحکیم نیز شرکت کرد. در دهه ۱۹۷۰ با افزایش نفوذ این حزب در میان جوانان و شخصیت‌های مذهبی و سرکوب آن از سوی حکومت حزب بعث، «الدعوه» به یک جریان انقلابی تبدیل شد که به مقاومت مسلحانه در برابر حکومتی پرداخت.

حاکمان بعثی عراق در سال ۱۹۷۵ پنج تن از اعضای حزب الدعوه را اعدام و در سال ۱۹۸۰



دره‌ن‌دسه شهادت و ایثار

یادداشت

عماد مغنیه یاد مالک اشتر می‌افتم، چرا که شهادت او عالمی را ویران و دنیایی را خوشحال کرد. عالم اسلام را در اندوه برد، اما موجب شادی دشمن شد، ولی مهم این است که اسلام یک قدرت مولد دارد. درست است که عماد مغنیه شخصیتی غیر قابل تکرار در نوع خود است، اما اسلام پیوسته شخصیت‌های بزرگی را تربیت و عرضه کرده و این راه به پایان نمی‌رسد.

عماد فائز مغنیه معروف به «حاج رضوان» در سال ۱۹۶۲ میلادی (۱۳۴۱ شمسی) در روستای طیر دبا از توابع صور لبنان و در خانواده‌ای متدین و مشهور به دنیا آمد. عموی او، حجت الاسلام والمسلمین جواد مغنیه، از علما و برجستگان شیعه در لبنان بود. هنوز شانزده سال از عمر عماد نگذشته بود که، تحت تأثیر شخصیت امام موسی صدر و حضرت امام خمینی (ره)، در سنگرهای مبارزه با رژیم صهیونیستی از جمله «فتح»

ستون مقاومت

عماد مغنیه، معروف به حاج رضوان و از شهدای جبهه مقاومت، شخصیتی است که سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی از او با تعبیری همچون «مالک اشتر» و «اسطوره زمان» یاد می‌کند. شهید سلیمانی درباره شهادت او می‌گوید: «امروز روز شهادت اسطوره زمان است. حقیقتاً من نمی‌شناسم در میان کسانی که شهید شدند یا در معرض شهادت‌اند اسطوره‌ای مثل مغنیه باشد، کسی که شهادتش بهت بزرگی را در عالم اسلامی به وجود آورد. من بعد از ارتحال امام خمینی (ره) در بین شخصیت‌های غیر روحانی شخصیتی مثل عماد را ندیدم که با شهادتش اندوهی را در عالم اسلامی به وجود آورد... من با شهادت



در مورد انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی (ره)، رهبر معظم انقلاب و حاج قاسم سلیمانی بیان کرد که به تازگی منتشر شده و طی آن گفت و گو درباره خصوصیات سردار سلیمانی گفت: «او یک بازوی مخلص آقا (مقام معظم رهبری) است. ایشان شهید زنده و فرماندهای شجاع، باهوش و در خط امام است. دنبال دنیا نیست و افرادی مثل ایشان کم هستند، حاج قاسم زمانی که خطر را تشخیص می دهد در دل خطر می جنگد. منتظر کسی نمی ماند.»

المهندس در سحرگاه جمعه سیزدهم دی ۱۳۹۸ در کنار یار دیرین و دلاور خود، سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، از سوی پهلادهای آمریکایی مورد هدف قرار گرفت و شهید شد. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای، درباره این دو شهید بزرگوار فرمودند: «شهید سلیمانی به همراه رفقای عزیزش همچون شهید ابومهدی المهندس آن مرد مؤمن و شجاع و بر خوردار از چهره نورانی و خدایی توانستند کارهای بزرگی را به ثمر برسانند.»

با ظهور داعش در منطقه، جنایات هولناکش و با سرعتی باورنکردنی که سوریه و عراق را درنوردیدند، فصل تازه ای در تاریخ مجاهدت های المهندس گشوده شد. بعد از فتوای مشهور حضرت آیت الله سیستانی، که حکم جهاد کفایی دادند و در آن از جوانان عراقی و به خصوص گروه های مقاومت خواستند که از جان و مال و ناموس و نظام سیاسی عراق دفاع کنند، سازمان حشد الشعبی تشکیل شد. حشد الشعبی یک نیروی مردمی و ملی جهادی است که در آن نیروهای شیعه، سنی، کرد، ترکمن، ایزدی و مسیحی حضور دارند و دو سال پس از تشکیل، با مصوبه مجلس عراق به عنوان نیروی نظامی این کشور ذیل ستاد کل نیروهای مسلح عراق به رسمیت شناخته شد. مبارزه جانانه با داعش، اوج همکاری ابومهدی و حاج قاسم سلیمانی بود.

فرمانده شهید ابومهدی المهندس چندی قبل در مقابل دوربین اختصاصی «تجباء» (مقاومت اسلامی «تجباء») به زبان شیرین فارسی سخنان مهمی را

نیز شبانه آیت الله شهید سید محمد باقر صدر را تیرباران کردند. ابومهدی می گوید: «تا این تاریخ ۹۵ درصد از دوستانم که در محله و مساجد به حزب الدعوه تردد داشتند اعدام شدند.»

سپس شهید ابومهدی در سال ۱۹۸۵ به تهران سفر کرد و در رشته روابط بین الملل ادامه تحصیل داد. پس از آنکه شهید بدرالدین در سال ۱۹۹۰ از زندان کویت آزاد شد، به همراه او در محورهای حساس امنیتی و نظامی مقاومت، که بعدها اسم «بدر» را بر آن نهادند، فعالیت های جهادی و مبارزاتی خود را ادامه داد. اولین فرمانده تیپ مستقل بدر، که بعدها به لشکر بدر تبدیل شد، شهید اسماعیل دقایقی بود و در سال ۲۰۰۱

میلادی المهندس به فرماندهی سپاه بدر رسید. پس از سقوط صدام و بر چیده شدن بساط حکومت حزب بعث، المهندس توانست همچون دیگر سیاستمداران و شبه نظامیان شیعه ای که در زمان حکومت صدام از عراق خارج شده بودند به کشورش بازگردد. او در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۵ میلادی به عنوان نماینده استان بابل پیروز شد، اما با توجه به اینکه نامش در پرونده های امنیتی دهه ۱۹۸۰ میلادی مطرح بود، آمریکایی ها به او اجازه فعالیت ندادند و المهندس به ایران بازگشت.

المهندس در سال ۲۰۰۷ با وجود تجارب جنگی فراوان، اقدام به تشکیل گروه «کتاب حزب الله عراق» کرد. این گروه به عنوان قدرتمندترین گروه مسلح سازمان یافته در عراق شناخته می شود و ستون اصلی حشد الشعبی است. آمریکا از سال ۲۰۰۹ میلادی این گروه و المهندس را در لیست سپاه خود قرار داد.



این دو هم رزم قدیمی، سالیان

درازی رادر جبهه مقاومت

دوشادوش یکدیگر

جنگیدند و در پاکسازی

سرزمین های اشغال شده

عراق و سوریه از جنگ

تروریست های تکفیری داعش

نقش اصلی را ایفا کردند

از برادرانش به نام «جهاد مغنیه» به شهادت رسید. پیش از این و در سال ۱۹۹۶ نیز رژیم صهیونیستی طرح ترور رسمی و اعلام شده ای را بر ضد عماد مغنیه در بیروت اجرا کرد که برادر وی، «فؤاد مغنیه»، در آن عملیات تروریستی به شهادت رسید.

در جنگ سال ۲۰۰۶، مشهور به جنگ ۳۳ روزه، اوج رشادت و درایت این فرمانده مقتدر برای همگان به ویژه دشمن آشکار شد. در همین جنگ همکاری حاج قاسم سلیمانی و عماد مغنیه به اوج رسید، چرا که فرماندهی میدانی این نبرد عظیم را سه تن راهبری می کردند: دبیر کل حزب الله لبنان، فرمانده فقیه سپاه قدس و حاج رضوان. سرانجام عماد مغنیه، که از ستون های جبهه مقاومت بود، سه شنبه ۲۳ بهمن ۱۳۸۶ (۱۲ فوریه ۲۰۰۸) همزمان با شب شهادت حضرت رقیه (س) در عملیاتی تروریستی، که رژیم صهیونیستی آن را طراح کرده بود، در دمشق به شهادت رسید.

و «آمل» به جهاد پرداخت. با اشغال لبنان در سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) از سوی رژیم صهیونیستی، مغنیه با گروهی از جوانان هم پیمان خود، که پیش از تجاوز دشمن آن ها را در مسجد ساماندهی کرده بود، به میدان جنگ رفت و در مدخل بیروت از ورود نیروهای متجاوز به شهر جلوگیری کرد.

شهید عماد مغنیه پس از تأسیس حزب الله لبنان به جمع آنان پیوست و از میان همه فعالیت ها، نبرد و جنگ رودررو با اشغالگران صهیونیست را برگزید و در مدت کوتاهی، او که سرشار از ذکاوت، ایثار و شجاعت بود، فرماندهای لایق شد که حضورش در هر نبرد به معنای پیروزی رزمندگان مقاومت در آن صحنه بود.

در نبردهای قهرمانانه حزب الله با ارتش اشغالگر رژیم اسرائیل در سال ۲۰۰۰ میلادی، که منجر به آزادی جنوب لبنان شد، نقش عماد مغنیه محوری بود. در همین عملیات هایکی



أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ

راز ماندگاری فرمانده در قلب ایرانیان

سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی از زمان جنگ تحمیلی تا روز شهادتش با فرماندهان و رزمندگان بسیاری در حوزه‌های گوناگون در ارتباط بود، چه آنهایی که در لباس رزم در میدان نبرد بودند و چه آنهایی که با روپوش سفید در بیمارستان‌های صحرایی جبهه‌ها بر جراحات مجروحان مرهم می‌گذاشتند؛ از جمله این افراد سردار دکتر احمد عبد‌اللهی، فرمانده کنونی بهداشت و درمان سپاه و رئیس بیمارستان‌های صحرایی دوران دفاع مقدس، است که با سردار همکاری می‌کرد.

از دوران دفاع مقدس و در زمانی که ریاست بیمارستان‌های صحرایی حضرت زهرا (س) و امام حسین (ع) را در محور جنوب بر عهده داشتیم، برای هماهنگی اعزام مجروحان به این بیمارستان‌ها، چندین جلسه را با ایشان، که فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله (ع) بودند، برگزار کردیم. هرگاه یکی از افراد تحت امر سردار مجروح می‌شد، ایشان عنایت خاصی به او داشتند و پیگیری می‌کردند تا درمان انجام شود؛ حتی به یاد دارم گاهی به خاطر فشار کاری بالا، اگر خودشان نمی‌توانستند در بیمارستان حاضر شوند، حتماً یکی از نیروها را مأمور می‌کردند تا وضعیت نفرت‌مصدوم را پیگیری کند. بعد از دفاع مقدس نیز به همین شکل بود. ایشان در تمامی بیمارستان‌های سپاه پیگیر نیروهایی بودند که به این بیمارستان‌ها مراجعه می‌کردند و ملاقات آنها می‌رفتند و روند درمان آنها را رصد می‌کردند. سردار سلیمانی در دوران دفاع مقدس در کنار

سجایای اخلاقی، در تصمیم‌گیری و پیشبرد اهداف نظامی بسیار قاطع و همانند شهیدان همت و خرازی پیش‌تاز نیروهای خود بودند، در حالی که در حوزه نظامی‌گری نخست نیروها در جلو حرکت می‌کنند و فرماندهان پشت سر آنها، اما شهید سلیمانی جلوتر از همه حرکت می‌کرد و بعد نیروهای خود را به آن نقطه فرامی‌خواند. شجاعت و بی‌باکی ایشان هنوز هم زبانزد است. همیشه سخت‌ترین مأموریت‌ها را به لشکر ۴۱ ثارالله می‌سپردند که از لشکرهای خط‌شکن در عملیات‌های مختلف دفاع مقدس بود. سردار تمامی ویژگی‌های یک فرمانده متدین، تمام‌عیار و اخلاقی مدار را داشت؛ خضوع کامل او در رفتار با مردم، نیروهای تحت امر و به طریق اولی در برابر پروردگار شهره بود؛ این ویژگی‌ها ایشان را به عنوان فرمانده‌ای ممتاز در میدان نبرد می‌شناساند. شهید سلیمانی مصداق کامل «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» بود. دشمن به شدت از ایشان

می‌ترسید. ترس از ایشان در رؤسای جمهور آمریکا و اسرائیل و امثالهم وجود داشت، اما در میان دوستان همواره با مهربانی و خضوع رفتار می‌کرد. کسی باور نمی‌کرد شخصیت بالابستی که دشمن از او می‌ترسد، چنین صمیمی و در نهایت تواضع رفتار کند. مهمترین ویژگی شخصیت این شهید بزرگوار اخلاص بود؛ هیچ‌گاه خود را نمی‌دید. اگر تمامی تصاویر او را مرور کنید، هیچ‌گاه ایشان را پشت میز نخواهید دید. معمولاً تأکید می‌کردند که کار باید رنگ‌خدايي داشته باشد. یک‌بار ایشان کسالت داشت و شهید کاظمی با من تماس گرفت و گفت که سردار سلیمانی نیاز به درمان دارد. با اصرار راضی به درمان شدند؛ از نزدیک که کار درمان را دنبال کردم دیدم اصلاً توجهی به خودشان ندارند و کار برایشان در اولویت است.

راز محبوبیت شهید سلیمانی این بود که از خود گذشت و خود را فدای کشور و ملت کرد. روز و شب برایش تفاوتی نداشت و تماماً در مأموریت‌های منطقه مقاومت به سر می‌برد. از زمان و آسایش خود مایه گذاشت تا مردم در آسایش باشند. همه مردم می‌دانستند که داعشی‌ها روی چنگیز و مغولان را در جنایت سفید کرده‌اند، اما شهید سلیمانی با بسیج نیروهای کشورهای مختلف در قالب محور مقاومت، آنان را نابود کرد. مردم آزاده دنیا نیز برای شهید سلیمانی احترام قائل بودند، چرا که می‌دیدند ایشان ترور یسم را از بین برد و عملیات‌های جبهه مقاومت را با تدابیر مقام معظم رهبری اجرا کرد. تاریخ قضاوت می‌کند که سردار سلیمانی چه خدمتی به اسلام و سرزمین‌های اسلامی کرد. آمریکا پس از تشییع ایشان فهمید که چه خطای بارزی را مرتکب شده است. آنها گمان می‌کردند که کار جبهه مقاومت با شهید کردن سردار تمام می‌شود، اما چنین نیست و به قول سردار سلامی، شهید سلیمانی به مراتب برای دشمن خطرناک‌تر از سردار سلیمانی خواهد بود.

حاج قاسم همواره بدون تعلقات مادی، جناحی و سیاسی با وقف کردن خود برای اسلام و ملت ایفای نقش کرد؛ این موارد باید سرلوحه فرماندهان نظامی قرار گیرد. البته همچنان فقدان شهید سلیمانی احساس می‌شود، اما آنان در مسیر ایشان گام خواهند برداشت و سلیمانی دیگری خواهند بود. با شناختی که از فرماندهان نظامی، به ویژه در مجموعه سپاه دارم، سردار سلیمانی‌های ثانی و ثالث هنوز برای مردم شناخته نشده‌اند.



**حاج قاسم
همواره بدون
تعلقات مادی،
جناحی و
سیاسی با
وقف کردن
خود برای
اسلام و ملت
ایفای نقش
کرد؛ این موارد
باید سرلوحه
فرماندهان
نظامی قرار
گیرد**



دیپلماسی
قدسی



روایت صادق خرازی از شهید سلیمانی

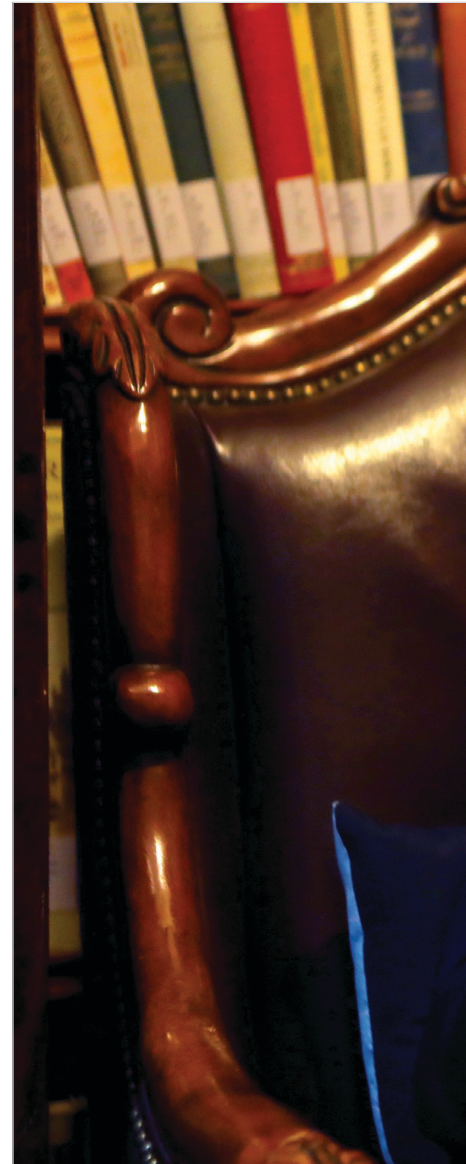
از هر دیپلماتی دیپلمات‌تر بود

● سابقه آشنایی و رفاقت شما با شهید

سلیمانی به چه زمانی بازمی‌گردد؟

آشنایی من با شهید سلیمانی، قاسم عزیز، به ۱۱ اسفند ۱۳۵۹ بازمی‌گردد. در کوت عبدالله اهواز با او آشنا شدم. جوان ظریف‌اندازی بود که ویژگی‌های اخلاقی بافضیلتی داشت. در سنگرها افرادی را که طبع شعر داشتند جمع و شب شعر برگزار می‌کرد. آن موقع به او برادر قاسم می‌گفتند. رفاقت ما چند سال بعد عمیق شد. زمانی که قاسم به شدت مجروح شد، پسر مرحوم آیت‌الله موحدی کرمانی با من تماس گرفت. گفت که دنبال برادر قاسم

صادق خرازی، فعال سیاسی و دیپلمات کهنه کار کشورمان، که تجربه سال‌ها معاونت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد و سمت سفیر ایران در فرانسه را در کارنامه خود دارد، از دوستان نزدیک شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی بوده است. با او در کتابخانه شخصی‌اش به گفت‌وگو نشستیم و درباره مشی اخلاقی، سیاسی و دیپلماتی سردار دل‌ها سؤال کردیم.



از همزمان وارد مشهد شدم. در آن هنگام او را به اتاق عمل برده بودند. بعد از جراحی به من گفت که این قدر در این چند روز سختی کشیدم که حاضر بودم در دم جان دهم، اما به دست آن پزشک ظالم نیفتم. حاج قاسم یک بار دیگر نیز از ناحیه دست مجروح شد، به گونه‌ای که جراحی باعث شد چند انگشت او بی‌حس و بی‌حرکت شود. او شبانه از بیمارستان فرار کرد تا از مبارزه در جبهه جا نماند. شاید اگر همان موقع در بیمارستان مانده بود و اجازه می‌داد که دستش را جراحی کنند، انگشت‌هایش به این مشکل دچار نمی‌شد.

قاسم وجدان پاک و خردمندی داشت. کسی بود که در دوستی، دنیا را ملاک نمی‌دانست. محال بود که به خاطر دنیا، قدرت، شهرت و موقعیت خودش، دوستی را کنار بگذارد. در دوره‌ای که قاسم به سپاه قدس رفت، همکاری‌مان استراتژیک شد. او در فرماندهی نیروی قدس نقشی داشت که هیچ کس نمی‌توانست آن را ایفا کند. پیش از نیروی قدس، فرمانده قرارگاه شرق کشور بود و مبارزه با اشرار و قاچاقچیان را دنبال می‌کرد. در آن زمان قاسم مظهر عشق و مورد احترام همه عشایر بود. مردم حاج قاسم را جزء افراد حکومتی و نظامی تلقی نمی‌کردند. می‌گفتند که حاجی به دنبال پاک کردن زمین از ظلم ظالمان است. روزی که در بم زلزله رخ داد، قاسم خود را با هواپیما از کابل به بم رساند. آن موقع سفیر ایران در فرانسه بودم و من هم به بم رفتم. شب هنگام با یکی از سران عشایر جنوب شرق کشور صحبت می‌کردم، کسی که واقعاً در منطقه خود سلطنت می‌کند. عشیره او هزاران نفر جمعیت دارد و هنگام حرکت ۳۰ ماشین او را همراهی می‌کنند. او می‌گفت: «من نه برای اسلام و نه برای ایران، بلکه به خاطر حاج قاسم به اینجا آمده‌ام! حاجی پیغام داد که به کمک بم بیایید. ما هم آمدیم. همه وجود ما قاسم است! عشیره ما اهل قاچاق بود. قاسم ما را از این شغل کثیف نجات داد. دو تا از بچه‌های من هم محکوم به اعدام بودند، اما حاج قاسم آن‌ها را نجات داد...» حاج قاسم معتقد بود که برای مبارزه با فساد مثل قاچاق مواد مخدر باید سرپل و ته‌پل راه‌دف گرفت. مردم گناهی ندارند و باید به آن‌ها کمک کرد. قاسم واقعاً آدم بزرگ و بامعرفتی بود. اگر کوه الماس را به او می‌دادی، در نظرش هیچ بود.

قاسم در نیروی قدس حاجی دیگری بود. او یک فرمانده معمولی نبود، بلکه شخصیتی در ابعاد جهانی داشت. با تلاش مقاومت منطقه‌ای را به مکتب فکری و نهضت تبدیل کرد. سپاه ستون فقرات امنیت کشور است. هر کسی علیه سپاه صحبت کند، روزی جوابش را در این دنیا و آن دنیا پس خواهد داد. سپاهیان پاک‌ترین افراد این مملکت هستند. این حرف یک اصلاح‌طلب است. حاضرم کفش سپاهیان را واکس بزنم و نوکری آن‌ها را کنم، چرا که آن‌ها اخلاص و شرف دارند.

● شهید سلیمانی به عنوان چهره بین‌المللی مقاومت چه اندازه به راهبردهای دیپلماتیک اعتقاد و اهتمام داشتند؟

قاسم از دیپلمات‌های دیگر دیپلمات‌تر بود. در عین حال با روحیه جهادی، خط مبارزه و مقاومت را پیش می‌برد و با سران دولت‌ها ارتباط داشت. او در حالی که می‌جنگید، معتقد به مذاکره مثلاً با عربستان بود. به نظرش ما نتوانسته بودیم به خوبی رابطه با عربستان را حفظ کنیم و کسانی که علیه سفارت عربستان اقدام کردند، کارشان درست نبود. قاسم این کارها را قبول نداشت. به من دو بار مأموریت داد تا درباره موضوعی با عربستانی‌ها صحبت کنم. به همین سبب می‌گویم «قاسم سلیمانی». نمی‌توانیم فقط به او بگوییم فرمانده نیروی قدس.

قاسم کسی بود که بعد از پیروزی حزب‌الله در لبنان، کار همه‌جانبه‌ای را انجام داد. از آشخور اندیشه سید حسن نصرالله، که خداوند عمرش را به بلندای آفتاب کند و نیز با تلاش او حزب‌الله به نیروی واکنش سریع در لبنان، نیروی دفاع ملی و نیروی قدرتمند سیاسی در دولت و مجلس تبدیل شد. همان موقع به قاسم می‌گفتند که این کار باعث می‌شود حزب‌الله از حالت جهاد خارج شود. قاسم می‌گفت: «مگر ما در ایران از این حالت خارج شدیم؟! به وقت مبارزه باید مبارزه کرد و به وقت خدمت، خدمت.» قاسم دیپلماتی بود که پوتین پنج ساعت با احترام با او مذاکره کرد و نژادار دوغان محترم بود. زمانی که بشار اسد نگران شده بود و نیروهای جدایی‌طلب تا پشت خانه او رسیده بودند، قاسم شبانه بشار را از خانه خارج کرد و به سنگر رزمندگان سوری برد. آن‌هایی که شعار «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای

می‌گردیم، اما پیدایش نمی‌کنیم. قاسم را به ستاد تخلیه مجروحان در مشهد برده بودند. از ناحیه شکم مجروح شده بود و شکم او چند روز در بیمارستان باز بود. پزشک معالج او برادر دو منافق بود و تصمیم گرفته بود که این شکم را به بهانه‌های واهی باز نگه دارد تا عفونت سراسر بدن قاسم را بگیرد و زنده نماند. قاسم تب کرده بود و واقعاً داشت به شهادت می‌رسید. زنی پاکدامن و مؤمن، که بهدار و مظهر شرافت و انسانیت بود، این قضیه را به دکترهای دیگر گفت و سپس قاسم را به طبقه دیگری در بیمارستان منتقل کردند. من به همراه چند نفر



قاسم وجدان پاک و

خردمندی داشت. کسی بود که در

دوستی، دنیا را ملاک

نمی‌دانست. محال بود که

به خاطر دنیا، قدرت، شهرت و موقعیت خودش، دوستی را کنار

بگذارد



ما بود، همان شب، ساعت ۸، هنگامی که در حال طی مسیر هوایی از تهران به سوریه بود، با من تماس گرفت اما من مشغول نماز بودم. بعد از نماز به او زنگ زدم، اما دیگر از دسترس خارج شده بود. چندی قبل از شهادت به من گفت: «چرا روی میزت عکس شهدا را گذاشته‌ای و عکس من نیست؟» گفتم: «عکس را در کشوی میزم دارم. هر وقت شهید شدی می‌گذارم.» گفت: «همین الان بگذار، چون مطمئن باش که من هم شهید می‌شوم.» عکسش را برداشت و روی میز کنار عکس دیگر شهدا گذاشت.

● خبر شهادت ایشان چگونه به شمار رسید و چه حالی داشتید؟

ساعت دو و نیم شب یکی از دوستان از آمریکا زنگ زد و با گریه گفت که تلویزیون‌های آمریکا می‌گویند قاسم سلیمانی به شهادت رسیده، آیا درست است؟ گفتم که فکر نمی‌کنم. این‌ها جنگ روانی است. دیگر خواب از سرم پرید و حالم خراب شد. ساعت سه و ربع شب به سهراب، برادر قاسم، زنگ زدم. نفس نفس می‌زد. گفت: «خبرهای خوبی به گوش

او صمیمی بودم، اگر زاویه‌ای با مواضع رهبری در من می‌دید، فاصله می‌گرفت، نه اینکه قهر کند، اما صراحتاً می‌گفت: «من سرباز هستم و رهبری، فرمانده. آخرت من هم با اوست.»

● آخرین بار چه زمانی با یکدیگر گفت‌وگوی رودررو داشتید و چه صحبتی میان شما رد و بدل شد؟

یکشنبه، هشتم دی‌ماه برای آخرین بار به منزل ما آمد. با هم صحبت کردیم. به او گفتم باید خودت را برای ریاست جمهوری سال ۴۰۰۱ آماده کنی. گفت: «این حرف‌ها چیه که می‌زنی؟ من به کارهای خودم نمی‌رسم.»

● پیشنهادتان به ایشان جدی بود؟

واقعاً جدی بود. فکر می‌کنم که شانس بزرگی را برای ثبات و حیات سیاسی‌مان از دست دادیم. او ۶۳ ساله بود و می‌توانست ۲۰ یا ۳۰ سال دیگر هم زندگی کند. قاسم کسی بود که اگر رئیس‌جمهور می‌شد، مه‌تیر محمد، اردوغان و ... در برابر او ناچیز جلوه می‌کردند. او نهادگرا و بنیادگرا نبود، بلکه دیدگاه توسعه‌محور و نوآورانه به اقتصاد داشت. سلیمانی ویژگی‌هایی داشت که هیچ‌کس دیگری نداشت. به هر حال با پیشنهاد من موافقت نکرد یا اینکه شاید داشت فکر می‌کرد. می‌گفت شاید به شهادت برسیم. برایش مسجل شده بود که به شهادت می‌رسد. مقام معظم رهبری مدتی بود که او را از سفر به عراق منع کرده بود. این اواخر خودش با التماس از آقا مجوز گرفت و دوباره سفرهایش به عراق را شروع کرد، چون بدون اجازه آقا آب نمی‌خورد. یک بار به آقا گفته بود در منطقه هر جا که می‌روم، پهبادهای آمریکایی دنبال من می‌آیند.

در سفر آخر قرار بود من هم با او باشم. به او گفتم نذری دارم و می‌خواهم به کربلا و نجف بروم. اگر ممکن است من را هم با خودت ببر. گفت که گذرنامه‌ات را آماده کن تا بچه‌ها بیایند و از تو بگیرند. دیدم خبری نشد. ظهر دوشنبه به او زنگ زدم گفت: «بگذار دفعه بعد با هم برویم. الان کمی اوضاع پیچیده است.» این آخرین تماس تلفنی

ایران» سر می‌دهند، حرف بیهوده‌ای می‌زنند، چراکه این افراد هرگز حاضر نیستند جان خود را فدای ایران کنند. اگر در سوریه نمی‌جنگیدیم و خط مقاومت را به مدیترانه نمی‌بردیم، آمریکا درگیری را به ایران می‌کشاند.

● ایشان چه کمکی به مذاکرات چند سال اخیر کشورمان از جمله برجام کرد؟

او در برجام نقشی نداشت و نمی‌خواست داشته باشد، اما منطقه را آرام می‌کرد. آن موقع یکسری از دوستان در لبنان احساس کردند که هدف از برجام سازش است، اما قاسم برایشان تشریح کرد. مذاکراتی در منطقه، آسیای مرکزی، قفقاز، افغانستان، عراق، سوریه، یمن، لبنان و فلسطین نبود که قاسم در آن نقشی نداشته باشد. او دیپلمات، رهبری کارزماتیک و مدیری سخاوتمند بود.

● مشی سیاسی شهید سلیمانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

قاسم شخصیتی معتدل داشت. عاشق و پیرو ولایت بود و مواضع سیاسی خود را با ایشان تنظیم می‌کرد و با اینکه منتقد تفکر سیاسی آقای هاشمی رفسنجانی بود، اما به او علاقه‌مند و برایش احترام قائل بود. دوستان و ارادتمندانش زیاد بودند، اما فکر نمی‌کنم کسی به اندازه من با او مراوده داشت، حتی من که این قدر با



گفته بود مجبورم در محافل از این کار دفاع کنم، اما از عواقب آن خیلی نگرانم. تهدیدهای ترامپ بعد از ترور سردار سلیمانی، مؤید این بود که او به شدت ترسیده، زیرا کسی که ترسیده باشد تهدید می‌کند. امروز در منطقه شاهد خروش ضدآمریکایی هستیم و فصل جدیدی در مناسبات بین الملل پیش آمده است که می‌تواند به خشونت و درگیری‌های عظیم با اشغالگران آمریکایی تبدیل شود.

● نگاه دیپلمات‌های جهان به شهید سلیمانی چگونه بود؟

بسیاری از دیپلمات‌های دنیا از سردار سلیمانی به عنوان قهرمان و اسطوره یاد می‌کردند. وزیر خارجه اروگوئه چند سال پیش به من گفت: «این قاسم سلیمانی کیست که هر جای دنیا می‌روم از رشادت‌های او می‌گویند؟ او قهرمان داستان‌های ویکتور هوگو است! او قهرمان داستان‌های اساطیری است!» سپس از من درخواست کرد که قاسم سلیمانی را ببیند. هماهنگ کردم و این دیدار محقق شد. قاسم بانگاهی دوراندیشانه می‌گفت که باید از جریان چپ آمریکای لاتین حمایت کنیم. بعد از دیدار با وزیر خارجه اروگوئه، دو سه بار دیگر هم با افراد بزرگی از اروگوئه و بولیوی دیدار کردند و مهم‌ترین اتفاقات جنبش چپ رقم خورد. سلیمانی چنین شخصیتی بود. فکر، اندیشه، تقوا و افق دید داشت. اهل مطالعه بود...

● به نظر شما، شهادت ایشان منشأ چه تحولات بزرگی در منطقه خواهد شد؟

از همه رسانه‌ها و فعالان رسانه درخواست می‌کنم که سعی کنند یاد شهیدان سلیمانی و ابومهدی المهندس را، که پیوند میان ملت‌های ایران و عراق را نهادینه کردند، زنده نگاه دارند و آنان فراموش نشوند. در واقع سلیمانی یک مکتب فکری است. خداوند خون او را تبدیل به نهضت بیداری کرد. در هند ۴۱۷ شهر برای او عزاداری کردند؛ در پاکستان، افغانستان، هیمالیا، بخش‌های شرقی چین و در کشورهای اسلامی و عربی هم همین‌طور. حضور مردم در تشییع پیکر او یکی از بزرگ‌ترین بدرقه‌های تاریخ بود.



عمان، به من گفت: «وزیرای خارجه کشورهای عربی در جلسه با جان کری، وزیر خارجه دولت اوپاما، دعوا کردند و گفتند شما ما را به ایران فروختید!» جان کری ناگهان عصبانی شد، زد روی میز و گفت: «در کل کشورهای منطقه تان یک ژنرال سلیمانی برای مبارزه با داعش ندارید. برای خودتان چه می‌گویید؟» او یک بار هم از طرف اوپاما به دکتر ظریف گفته بود: «سلیمانی را دشمن خود می‌دانیم اما برای او احترام قائلم.»

ماجرای آبان‌ماه هم اتفاق خیلی بدی بود و به نظرم آدرس غلط به دشمن داد. تلقی کردند که انقلاب ایران به پایان رسیده است. لذا به تعبیر خود، ستون فقرات نظام را هدف قرار دادند. در شهادت قاسم هفت نفر نقش داشتند که پمپووی حرامزاده هم یکی از آن‌هاست. از هشت ماه پیش به ترامپ تلقین کردند که سلیمانی حتماً باید ترور شود. ترامپ این ترور را منوط به امضای خود کرد و گفت که فعلاً کاری نکنید، اما وقتی ماجرای سفارت آمریکا در عراق پیش آمد، پمپووی ترامپ را تحریک کرد که سردار سلیمانی ترور شود. بعدها از منابعی شنیدیم که ترامپ

نمی‌رسد. خانه حاجی شلوغ است. دارم به آنجا می‌روم.» ساعت یک‌ربع به چهار به خانه حاج قاسم زنگ زد. سهراب و همه اهل خانه داشتند گریه می‌کردند. قبل از اذان صبح بود که خود را به خانه قاسم رساندم. ای کاش مرده بودم و آن روز را نمی‌دیدم.

● به عنوان یک دیپلمات برجسته، اقدام جنایتکارانه ترامپ را چگونه تحلیل می‌کنید؟ چرا چنین دستوری داد؟

ترامپ وارد خودکشی سیاسی شد. یک جریان ریگانیسم دور ترامپ را گرفتند و به تدریج برای او این‌گونه جلوه دادند که وضعیت ایران وضعیت اتحاد جماهیر شوروی در هنگام سقوط است. پس اگر سلیمانی ترور شود، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. البته در دوره اوپاما دولت آمریکا چنین استراتژی‌ای نداشت، بلکه استراتژیست‌های نظامی، برخلاف استراتژیست‌های اطلاعاتی و امنیتی، به قاسم به عنوان یک فرصت نگاه می‌کردند، چون عقل داشتند. آن‌ها قدر شخص قدرتمندی مثل قاسم را در مبارزه با تروریسم می‌دانستند. یوسف بن علوی، وزیر خارجه

از همه رسانه‌ها
و فعالان رسانه
درخواست
می‌کنم که
سعی کنند
یاد شهیدان
سلیمانی و
ابومهدی
المهندس
را، که پیوند
میان ملت‌های
ایران و عراق را
نهادینه کردند،
زنده نگاه دارند
و آنان فراموش
نشوند

مجموع سال‌ها مجاهدت خالصانه و رفتارهای فرهنگی و سیاسی سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی آن قدر عظیم بود که این روزها به حق باید از آن به عنوان مکتب سلیمانی نام برد و به تبیین آن پرداخت؛ فردی که نه تنها مورد اعتماد رهبری، بلکه نزد همه جریان‌های سیاسی محترم بود و با اینکه از ورود به مسائل سیاسی داخلی پرهیز می‌کرد، توانست در جایگاه شخصیتی ملی و بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای یابد. شهید سلیمانی با همه جناح‌ها و گروه‌های فکری با احترام برخورد می‌کرد و همواره خواسته‌اش گسترش و افزایش وحدت برای پیشبرد امور کشور بود.

در دوران دفاع مقدس پیوند او با مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی شکل گرفت، تا جایی که آیت‌الله در بسیاری از خاطراتش از او یاد می‌کند. در یکی از خاطراتشان آمده است: «باهلی کوپتر به طرف جازموریان پرواز کردیم. در راه آقای سردار سلیمانی، فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله، توضیحات خوبی داد. اطلاعاتش از استاندار که همراه ما بود بیشتر است؛ چون محلی و باهوش است.» در فقدان آیت‌الله هاشمی رفسنجانی پسر بزرگشان، محسن هاشمی، در مورد آیت‌الله و سپهبد شهید قاسم سلیمانی سخن می‌گوید.

سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی نماد انقلاب اسلامی در سراسر جهان محسوب می‌شود و به منزله الگویی برای همه پاسداران و سربازان ایران اسلامی و جوانان شیفته جهان ماندگار شده است. او پیش از ۲۰ سالگی تا آخرین روز زندگی در کسوت نظامی بسیار محبوب دل‌های مردم بود.

همچنین، در همه شرایط و سختی‌ها در کنار مرحوم ابوی بنده بود و ایشان نیز حاج قاسم را به عنوان فردی مردم‌دوست، باهوش و صادق دوست داشت. نکته‌ای که از ایشان به یاد دارم متعلق به زمانی است که حاج قاسم فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله کرمان بود، لشکری خط‌شکن. آن زمان که ابوی بنده فرماندهی جنگ را برعهده داشتند، فرماندهان مختلف گزارش‌هایی را از مناطق جنگی به ایشان ارائه می‌دادند و در همان زمان سپهبد شهید قاسم سلیمانی با آیت‌الله هاشمی آشنا شد. از طرفی او به دلیل اینکه کرمانی بود، بیشتر به دیدار آیت‌الله هاشمی می‌آمد و اخبار جبهه و جنگ را بیان می‌کرد؛ این ارتباط تا زمان صدور قطعنامه ادامه داشت.



پسر به نقل از پدر؛

همراه صادق روزهای جنگ و خلوت

گفت و گو

آزمون سربلندی

ناصر ابوشریف، نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در تهران، معتقد است که سردار سلیمانی دفاع از فلسطین را برای امت اسلامی همچون نماز، واجب عینی می‌دانست و شخصیتی کامل داشت. در کنار تخصصش در زمینه نظامی و فرماندهی نیروی قدس سپاه، یک استراتژیست بود که بر جغرافیای سیاسی منطقه با همه شرایط و مشکلات آن کاملاً واقف بود.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این فرمانده رشید اسلام، آن بود که می‌دانست چه می‌خواهد، بسیار صبور بود و شخصیتی بی‌نهایت فروتن و متواضع داشت و خود را فرماندهای بزرگ نمی‌دید بلکه سرباز کوچک اسلام می‌دانست و آرزو داشت در راه یاری دین اسلام به شهادت نائل شود.

طرح اصلی شهید سلیمانی بیداری امت اسلام برای مقابله با استکبار و نابودی دست پرورده آن در منطقه یعنی اسرائیل بود و به عقیده من، او همواره انسانی روشن‌فکر بود که اهداف خود را به روشنی درک می‌کرد.

حاج قاسم معتقد بود که مسئله فلسطین آزمون زمان حاضر برای مسلمانان است و هرکس در این آزمون سربلند بیرون بیاید، اهل بهشت و اگر شخصی ناکام بماند، بهشت را از دست داده است. مقاومت از امکاناتی کم و در شرایطی بسیار سخت شکل گرفت؛ اما امروز پیشرفت کرده و اهداف آن مشخص است؛ جبهه مقاومت امروز به قدرتی تبدیل شده که می‌تواند با قدرت‌های بزرگ که امکاناتی عظیم در اختیار دارند، مقابله کند.

روابط بین
ایشان و
آیت‌الله بر پایه
اعتماد متقابل
بود. معمولاً در
گزارش‌های
سردار
سلیمانی همه
نکات خوب و
بد در کنار هم
می‌آمد و چیزی
سانسور و
پنهان نمی‌شد

▼ دیدار حاج قاسم سلیمانی و احمد شاه مسعود/ کرمان



تا آخرین روز حیات ابوی، حتی در اوج مسائلی که برای مرحوم پیش آمده بود، ادامه داد. در واقع بین شهید سلیمانی و ابوی بنده ارتباط عاطفی برقرار بود. او در همه شرایط و سختی‌ها در کنار مرحوم پدرم حضور داشت و از اولین کسانی بود که پس از فوت آیت‌الله به منزل پدری آمد و تسلیت گفت. بیشتر جلسات مرحوم هاشمی با شهید سلیمانی خصوصی، غیر خبری و یک ساعته و گاه طولانی برگزار می‌شد.

همچنین، ساده‌زیستی، تواضع، ادب، متانت و توانمندی‌های نظامی، فرماندهی و رهبری او را به سرداری از جنس مردم تبدیل کرده بود. حاج قاسم سلیمانی فقط یک فرد نبود، بلکه سرمایه اجتماعی محسوب می‌شد و امروز با شهادت او این سرمایه اجتماعی نه تنها از بین نرفته، بلکه به لطف الهی چندین برابر شده است. همان گونه که ترور شخصیت‌های بزرگ نظام نتوانست مانعی در برابر تداوم انقلاب باشد، شهادت حاج قاسم سلیمانی نیز بر صلابت و قدرت این مسیر خواهد افزود و امیدواریم که جمهوری اسلامی ایران هم بتواند به این جسارت و جنایت پاسخ لازم را بدهد.

باید بگوییم که سردار به دلیل پرهیز از مجادلات سیاسی و حفظ جایگاه فراجناحی، بین تمامی جریان‌های سیاسی و سلاقی فرهنگی و اجتماعی ایران محبوبیت ویژه‌ای داشت؛ او وارد هیچ دسته و گروهی نشد و کار خود را در جهت اهداف عالیه نظام اسلامی زیر نظر مقام معظم رهبری انجام داد. حاج قاسم سلیمانی نماد انقلاب اسلامی در سراسر جهان است و با وجود آنکه از ابتدای انقلاب تاکنون صدها هزار شهید در این راه جان خود را فدا کرده‌اند، شخصیت و محبوبیتی متفاوت داشت و ماندگار شد.

بعد از جنگ ایشان در دولت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی مسئولیت‌های مختلفی را عهده‌دار شدند، از جمله در مبارزه با مواد مخدر مخصوصاً در شرق و حفظ امنیت منطقه. او در این باره گزارش‌های فراوانی را در اختیار آیت‌الله هاشمی می‌نهاد. این فعالیت تا سال ۱۳۷۶، که اواخر دولت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بود، ادامه داشت. بعد از آن بحث طالبان، حضور آمریکا در افغانستان و حرکت طالبان علیه دولت قانونی افغانستان مطرح شد. از آن زمان به بعد سردار سلیمانی به فرمان رهبر معظم انقلاب، فرمانده نیروی قدس شد.

علاوه بر این، با توجه به اینکه فعالیت‌های برون مرزی آغاز شده بود، برای بخشی از این فعالیت‌ها ابوی نظر می‌دادند و گاه مدیریت می‌کردند و در این حوزه هادستی بر آتش داشتند. به همین خاطر معمولاً هر هفته یا دو هفته یک‌بار گزارش‌هایی را ارائه می‌دادند. همین امر باعث شد تا رابطه‌شان بسیار عمیق شود، در خاطرات آیت‌الله هاشمی از این رابطه دوستانه و تمرکز سردار سلیمانی بر مسائل شهر کرمان و مسائل برون مرزی بارها یاد شده است.

البته روابط بین ایشان و آیت‌الله بر پایه اعتماد متقابل بود. معمولاً در گزارش‌های سردار سلیمانی همه نکات خوب و بد در کنار هم می‌آمد و چیزی سانسور و پنهان نمی‌شد. به دلیل ارتباط ویژه او با پدرم می‌توانم شهادت دهم که اخلاص، صداقت و تواضع حاج قاسم در میان مسئولان نظام کم‌نظیر بود. همچنین، آیت‌الله هاشمی سپرده بودند که هر زمان سردار سلیمانی وقت خواستند، خارج از نوبت به ایشان وقت داده شود. شهید سلیمانی ارتباطش را با آیت‌الله رفسنجانی



بیشترین تلاش برای مقابله با جنگ؛

سردار صلح

حسین امیر عبداللهمیان سابقه سال هادوستی و آشنایی با سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی داشته است و خاطرات بسیار جالبی از آن شهید بزرگوار در کوران حوادث سخت منطقه به یاد دارد. او نکاتی را که درباره جنبه‌های اخلاقی و عرفانی زندگی شهید سلیمانی مطرح می‌کند جالب‌تر از بقیه به نظر می‌رسد. با او که اکنون در سمت دستیار ویژه رئیس مجلس شورای اسلامی در امور بین‌الملل و دبیر کل دبیرخانه دائمی کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین مشغول است به گفت‌وگو نشستیم.



● برخی از ایشان با عنوان دیپلمات یاد می‌کنند. نگاه سردار به حوزه دیپلماسی چگونه بود؟

برای من بسیار سخت بود که بعد از شهادت سردار سلیمانی در رسانه‌ای حاضر شوم و راجع به او صحبت کنم. ایشان شخصیتی چندبُعدی داشت؛ اولاً، یک سردار شجاع و استراتژیست در حوزه نظامی بود. ثانیاً، به معنای واقعی دیپلمات موفقی در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بود. در واقع موضوعاتی که او با آنها سروکار داشت بین‌المللی بود و اتفاقاتی بود که در عراق، فلسطین و سوریه رخ می‌داد و پرونده‌های دوجانبه نبودند. ثالثاً، ما وزارت خارجه‌ای با اصطلاحی داریم که می‌گوییم یک شخص ممکن است سیاستمدار باشد، اما دیپلمات نباشد یا دیپلمات باشد، اما سیاستمدار نباشد. مطلوب‌ترین حالت این است که هم سیاستمدار و هم دیپلمات باشد. سردار سلیمانی این‌گونه بود. مورد دیگر خصوصیات اخلاقی او بود. حدود یک دهه پیش که قرار شد با اجازه رهبر معظم انقلاب بین جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در بغداد مذاکره مستقیم صورت گیرد، مسئولیت پرونده برعهده سردار سلیمانی بود. او با دکتر لاریجانی به عنوان دبیر شورای امنیت ملی جلسات و مشورت‌های فراوانی می‌کرد و برای هر مرحله از مذاکره ده‌ها ساعت با سردار سلیمانی جلسه داشتیم. او نکاتی را مطرح می‌کرد که گویا یک دهه وزیر امور خارجه بوده است. نتیجه این مذاکرات هم تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی و امنیت منطقه بود. سردار سلیمانی نمی‌توانست وارد پرونده‌هایی عراق، بحرین، سوریه و... شود، اما ارتباط دیپلماتیک نداشته باشد. او با بسیاری از سران

می‌یافت خریداری کرده بودند تا با کار گذاشتن مواد انفجاری او را ترور کنند.

یک بار از او پرسیدم که در عراق و سوریه عکس‌هایی از شما در فضای مجازی منتشر می‌شود و ممکن است مشکلات امنیتی پیش بیاید. گفت که اگر یک مدافع حرم یا شهروند بخواهد با من عکس بگیرد، نمی‌توانم به او نه بگویم. اکنون به دلیل پیشرفت شبکه‌های اجتماعی این عکس‌ها به سرعت پخش می‌شود. با این وجود وی اخلاق را بر هر چیز دیگری ترجیح می‌داد. درباره خاطره‌ای هم که من تعریف کردم و به «قرص‌های حاج قاسم» معروف شده باید بگویم که دوستان او به ویژه سردار پور جعفری همیشه می‌گفتند که سردار به مردم خیلی محبت داشت و این موضوع شامل مردم شهر و روستای خودش نیز می‌شد. سردار سلیمانی می‌گفت که از دوره دبیرستان دوستی دارم که در خارج از کشور پزشک نامداری است. آن پزشک یک بار به تهران آمده بود. سردار نیز با او ملاقات کرده و به او گفته بود که از کثرت ترکش‌هایی که در بدنم هست، گاهی اوقات دردهای بسیار زیادی دارم. لذا دکتر قرص مسکنی به او داد. (البته سردار سلیمانی خیلی به درد توجه نمی‌کرد، اما اگر درد طاقت‌فرسای می‌شد، ممکن بود ماهی یک بار از آن قرص‌ها استفاده کند) وقتی هم به منطقه خودمان می‌رفتیم حال همه افراد را می‌پرسیدند. گویا یک بار یکی از آنها به سردار سلیمانی می‌گوید شما که در تهران هستی، می‌شود یک قرص به من بدهی. ایشان یک قرص در جیبش بود و به او می‌دهد. بعد از ظهر همان روز آن شخص نزد مادر سردار می‌رود و می‌گوید که از این «قرص‌های حاج قاسم» دارم باز با هم به من بدهید.

● مطلبی از شما منتشر شد که از شهید سلیمانی با عنوان «طبيب» یاد کرده و خاطره قرص‌های حاج قاسم را تعریف کرده بودید. درباره این موضوع توضیح بیشتری دهید. به نظر شما چه چیزی باعث می‌شود که یک فرمانده نظامی چنین ابعاد عرفانی و اخلاقی داشته باشد؟

با استفاده از این فرصت، یک بار دیگر شهادت سردار سلیمانی را به خانواده محترم ایشان، مقام معظم رهبری، همکاران وی، همه مردم ایران و دوستانان سردار سلیمانی در سراسر منطقه و جهان تسلیت می‌گویم. در بخش فعالیت در دیپلماسی و وزارت امور خارجه حدود دو دهه توفیق داشتم که در قسمتی از فعالیت‌های سردار سلیمانی با او همکاری کنم و کارهای بسیار کوچکی را کنار او به ثمر برسانم. البته هنوز نمی‌توانم شهادتش را به کسی تبریک بگویم، به غیر از خود سردار عزیز، زیرا با داشتن روحیه‌ای معنوی و عرفانی، یکی از آرزوهایش بعد از دوره‌ای موفقیت‌آمیز این بود که به شهادت برسد.

معتقدم که یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های سردار سلیمانی ابعاد فکری، اخلاقی و معنوی او بود. مقام معظم رهبری هم فرمودند که سردار سلیمانی یک «مکتب» را ارائه داد و از رفتارشناسی وی با عنوان «مکتب سردار سلیمانی» یاد کردند و بدین ترتیب سردار سلیمانی به سردار دل‌ها، چه در دوره حیات و چه پس از شهادت، تبدیل شد. این دقیق‌ترین واژه در توصیف اوست، عشق و علاقه به ایرانی‌ها، مردم منطقه و همه آزادی‌خواهان جهان در دل او جای داشت. سردار سلیمانی متعلق به شیعیان یا مسلمانان نبود. او با همان حساسیتی که دفاع از حقوق مسلمانان را دنبال می‌کرد به حقوق مسیحیان و حتی یهودیان مخالف صهیونیست‌ها هم توجه می‌کرد. او روح بزرگی داشت و روح بزرگ همه این مقولات را در نظر دارد.

همچنین، سردار سلیمانی یک شخصیت منطقه‌ای و بین‌المللی داشت و در این سال‌ها علی‌رغم میل قلبی خود رسانه‌ای شده بود. او هیچ وقت از مسائل کوچک غافل نمی‌شد، از جمله اینکه مرتب به دیدار والدینش در روستا می‌رفت. آقای طائب می‌گفت که آن قدر به زادگاهش رفت و آمد می‌کرد که برخی سرویس‌های امنیتی، زمین مجاور حسینه‌ای را که سردار در آنجا حضور

“
سردار سلیمانی
متعلق به
شیعیان یا
مسلمانان
نبود. او با همان
حساسیتی که
دفاع از حقوق
مسلمانان را
دنبال می‌کرد
به حقوق
مسیحیان و
حتی یهودیان
مخالف
صهیونیست‌ها
هم توجه
می‌کرد

است؟ به صراحت می گویم تا این مرحله علی رغم کار بسیار بزرگی که انجام شد، هنوز انتقام سردار سلیمانی از سوی دوستداران او در منطقه گرفته نشده و تا خروج آمریکا از منطقه مسیر گرفتن انتقام سخت از این اقدام تروریستی ادامه خواهد داشت.

● به نظر شما چه چیزی باعث شد که ترامپ تصمیم به ترور سردار سلیمانی گرفت؟

بر اساس برخی از شواهد معتمد که ترور سردار سلیمانی، تصمیم نظام سیاسی آمریکایی بود، بلکه تصمیم ترامپ، پمپئو و یک حلقه بسیار کوچک و محدود بود. ترامپ و تیم کوچکی که این تصمیم را گرفتند تصور نمی کردند که ترور سردار سلیمانی تا این حد تبعاتی را به دنبال داشته باشد. از همان ابتدا که ترامپ قدرت را به دست گرفت، آمریکا در افکار عمومی ایران تبلیغات زیادی را برای مقابله با سیاست های سازنده منطقه ای جمهوری اسلامی ایران به راه انداخت. برای مثال گفتند که پول هایی که بعد از توافق هسته ای در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است، صرف سازندگی نشده است، بلکه در عراق و سوریه و فلسطین هزینه می شود تا این گونه میان مردم و نظام فاصله بیندازند.

آنان بمباران تبلیغاتی به راه انداختند که سردار سلیمانی تروریست است، اما در مورد تروریست های واقعی در منطقه و تروریست هایی که در کاخ سفید هستند هیچ حرفی نزدند. با این تصورات معتقد بودند که اگر سردار سلیمانی ترور شود، ایران توان نخواهد داشت که واکنشی از خود نشان دهد و افکار عمومی هم حمایت می کنند و از سوی دیگر ترامپ نیز تبدیل به یک قهرمان بزرگ خواهد شد و می تواند در مقابل دموکرات ها هم مانور قدرت بزرگ را به نمایش بگذارد، اما بعد از توثیق ترامپ مبنی بر اینکه ۵۲ نقطه فرهنگی و... را در ایران هدف قرار خواهد داد، ما آمادگی کامل مقابله به مثل را داشتیم. لذا بعد از ترور سردار سلیمانی هیچ کس حاضر نشد که پشت ترامپ بایستد و او ناچار شد که با چهره های آشفته چند لحظه صحبت کند و سریع برود، اما بعد از حمله موشکی به پایگاه آمریکایی عین الاسد، آمریکایی ها به وحشت افتادند. برخی تصور می کردند که ترامپ بعد از حمله ایران به این پایگاه هوایی اعلام می کند که به



بتنی ۱۲ متری دور خود کشیده اند. در واقع در داخل زندان هستند و تدابیر امنیتی جدید در منطقه با هدایت رهبر معظم انقلاب انجام شد. این تشکیلات و فرماندهی داعش را با ناکارآمدی مواجه کرد. البته این امر بعد از شهادت او نیز توازن قدرتی را که آمریکایی ها به نفع خود ایجاد کرده بودند، تغییر داد، زیرا آمریکایی ها ترس رادر منطقه حاکم کرده بودند و کسی نمی توانست حتی به تجهیزات آنها نزدیک شود. زمانی که در بحرین سفیر بودم، می دیدم که از ۵۰ متری ناوگان پنجم دریایی آمریکا کسی نمی تواند رد شود و اگر کسی رد می شد، بازداشت و محاکمه می شد. پایگاه آمریکایی عین الاسد با ۱۳ موشک بالستیک هدف حمله ایران قرار گرفت و همینکه آنها فروریخت. آنان چند بار و از طریق واسطه های منطقه ای اعلام کردند که آمریکا پذیرفته که ایران انتقام می گیرد، به ویژه وقتی موضع رهبر معظم انقلاب و صراحت ایشان در انتقام سخت را دیدند، مطمئن شدند که انتقام قطعی است. بنابراین از کانال های مختلف وارد شدند تا نحوه پاسخ دادن ایران را مدیریت کنند و کمترین آسیب را ببینند، اما جمهوری اسلامی ایران در اقدامی مقتدرانه و در شرایطی که آمریکایی هادر بالاترین سطح آماده باش بودند، توانست که توازنی را که آمریکا در دنیا به نفع خود ایجاد کرده بود، به شکست هیمنه آمریکای پر مدعا تبدیل کند. این دستاورد یکی از بزرگات شهادت سردار سلیمانی بود که جمهوری اسلامی ایران آن را برای خود به ارمغان آورد.

البته باید بگویم که این روند تمام نشده و ادامه دارد. بپرسید که آیا انتقام خون سردار سلیمانی گرفته شده

کشورهای منطقه گفت وگوهای چندساعته داشت و بسیاری از این افراد لحظه شماری می کردند که دوباره با وی سر یک میز بنشینند و گفت وگو کنند.

● بی تردید حضور سردار شهید سلیمانی در منطقه تأثیر عجیبی بر جای گذاشته است. آینده منطقه به ویژه گروه های مقاومت را پس از ایشان چگونه ارزیابی می کنید؟

در همه حوزه ها یکی از برنامه های سردار سلیمانی و نیروی قدس، با هدایت مقام معظم رهبری انجام می شد و نگاه به منافع ملی و امنیت منطقه ای بود. اگر سؤال شما این است که سردار سلیمانی در دوره حیاتش در حوزه راهبردی چه کرد و آیا نتیجه این اقدام او پس از شهادت نیز پایدار بود؟ به شما می گویم که در دوره حیات او قرار بود اسرائیل به عنوان یک رژیم جعلی از نیل تا فرات توسعه یابد و بعداً نقشه های آنها نشان داد که برنامه فراتر از این است. بنابراین، شهید سلیمانی توانست توازن را به سمت گروه های مقاومت تغییر دهد؛ به گونه ای که اکنون از هر سمت صهیونیست ها دیوار





ایران حمله می کنیم، اما او گفت که تحریم های جدیدی را علیه ایران اعمال می کند. این تصمیم آمریکا بود و اطلاعات دقیقی داریم که چقدر سیستم در آمریکا از ترامپ انتقاد کرده، زیرا با این تصمیم شرایط را علیه آمریکا سخت تر کرده و این کشور را به مرحله ای رسانده که همه در مورد خروج آمریکا از منطقه سخن می گویند و حتی سردار سلیمانی به قهرمان بین المللی مبارزه با تروریسم تبدیل شد و جمهوری اسلامی ایران توانست در کنار خون این شهید، یک فرمانروا ۵۰ میلیون نفری را شاهد باشد. از سوی دیگر، هیمنه آمریکا در دنیا فرو ریخت؛ چرا که ۱۳ موشک بالستیک پایگاه هوایی آنها را مورد هدف قرار داد. لذا اهدافی را که ترامپ دنبال می کرد مبتنی بر تحلیل های نادرست بود.

سردار سلیمانی با مسئولیت ها و ارتباطات خارجی ای که داشت، توانست از پرونده بوسنی تا افغانستان و پرونده های غرب آسیا و شمال آفریقا ورزیدگی لازم را در انجام عملیات ها به دست آورد. لازم است اشاره کنم که برخی معتقد هستند با شهادت سردار سلیمانی که یک شخصیت کارزماتیک داشت، این شخصیت برای همیشه تمام شد، اما ما بایم تأکید کنیم که یکی از زوایای نبوغ سردار سلیمانی برعهده گرفتن فرماندهی نیروی قدس و تمرکز بر کادر سازی بود. بنابراین ضمن اینکه او شخصیتی کارزماتیک بود، آن قدر در نیرو سازی و هدایت نیروها و کار تشکیلاتی دقیق عمل می کرد که می توانم بگویم همان گونه بود که حضرت امام خمینی (ره) در وصیت نامه فرمودند که با دلی آرام، روحی شاد و قلبی مطمئن به سوی خدا می روم. تردید ندارم که سردار سلیمانی چند سال قبل از شهادت از نظر کادر سازی چنان عمل کرده بودند که نیروی قدس پس از او دچار افت نشود و به منظور کمک به مردم منطقه، در مقابل توطئه های دشمنان صهیونیستی به بهترین نحو ممکن کار را ادامه دهد و به نتایج خوبی دست یابد.

● **ممنون که وقت خودتان را در اختیار ما قرار دارید. اگر در پایان سخن دیگر یا خاطره ای دارید بفرمایید.**

در مباحث اخلاقی لازم است به نکته دیگری نیز اشاره کنم. معتمد شهید سلیمانی بیشترین تلاش را نه برای جنگ بلکه برای مقابله با جنگ

انجام داد. لذا او سردار صلح نیز بود. همیشه به مسئولان اروپایی می گویم که داعش وقتی فقط چند شهر و روستا را گرفته بود، در شهرهای اروپایی هم انفجار رخ می داد و حتی در محل برگزاری کنسرت های موسیقی در شهرهایتان نیز انفجار رخ می داد، اما وقتی استخوان های داعش خرد شد، دوباره امنیت به اروپا بازگشت. می خواهم خاطره دیگری را هم ذکر کنم. وقتی در دمشق بودم، در عملیات های مختلف تروریستی به مناطق مختلف شهر خمپاره می زدند، حتی خمپاره آنها به حیاط حرم حضرت زینب (س) هم رسید. در این شرایط سردار سلیمانی در منطقه ای، که جای شکی هم نبود، مشغول فرماندهی بود و از من درخواست کرده بود که در آنجا حضور پیدا کنم. در فلسطین و شامات میوه انجیر طرفدار زیادی دارد و بسیار خاص است. بنده هم خیلی انجیر دوست دارم. بعد از حضور در آنجا و موقع صحبت با سردار سلیمانی تقریباً همه انجیرها را خوردم و فقط یکی دو دانه باقی ماند. سردار سلیمانی، آقای پورجعفری را صدا

زد و گفت که اگر باز هم انجیر دارید، مقداری دیگر بیاورید. گفتم که سردار، نگذاشتم دو تا دانه انجیر بیشتر برای شما باقی بماند. او گفت که نمی خورم، چون دیدم دوست دارید گفتم که برای شما بیاورند. ملاقات ما تمام شد و بعد از حدود یک ساعت به پرواز رسیدم. وقتی داخل هواپیما نشستیم، مهماندار نزد آمد. او که سردار را نمی شناخت، گفت که شخصی به اسم سلیمانی یک کارتن انجیر برای شما فرستاده و الان داخل کابین است. با آن چه کنیم؟ مقدارش هم زیاد است. گفتم که اگر مقدور است داخل چند سینی بگذارید و بین مسافران پرواز تقسیم کنید. مسافران هم اکثراً مدافعان حرم بودند. با اینکه این کار مخالف پروتکل بود، اما انجیرها را بین مسافران تقسیم کردند. باید اشاره کنم که سردار شهید سلیمانی در آن لحظات با وجود اینکه در حال فرماندهی بود، اما به این نکات دقت داشت و این ابعاد شخصیتی و اخلاقی ویژه او را نشان می دهد و شاید مردم از این موارد خبری نداشته باشند.



**شهید
سلیمانی
بیشترین
تلاش را نه برای
جنگ بلکه
برای مقابله با
جنگ انجام
داد. لذا او
سردار صلح
نیز بود**



سعدالله زارعی از فرماندهی استراتژیک شهید سلیمانی می‌گوید؛

۹ جنگ بزرگ را در منطقه خشی کرد

رشادت‌ها و جان‌فشانی‌های سردار سلیمانی در دهه‌های منجر به ایجاد وضعیتی ممتاز و استراتژیک برای جبهه مقاومت در منطقه غرب آسیا شد. آمریکایی‌ها از سال ۲۰۰۰ میلادی با برنامه‌ریزی قبلی وارد منطقه شدند و می‌خواستند کل منطقه را از نظر فیزیکی، محتوایی و معنوی تغییر دهند. آن‌ها بحث خاورمیانه جدید و بزرگ را مطرح کردند و جنگ‌هایی را از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶ در منطقه به راه انداختند، به گونه‌ای که در آن سال‌ها شاهد ۹ جنگ بزرگ در منطقه بودیم، جنگ‌هایی که ملت‌های مقاوم را هدف قرار دادند. واقعه ۱۱ سپتامبر جهانی را با آمریکا هماهنگ کرد. در داخل آمریکا هم اجماعی را فراهم آورد و با مخالفان آن کشور به خصوص ایران مقابله شد. لذا همه چیز آماده بود که تغییری اساسی به نفع آمریکا و به ضرر ملت‌های منطقه رخ دهد. کسی که از طرف جمهوری اسلامی مأمور شد

تحولات پیچیده منطقه پیش از شهادت فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تحلیل‌های چندبعدی و نگاهی همه‌جانبه را می‌طلبد. همچنین اتفاقات و حوادث پس از شهادت سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس، فصل جدیدی در همراهی و هم‌گامی دو ملت ایران و عراق است که این دوره را می‌توان طلایی‌ترین دوره روابط مردم ایران و عراق دانست. در این راستا با سعدالله زارعی، استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی و از دوستان قدیمی و صمیمی شهید قاسم سلیمانی، به گفت‌وگو نشستیم؛ به نظرش در قالب چند برنامه فشرده آموزشی می‌توان رشادت‌ها و عملیات‌های شهید سلیمانی را برای دانشجویان و دانش‌پژوهان تشریح کرد. با این حال او به اختصار تصویری کلی را از رویدادها بازگو می‌کند.

گفت و گو

لقب «شهید قدس» شایسته سردار سلیمانی

خالد قدومی، نماینده جنبش حماس در تهران، به مواضع سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در حمایت از فلسطین پرداخت. او می گوید که اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس، زمانی که در مراسم تشییع سردار سلیمانی حضور یافت، ایشان را «شهید قدس» نام نهاد؛ لقبی که بحق شایسته این سردار بزرگ است. سردار سلیمانی به آرزوی همیشگی اش یعنی شهادت رسید، اما نبود ایشان ضایعه جبران ناپذیری در مسیر مبارزه علیه مستکبران است. این شخصیت بزرگ تأثیر بسیار شاخصی نه تنها در ایران بلکه در محور مقاومت داشت. شهید سلیمانی برادر بزرگ ما و حامی فلسطین بود و در طول هشت سالی که او را می شناختیم، هیچ خواسته سیاسی یا نظامی از مقاومت نداشت و از نظر اخلاقی نیز الگوی ما بود. اگر در مسائل سیاسی یا نظامی از او نظر خواهی می کردیم، از هیچ چیزی دریغ نمی کرد. متأسفانه شهادت سردار سلیمانی در شرایطی روی داد که شاهد فرقه گرایی و قومیت گرایی در منطقه هستیم؛ از خداوند متعال می خواهیم که تفرقه پایان یابد و امت اسلام با هم متحد و تمامی تلاش های سیاسی، دیپلماسی و نظامی یکپارچه شود و به قدرتی دست یابیم که شهید سلیمانی برای آن تلاش می کرد. او به دوستان و مجاهدان مقاومت وصیت کرده بود که راه آزادی قدس و فلسطین را ادامه دهند و تمامی تلاش ها در مسیری واحد برای مقابله با دشمن مشترک امت اسلامی یعنی رژیم غاصب و اشغالگر صهیونیستی، متمرکز شود.

“
**آمریکایی ها
برای ماندن
نیاز به امنیت
دارند اما به
نظرمی رسد
دیگر امنیت
نخواهند
داشت**

آمریکایی در پی برگ های جدید و پر قدرتی را روی میز قرار می داد، مثلاً جنگ افغانستان هنوز ادامه داشت که جنگ عراق را پیش آورد. سپس جنگ ۳۳ روزه در لبنان رخ داد و به سرعت جنگ ۲۲ روزه در غزه به وقوع پیوست و بعد هم جنگ ۱۱ روزه و پنج روزه. در همان اثناء جنگ یمن و حضور داعش در عراق و سوریه هم پیش آمد. سردار سلیمانی طی ۱۶ سال، که دوره کوتاهی محسوب می شود، ۹ جنگ را خنثی کرد. این عظمت کار سردار سلیمانی بود که توانست برنامه آمریکا را شکست دهد. البته در همه کشورهایی که این جنگ ها رخ داد بر خاکستر جنایات آمریکا و از دل ملت هایشان، دولت هایی پدید آمدند که یک جبهه در مقابل زباده خواهی های آمریکا محسوب می شوند. امروز در سوریه و عراق بار آری مردم دولت مستحکمی وجود دارد. این امر نشان می دهد که سردار سلیمانی هم در عرصه امنیتی توفیق بزرگی را به دست آورد و هم در عرصه سیاسی، به همین دلیل می توانیم با توجه به وضعیت منطقه، تجربه ۲۰ سال گذشته و ظرفیت های کنونی، به خروج کامل نیروهای آمریکایی از منطقه و شکست کامل سیاست های این کشور امیدوار باشیم. نمونه بارز ظرفیت مردم منطقه، اجتماع میلیونی مردم عراق در روز جمعه، چهارم بهمن ماه، بود که اخراج نیروهای آمریکایی از عراق را مطرح کردند. این نشان می دهد که در حال حرکت به سمت جهانی عاری از زور گویی و اقتدار آمریکا هستیم. جهان جدیدی که در آخرین پیام رهبر معظم انقلاب خطاب به انجمن های اسلامی اروپا به آن اشاره شد. آمریکایی ها برای ماندن نیاز به امنیت دارند اما به نظر می رسد دیگر امنیت نخواهند داشت. ارتش آمریکا نیرویی شهادت طلب نیست و اصل اساسی آن این است که «جنگ تا زمانی که جانت در معرض خطر قرار نگیرد» کشته شدن برای ارتش آمریکا وحشتناک ترین اتفاق است، در حالی که برای نیروهای مقاومت، کشته شدن در راه خدا اوج آمل و آرزوهای یک رزمنده است. این دور فرهنگ وقتی در مقابل هم قرار می گیرند، برای جبهه مقاومت پیروزی حاصل می شود. اسلام در منطقه ما استقبال از شهادت را به مردم آموخته است. خداوند متعال در سوره جمعه خطاب به یهودیانی که از جنگ فرار کردند، فرمود: «فَتَمَتَّزُوا الْفَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ اگر راست می گوئید که آدم های دینداری هستید، از مرگ و شهادت استقبال کنید». همان طوری که عنصر شهادت فضای منطقه را تغییر داده است، از این به بعد هم سر نوشت منطقه را رقم خواهد زد.



تا این طرح بزرگ را از بین ببرد و ایران و منطقه را نجات دهد سردار پرافتخار، حاج قاسم سلیمانی، بود. ایشان با درایت، شجاعت بی نظیر، نیرو و امکانات و بودجه بسیار کم وارد صحنه شد و توانست آن طرح را با شکست مواجه کند. البته ترامپ چندین بار گفته است که آمریکا در منطقه ۷ تریلیون دلار هزینه کرده است! یعنی تغییری که جورج بوش بعد از ۱۱ سپتامبر مد نظر قرار داد و حدود ۳۰۰ هزار نیروی نظامی را در عراق و ۷۰ تا ۷۰ هزار نیرو را در افغانستان مستقر کرد، تاکنون حداقل هفت تریلیون دلار هزینه داشته است. در کنار این بودجه هنگفت، سازمان ملل، اروپا، اعراب و بسیاری از کشورهای پشیمان آمریکا بودند و فضای اخلاقی هم به نفع این کشور بود، زیرا کشوری ماجرایی ۱۱ سپتامبر را تأیید نکرد و همه به عنوان خطر از آن یاد کردند. سردار سلیمانی باید این سد سکندری را می شکست که توانست، در حالی که

مروری بر عملکرد سردار سلیمانی و هم‌زمان شهیدش در منطقه

ژنرال بی‌سایه

نشان‌های دریافتی سردار

نشان فتح درجه دو



نشان فتح درجه دو به پاس ایستادگی و دفاع قهرمانانه در برابر استکبار و عوامل مزدور آنان و همچنین اعتلای جبهه مقاومت اسلامی و دفاع از حریم اهل بیت (ع) اهدا شده است.

نشان فتح درجه یک



نشان فتح درجه یک، به رزمندگان نبردهایی با پیروزی چشم‌گیر داده می‌شود که به عنوان سمبل عملیات پیروزمندانه رزمندگان و نشانی برای فاتحان عملیات‌های پیروز رزمندگان اسلام انتخاب شده است.

نشان ذوالفقار



نشان ذوالفقار عالی‌ترین نشان نظامی ایران است که از ابتدای پیروزی انقلاب و سرنگونی رژیم سلطنتی در ایران، تنها فرماندهی که موفق به دریافت آن شد سردار قاسم سلیمانی است.

شهیدای همراه سردار

شهید ابومهدی



جمال جعفر ابراهیم ملقب به ابومهدی المهندس متولد سال ۱۹۵۴ بصره از پدری عراقی و مادری ایرانی بود که تحصیلات خود را در رشته مهندسی مخابرات در سال ۱۹۷۷ به اتمام رساند و در همان سال به حزب الدعوة پیوست. او رهبر شبه‌نظامیان کتائب حزب الله و از فرماندهان میدانی حشد الشعبی بود.

ابتکارات سردار سلیمانی در منطقه

عراق



بسیج مردمی عراق یا حشد الشعبی در سال ۲۰۱۴ با همکاری نیروی قدس سپاه، برای مبارزه با جریان‌های تروریستی تشکیل شد. حضور میدانی شهید سلیمانی و نیروهای او در نبرد با داعش، شهر بغداد، پایتخت عراق را از سقوط حتمی نجات داد. همچنین بازسازی عتبات عالیات در دو دهه اخیر با نظارت عالیه ایشان انجام پذیرفت.

سوریه



داعش با رؤیای خلافت از شام تا خراسان، بخش‌های وسیعی از سوریه و عراق را اشغال کرده بود که با سد محکمی به نام حاج قاسم سلیمانی رویه رو شد. حضور شهید سلیمانی در میدان نبرد و ابتکار ایشان در تشکیل گروه «دفاع وطنی» با عضویت ۵۰ هزار جوان سوری، سوریه را به قتلگاه گروه‌های تکفیری تبدیل کرد.

افغانستان



پس از تسلط طالبان بر شریان‌های حیاتی افغانستان در اواخر دهه ۹۰ میلادی، شهید سلیمانی همراه با احمد شاه مسعود، رهبر جناح مقاومت افغانستان، سال‌ها به مبارزه با آن گروه خطرناک پرداخت. همچنین ایجاد لشکر فاطمیون متشکل از جوانان افغانی مدافع حرم، از ابتکارات شهید سلیمانی بود.

پاکستان



محبوبیت نیروی قدس و شهید سلیمانی، به علت مبارزه با اشرار و قاچاقچیان مواد مخدر، در میان شیعیان پاکستان، وسیع و عمیق است آنچنان که پاکستانی‌ها با پیوستن به لشکر «زنبیون» که با ابتکار و نظارت شهید سلیمانی تشکیل شد، به دفاع از حریم اهل بیت (ع) و مبارزه با گروه‌های تکفیری شتافتند.

لبنان و فلسطین



از جمله نقاط درخشان فرماندهی شهید سلیمانی بر نیروی قدس، تقویت همه‌جانبه حزب الله لبنان و گروه‌های مبارز فلسطینی بود که نمود عینی آن در نبردهای متعددی از جمله جنگ ۳۳ روزه لبنان و جنگ ۲۲ روزه غزه علیه ارتش مجهز اسرائیل تجلی یافت. شهید سلیمانی به همراه شهید عماد مغنیه، فرماندهان میدانی جنگ ۳۳ روزه بودند.



شهید مغنیه



عماد مغنیه معروف به حاج رضوان بنیانگذار یگان نظامی حزب الله لبنان و از فرماندهان جنگ ۳۳ روزه بود که در حادثه تروریستی به شهادت رسید. وی به «مرد سایه» در مقاومت اسلامی شهرت داشت و بسیاری او را مغز متفکر حزب الله قلمداد می‌کردند. وی در سال ۲۰۰۸ در دمشق ترور و به شهادت رسید.

شهید حسین پور



مرتضی حسین پور شلمانی، معروف به حسین قمی روز ۳۰ شهریور ۱۳۶۴ در روستای شلمان لنگرود به دنیا آمد. سال ۱۳۹۴ به سوریه رفت و در عملیات آزادسازی حلب و مناطق اطراف آن مشارکت کرد. او فرمانده عملیات قرارگاه حیدر یون در سوریه بود و در ۱۶ مرداد ۱۳۹۶ در منطقه تدمر سوریه شهید شد.

مهدی نوروزی



مهدی نوروزی، ملقب به «شیر سامرا» متولد ۱۵ خرداد ۱۳۶۱ در کرمانشاه بود. چندین مرتبه جهت مبارزه با وهابیت به عراق اعزام و در همه آنها پیروز شد. وی به عنوان فرمانده عملیات ویژه سامرا منصوب شد و در همین مقام به فیض شهادت نائل آمد.

شهید همدانی



سردار حاج حسین همدانی در سال ۱۳۳۳ در آبادان دیده به جهان گشود. وی در همان ابتدای جوانی در صف مبارزان انقلابی درآمد و به مبارزه با رژیم شاهنشاهی پرداخت. آخرین مأموریتش، دفاع از حریم حضرت زینب (س) و کمک به مردم سوریه بود که در همین راه شهید شهادت را نوشید.



یادداشت امدکریمفانی، کارشناس مسائل بین المللی

نقش سپهد شهید سلیمانی در شکست راهبردهای منطقه ای آمریکا

در استراتژی بلندمدت هر کشوری چند محور و تأکید بر چند اصول، بیش از همه نمود و باز خورد دارد و برای رسیدن به آن تمام توان و امکانات خود را بسیج خواهد کرد. این اصول در راهبردهای آمریکا به عنوان یک کشور استعمارگر و سلطه گر مبتنی بر بنیادهای غیر انسانی و فایده گرایی در سطح بین الملل است. در غرب آسیا راهبردهای مختلف واشنگتن در حال اجرا و تدوین است و تنها عاملی که تاکنون توانسته در ابعاد مختلف آن را با چالش مواجه کند، گفتمان محور مقاومت با تکیه بر جمهوری اسلامی ایران است. در این میان تصمیم گیران نظامی و سیاسی کشور به ویژه سپهد سلیمانی در خنثی و غیر فعال کردن راهبردهای کلی محور غربی — عربی نقش مؤثر و بسزایی داشته اند. به همین منظور در این مجال ضمن پرداختن به برخی راهبردهای آمریکا در منطقه، نقش سپهد شهید در خنثی کردن این طرح ها و اقدامات ایشان را تبیین می کنیم.

راهبردهای آمریکا در منطقه

بر اساس اصل هزینه — فایده راهبردهای آمریکا را در منطقه می توان در موارد زیر بیان کرد:

۱. تجزیه کشورهای منطقه، ۲. ائتلاف سازی، ۳. جنگ نیابتی، ۴. تشکیل، حمایت و احیای گروه های تروریستی، ۵. نابودی آرمان فلسطین با ارائه طرح های سازش، ۶. تضعیف گروه های مقاومت در منطقه، ۷. دسترسی به نفت منطقه، ۸. عدم گسترش اسلام به ویژه ایدئولوژی شیعه.

۱. تجزیه کشورهای منطقه

بر اساس راهبرد آمریکا، کشورهای منطقه بر اساس هویت های مذهبی و قومی باید به موجودیت های یگانه و متکثر تقسیم شوند. این موجودیت ها اختلاف های ایدئولوژیک و ملی دارند و همین امر موجب جنگ های نامحدود و گسترده در منطقه می شود. آمریکا طرح های مهمی را ارائه داد و حتی در برخی موارد اجرا کرد، اما سپهد شهید سلیمانی بر اساس اصل گفتمان

مقاومت و امنیت ملی آن ها را خنثی کرد. یک نمونه طرح خاور میانه بزرگ نامیده می شود که بر مبنای تجزیه کشورهای منطقه و سیادت رژیم صهیونیستی پایه ریزی شده است. طرح آغازین خاور میانه بزرگ با جنگ ۳۳ روزه لبنان کلید خورد و قرار بر این بود که با شکست حزب الله، مختصات جدید منطقه طرح ریزی شود. با حضور سردار شهید سلیمانی در جنگ ۳۳ روزه و هدایت و فرماندهی آن، رژیم صهیونیستی شکست خورد و این طرح در همان مراحل اولیه متوقف شد. پایگاه تحلیلی اسپوتنیک در تشریح این اقدام سپهد سلیمانی این گونه واکنش نشان داد و اعلام کرد که ناراحتی آمریکایی ها از سردار سلیمانی به این دلیل است که وی توانست نقشه های آن ها و هم پیمانانشان را برای تجزیه منطقه، شکل دهی خاور میانه جدید و نابودی ایران خنثی کند. اقدام دیگر سردار اسلام در خنثی سازی طرح های تجزیه در منطقه، در مورد طرح استقلال کردستان عراق بود. در این مقطع نیز

شهید سلیمانی با اقدامات سیاسی و دیپلماسی مقدمات شکست طرح را بعد از رفراندوم فراهم آورد. از دیگر اقدامات شهید سلیمانی در راستای جلوگیری از تجزیه کشورهای منطقه، شکست گروه تروریستی داعش بود. بنا بر ادعای اسنودن، داعش بر مبنای استراتژی لانه های زنبور و بر اساس کتاب گزینه های سخت کلینتون در جهت مقابله با محور مقاومت با حمایت کشورهای عربی و غربی ایجاد شد. شهید سلیمانی در یک مقطع چند ساله این گروه تروریستی را نابود کرد و با این اقدام کل طرح های منطقه ای جبهه غربی به شکست انجامید. اقدامات شهید سلیمانی در مبارزه با داعش در دو جنبه قابل واکاوی است.

الف) حضور مستشاری و نظامی. در این روند سردار شهید از طریق حضور در میادین نظامی این کشورها و بر اساس خواست دولت های مورد نظر حضور مستشاری خود را آغاز کرد.

ب) تشکیل گردان های محلی و ملی. سردار شهید با استفاده از تجربه جنگ ۸ ساله و حضور



شهید

سلیمانی

با اقدامات

سیاسی و

دیپلماسی

مقدمات

شکست

طرح را بعد

از فراندوم

فراهم آورد. از

دیگر اقدامات

شهید

سلیمانی

در راستای

جلوگیری

از تجزیه

کشورهای

منطقه،

شکست گروه

تروریستی

داعش بود

(آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدان منطقه‌ای و فرماندهان آن‌ها)

■ تقویت بنیه گروه‌های شیعی در کشورهای مختلف به ویژه سوریه، عراق و یمن از طریق ایجاد تشکلهای ساختارمند و فعال در حوزه‌های مختلف به ویژه نظامی و بازدارندگی

■ حمایت‌های مستشاری و فکری از گروه‌های مقاومت (حزب‌الله لبنان، انصارالله یمن و...) و تلاش برای انتقال تجربیات

در مجموع می‌توان گفت که عوامل متعدد بسیاری در شکست راهبردهای آمریکا دخیل بودند که نقش شهید سلیمانی در آن بسیار پررنگ است. او از طریق گفتمان مقاومت و استفاده از ظرفیت‌های ایدئولوژیک و انسانی گسترده در شکست این طرح‌ها نقش داشت. سردار شهید سلیمانی با اقدامات مختلف نظامی، سیاسی و دیپلماسی و استفاده از ظرفیت‌های پنهان مردمی در کشورهای منطقه توانست گفتمان جدیدی را در منطقه بدون حضور آمریکایی‌ها پایه‌ریزی کند.

را می‌توان کاملاً دیپلماتیک دانست. به همین منظور شهید سلیمانی کشورهایی را همچون روسیه، ترکیه، عراق و سوریه و برخی گروه‌های محلی را مانند حزب‌الله در یک مسیر قرار داد. تلاش‌های گسترده ایشان در کنار اقدامات مبتنی بر دیپلماسی، شرایط را برای تغییر موازنه قوا در سال ۲۰۱۵ در منطقه فراهم کرد.

۳. شیعه‌هراسی و تضعیف گروه‌های مقاومت

آمریکا این اقدام را همزمان با به وجود آمدن داعش در منطقه پیگیری و اعلام کرد که ایران به دنبال تشکیل امپراتوری پارس است. به همین منظور با اصطلاحات واهی همچون هلال شیعی و امپراتوری پارس سعی در ایجاد شکاف بین کشورهای اسلامی با ایران داشت، اما سردار سلیمانی در راستای خنثی کردن تلاش دشمنان در این حوزه سه راهبرد مهم را در پیش گرفت و از جهات فراوانی موفق شد.

■ تقویت وحدت بین مسلمانان جهان اعم از شیعه و سنی و تلاش برای تعریف دشمن واحد

بسیج در صحنه‌های مختلف کشور، همین طرح را با ابعاد وسیعی در کشورهای منطقه اجرا کرد، به گونه‌ای که حشدالشعبی را در عراق، جریان‌الوطنی را در سوریه و انصارالله را به عنوان یک نیروی کلاسیک جدید در یمن ایجاد کرد. در کنار این نیروها سردار گردان‌های زیادی را نیز در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی با نام‌های مختلفی همچون فاطمیون، حیدریون و زینیون سازماندهی کرد.

۲. ائتلاف‌سازی

آمریکا در این راهبرد توان خود را بر ائتلافی نظامی — سیاسی با محوریت اسرائیل در منطقه متمرکز کرد؛ از ائتلاف مبارزه با داعش تا تشکیل ناتوی عربی. هدف این ائتلاف‌ها نیز مقابله با محور مقاومت و اقدامات جمهوری اسلامی در منطقه با عنوان تحدید نفوذ منطقه‌ای ایران بود. در مقابل این اقدام آمریکایی‌ها، شهید سلیمانی نیز همزمان با مبارزه با داعش، ائتلاف‌سازی در منطقه را به منصفه ظهور رساند که این اقدام وی

صمیمیت دو ملت؛

آرزوی یک سردار

ایرج مسجدی، سفیر ایران در بغداد است و از تباط او با شهید سلیمانی به دوران دفاع مقدس بازمی گردد. دوستی و ارتباطی عمیق و ۴۰ ساله که از قرارگاه رمضان در دفاع مقدس تا سازندگی اعتبار مقدسه حوالی همین روزها ادامه یافت.

● دوستی شما با شهید سلیمانی از چه زمانی آغاز شد؟

از زمان دفاع مقدس؛ آن موقع در قرارگاه رمضان بودم و ایشان فرمانده لشکر کرمان بودند. بعد از پایان جنگ تحمیلی نیز ارتباط ما تداوم یافت. وقتی ایشان فرمانده سپاه قدس شدند، بنده رئیس ستادشان بودم. سپس با شروع کار من به عنوان سفیر در عراق این دوستی و همکاری ادامه یافت.

● آیا فرمانده نظامی موفق تعریف جامع و صحیحی از سردار است؟

شخصیت ایشان چندوجهی و دارای ابعاد مختلفی بود. از منظر نظامی، فرمانده توانمندی بودند و این توانمندی را در زمان جنگ تحمیلی، مقابله با اشرا و فرماندهی نیروی قدس نشان دادند. همچنین، ایشان توانمندی برجسته ای در درک و فهم مسائل سیاسی داشتند، زیرا تحلیل خوبی را از شرایط منطقه به خصوص کشورهای درگیر بحران های مختلف ارائه می دادند و شناخت دقیق از تروریسم منطقه ای و بین المللی از ایشان سیاستمداری کامل و برجسته ساخته بود.

علاوه بر این، سردار فهم فرهنگی عمیقی از مسائل فرهنگی و اجتماعی داشتند؛ در بحث قدرت تصمیم گیری، مدیریت، اجرا، پیشبرد مأموریت ها و محقق کردن خواست و اراده جمهوری اسلامی در کشورهایی که در آنها

مسئولیت داشتند، از جمله سوریه، یمن، لبنان، افغانستان، عراق و فلسطین، بسیار موفق و چندبعدی بودند و از تمام ابعاد شخصیتشان بهره می بردند.

● چه گره های سیاسی به دست سردار باز شد؟

موارد زیادی را می توان برشمرد. ایشان در بسیاری از مسائل سیاسی که در لبنان، افغانستان و به خصوص عراق بعد از سقوط صدام (سال ۲۰۰۳) رخ داد، مثل انتخابات، تشکیل دولت، اقلیم کردستان، روابط بین طوایف و جریان های سیاسی مختلف، ایجاد وحدت در عمل و هماهنگی بین گروه های مختلف، نگاه و عملکرد سیاسی راهگشایی داشتند. سردار سلیمانی فرماندهی نبود که فقط عهده دار مبارزه با داعش باشد، بلکه در ارتباط با رهبران سیاسی، رؤسای جمهور، نخست وزیران، رهبران گروه ها و احزاب سیاسی کشورهای مختلف، حتی کشورهای غیر از مناطق درگیر، در مقام یک شخص صاحب نظر و فهم در درک شرایط پیچیده سیاسی شناخته شده بودند و به دیدگاه ها و نظرات ایشان توجه می شد.

البته سردار سلیمانی در مورد اقتناع طرف مقابل و به اثبات رساندن نقطه نظر ایشان منطقی قوی داشتند و با رهبران بزرگ سیاسی منطقه نیز، از جمله بشار اسد، طالبانی، برهم صالح، نخست وزیران مختلف در دوران مالکی، حیدر

عبادی، عادل عبدالمهدی، رهبران احزاب و گروه ها مثل سیدحسن نصرالله، مرحوم سیدمحمدباقر حکیم، رؤسای کل، گروه ها و ائتلاف ها، ارتباط داشتند.

● سردار سلیمانی در بازسازی عتبات عالیات چه نقشی داشتند؟

سردار بنیانگذار و مؤسس ستاد بازسازی عتبات عالیات بودند. پس از راه اندازی این ستاد، افرادی را مسئول اداره آن کردند، اما در طول دوره بازسازی اعتبار مقدسه نقش هادی، کمک کننده و ناظر این مجموعه عظیم را بر عهده داشتند.

● برای بازسازی چه طرح هایی داشتند که هنوز اجرا نشده است؟

پروژه های زیادی در دست اقدام بوده و هست؛ مثل ساخت صحن حضرت زهرا (س) در نجف اشرف، صحن حضرت عقیله بنی هاشم در کربلا، طرح های توسعه ای در حرم امامین جوادین و امامین عسکریین (ع)، امامزاده سیدمحمد (ع) و مرقد سلمان فارسی در مدائن. البته در یک سوی این بازسازی ها ستاد بازسازی ایران و در سوی دیگر مسئولان اعتبار مقدسه عراق و سوریه قرار دارند.

● آرزوی سردار در مورد روابط دو ملت ایران و عراق چه بود؟

شهید عزیز ما به منظور ایجاد روابط بین دو کشور ایران و عراق، هم روابط سیاسی و دولتی و هم روابط مردمی، تلاش بسیاری کردند. موضوعاتی همچون آسوده خاطر بودن مردم در پیاده روی اربعین، حضور عراقی ها در اماکن مقدس ایران و توریسم زیارت و سلامت جزء اهداف ایشان بود. در حال حاضر سالانه رفت و آمد بین دو کشور به هفت میلیون نفر می رسد که به برکت تلاش های سردار است. ایشان همیشه مدیران اجرایی را برای تحقق این اهداف تشویق و از آنها حمایت می کردند. البته غیر از روابط سیاسی و رسمی بین دو کشور، در ایجاد پیوندهای اجتماعی بین دو ملت ایران و عراق، عشایر و گروه های مختلف نیز تلاش جدی داشتند.

● چشم انداز سردار سلیمانی در این روابط چه بود؟

بسیار علاقه مند بودند که روزی مردم ایران و

سردار
بنیانگذار و
مؤسس ستاد
بازسازی
عتبات عالیات
بودند. پس از
راه اندازی این
ستاد، افرادی
را مسئول اداره
آن کردند،
اما در طول
دوره بازسازی
اعتبار مقدسه
نقش هادی،
کمک کننده
و ناظر این
مجموعه عظیم
را بر عهده
داشتند

گفت و گو

الگوی تمام عیار جهاد و مقاومت

ماجد غماس، نماینده مجلس اسلامی عراق، تواضع و فروتنی را بارزترین ویژگی شهید قاسم سلیمانی برشمرد. به نظر او این شهید بزرگوار با تمامی مذاهب و قومیت‌ها اعم از شیعیان، اهل سنت، کردها، عرب‌ها و غیرعرب‌ها رفاقت داشت و برای همه چه بزرگ و چه کوچک احترام قائل بود. شهید قاسم سلیمانی و ابو مهدی المهندس پیشوای ایثارگران و مجاهدان بودند و می‌توان از آن‌ها به عنوان مصداق بارز مقاومت در راه خدا و مبارزه علیه استبداد و ستم یاد کرد.

سردار سلیمانی از جوانی به فریضه جهاد در راه اسلام روی آورد و با ورود به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به خط مشی خود عمل کرد. قدرت ذهنی، نظامی، سیاسی و اطلاعاتی‌اش، او را به الگوی تمام عیار جهاد و مقاومت تبدیل کرد.

تواضع بارزترین ویژگی شهید سلیمانی بود، حتی در فیلم‌ها و عکس‌هایی که از حضور او در میدان‌های نبرد و میان مجاهدان منتشر شده است، می‌توان تواضع را در او مشاهده کرد. شخصیت شهید سپهبد قاسم سلیمانی مصداق این حدیث شریف پیامبر (ص) بود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ به راستی که من برای به کمال رساندن مکارم اخلاق مبعوث شده‌ام». رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز شهید سلیمانی را «چهره بین‌المللی» مقاومت می‌دانستند. در واقع ایشان با احاطه کامل به ویژگی‌های شهید و آگاهی از حضورش در کشورهای مختلف مانند سوریه و عراق توصیفی راستین و حکیمانه را بیان فرمودند.



می‌گذرد، هنوز برگزاری مراسم بزرگداشت ادامه دارد و حداقل ۴۰۰ مراسم از سمت جریان‌های مختلف و با حضور گسترده مردم و مسئولان برگزار شده است. همچنین، مراسمی را در داخل سفارت برای این شهیدای عزیز برگزار کردیم که بیشتر مسئولان اعم از شیعیان، اهل سنت و جریان‌های مختلف در آن شرکت کردند و جمعیت به حدی زیاد بود که جایی برای نشستن میهمان‌ها نداشتیم.

آنچه ما دیدیم ناراحتی مردم عراق از جنایت آمریکایی‌ها در این سرزمین مقدس و سنگ تمام گذاشتن مردم برای شهید بود. شهید سلیمانی به آزادسازی مناطق عراق از دست داعش کمک بزرگی کرد و جان‌ش نیز در همین راه فدا شد. هم‌زمان شهید سلیمانی و مدافعان حرم در کنار نیروهای عراقی خون دادند و به شهادت رسیدند؛ مردم عراق قدرشناس این رشادت‌ها هستند.

شهید سلیمانی، فرمانده بزرگی بودند و ما ایشان را از دست دادیم، اما به قول مقام معظم رهبری، این یک مدرسه، مکتب، منهج، طریق و راه است. راه شهید سلیمانی، اعتلای اسلام و وحدت امت اسلامی، حمایت از جریان‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش و تقویت جبهه مقاومت اسلامی است. ان شاء الله این راه و مسیر با قدرت، وحدت و همدلی مسلمان‌ها ادامه می‌یابد.

آرزوی توفیق الهی برای جایگزین ایشان، سردار قائنی، دارم. ان شاء الله ایشان نیز با قدرت این مسیر را ادامه خواهند داد. مطمئن باشید برای بهای خونشان، این مسیر با تمام توان پیموده می‌شود و فتح و نصرت از آن مسلمان‌ها و جبهه مقاومت اسلامی است.

عراق بتواند با امنیت کامل و سهولت بین دو کشور تردد کند؛ بدون ویزا و کمترین مشکل و معطلی. آرزوی سردار سلیمانی این بود که رابطه بین دو ملت روز به روز قوی‌تر و صمیمی‌تر شود و دشمنان مشترک نتوانند تفرقه و اختلافی ایجاد کنند. امیدوارم تداوم اهداف بلند و مقدس ایشان در دستور کار همه مسئولان قرار گیرد.

● خط مشی ایشان در زمان فرماندهی

نیروی قدس مشتمل بر چه نکاتی بود؟ زمانی که سردار سلیمانی فرمانده نیروی قدس شدند، در ایجاد قدرت بین نهضت‌ها، جریان‌ها و گروه‌های آزادی‌بخش و اسلامی در اقصی نقاط منطقه نقش برجسته‌ای داشتند. به این جریان‌ها روحیه، انگیزه، توان و قدرت بیشتری می‌دادند و بین این گروه‌ها وحدت رویه را در مبارزه با صهیونیست‌ها، استکبار، تروریسم، داعش، القاعده و جریان‌های الحادی در سوریه و عراق ایجاد کردند. همین فرمانده قدرتمند، جدی و سختگیر در کار، در روابط شخصی بسیار مهربان، عاطفی، با مرام و با معرفت بودند.

● رسانه‌های معاند تلاش خود را به کار گرفتند تا القا کنند که مردم عراق از شهادت

سردار سلیمانی خوشحال شده‌اند. آیا افرادی در عراق از این ترور خوشحال شدند؟

مراسم تشییع برای شهید سلیمانی و ابو مهدی المهندس معرف عکس‌العمل مردم عراق بود. تشییع شهادی ترور در بغداد، کاظمین، نجف و کربلا همانند مراسم تشییع در ایران باشکوه بود. تا همین امروز که یک ماه از شهادت سردار

“
**شهید
سلیمانی،
فرمانده بزرگی
بودند و ما
ایشان را از
دست دادیم،
اما به قول
مقام معظم
رهبری، این
یک مدرسه،
مکتب، منهج،
طریق و راه
است**



(مزیّن المللی مقاومت)

خون سرخی که روح تازه‌ای به مقاومت دمید

جنبش «مقاومت اسلامی نجباء» گروهی اسلامی-جهادی و مرکز آن در بغداد است. تشکیلات نظامی نجباء سال ۲۰۰۴ با جذب رزمندگان شجاع و دلیر عراقی — که سال‌های سال، قبل و بعد از سقوط «صدام حسین» دیکتاتور معدوم، سوابق جهادی فراوانی از خود به نمایش گذاشته بودند؛ برای دفاع از تمامیت ارضی، صیانت از حرم‌های اهل بیت (ع) و حفاظت از حریم مردم تأسیس شد. سپهبد قاسم سلیمانی، فرمانده شهید نیروی قدس سپاه پاسداران چندی قبل از شهادت در دیدار با کادر مرکزی مقاومت اسلامی نجباء عراق، خود را سربازی خواند که به جهاد کنار این گروه افتخار می‌کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی الاسدی، رئیس شورای سیاسی مقاومت اسلامی نجباء و عضو ارشد حشد الشعبی (بسیج مردمی عراق) ارتباط شیخ اکرم الکعبی، دبیر کل جنبش نجباء با شهید حاج قاسم سلیمانی را بسان رابطه یک سرباز با فرمانده خود توصیف کرد. این رابطه از روی محبت، احترام و تقدیر است. دبیر کل نجباء از نخستین مجاهدانی بود که با حاج قاسم سلیمانی دیدار کرد و به بررسی دغدغه‌های امت اسلامی پرداخت و در آخرین دیداری که این شهید والا مقام با دبیر کل نجباء و فرماندهان این جنبش داشتند، نیز این دغدغه‌ها

مورد بررسی قرار گرفته بود. جالب است بدانید فرمانده فقید نیروی قدس سپاه مؤسس حقیقی جنبش مقاومت اسلامی نجباء بوده است. تأثیر مجاهدت‌های تاریخی شهید حاج قاسم را می‌توان در بسیاری از کشورهای منطقه مشاهده کرد. حمایت‌های او از جنبش‌های آزادی‌خواه جهان موجب شد تا وی به مصداق واقعی فرمایش رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای که او را رمز بین‌المللی مقاومت (چهره جهانی جبهه مقاومت) خوانده بودند؛ تبدیل شود. شهید سلیمانی به گونه‌ای بر بیشتر کشورهای منطقه و جهان تأثیر گذاشته بود



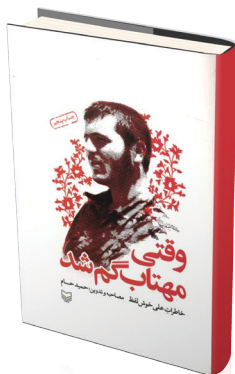
جالب است
بدانینفرمانده
فقیدنیروی
قدس سپاه
مؤسس
حقیقی جنبش
مقاومت
اسلامی نجباء
بوده است

که شهادت وی برای ملت‌های بیدار به یک رخداد دردناک تبدیل شد؛ ملت‌هایی که آن شهید دست یاری به آن‌ها داده بود. این مجاهدت‌های تاریخی حاج قاسم را به مکتبی انقلابی تبدیل کرد و خواهیم دید که بعدها در دانشگاه جهان به آن پرداخته خواهد شد و این واقعیتی است که در تمام دوره‌های تاریخی برای شخصیت‌های بزرگ رقم می‌خورد. شهید حاج قاسم سلیمانی نه تنها هیبت استکبار جهانی را در هم شکست، بلکه پایه‌های هیمنه آمریکا را در هم شکست و مانع گسترش نفوذ این کشور جهان‌خوار در خاورمیانه شد؛ زیرا وی کسی بود که از مکتب امام حسین (ع)، آن انقلابی بزرگ برخاسته و تربیت یافته امام خمینی (ره) بود که با بصیرت پیش می‌رفت و نقشه‌های آمریکا و پیروانش را به شکست کشاند. این ناشی از اخلاص آن شهید و عمل به تکلیف در قبال امام زمانش (عجل‌ا...) بود و عمل به این تکلیف در تمام رفتارها و سخنانش و در پایبندی به رهنمودهای امام خامنه‌ای نیز نمود داشت. همچنین مشارکت مردمی گسترده در مراسم تشییع شهیدان قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس، ثابت کرد که ترور بزدلانه آن دوازده سرباز آمریکایی، غیرقابل قبول است و این پیام را به واشنگتن و مزدورانش داد که آن دو شهید، رهبرانی هستند که راهشان ادامه دارد و ما مشارکت‌کنندگان ایرانی و عراقی در تشییع پیکر ایشان اعلام کردیم که مواضع آن‌ها در قبال مسائل منطقه، دقیقاً همان مواضع ما خواهد بود. تشییع‌کنندگان همچنین پیامی سیاسی به همه کسانی دادند که در صدد میان دو ملت عراق و ایران تفرقه‌افکنی کنند و شعار «ایران بره برة» (ایران برو بیرون) سر می‌دهند. در واقع تفرقه‌افکنان نمی‌توانند خود را نماینده بخش اعظم مردم عراق قرار دهند که نسبت به موضع یک عده سکوت اختیار کرده‌اند و دوستدار پیوندهای ایمانی میان دو ملت برادر هستند. شهادت فرماندهان بزرگی که نسل‌هایی را برای جهاد و مقاومت در برابر ستم و ستمکاران تربیت کردند، روح تازه‌ای در مقاومت دمید و انگیزه‌ای بزرگ برای ادامه اسلام ناب محمدی به وجود آورد که ادامه راه امام حسین (ع)، آن پدر آزادی‌خواهان جهان است. در واقع شهادت آن دو فرمانده موجب شد تا عزم مقاومت برای پایان دادن به حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه بیشتر شود و این همان راز خون‌های پاک آن دو شهید است.

راڻو

ويژه نامہ
چهلين روز شهادت
سيهيد حاج قاسم سلیمانی

برمدار ذکر



بودم. گردان ۴۰۹ و بنیانگذار بسیار پرافتخار و ارزشمند آن شخصیت قابل افتخاری همچون شهید مخلص میرحسینی عزیز به تنهایی تداعی کننده یک لشکر بود، یل بزرگ سیستانی که همه جوانان کرمانی، سیستانی و بلوچستانی و هرمزگانی را در مدرسه خود مشق عشق و ایثار داد و همه به او تاسی می کردند و در سختی ها به او پناه می بردند. مرد زخمی تمام نبردها، آخرین فردی که از صحنه آتش خارج می شد، آن هم با چند جراحت. سیستان افتخار دارد به یل و رستم حقیقی حسینی همچون محب که محب خدا و راه اولیا و ائمه معصومین (ع) بود، محب فارسی تداعی کننده سلمان فارسی با همان پاکی و صلابت. سیستان افتخار داشتن عالی ها، غزنوی ها، میرزایی ها، هراتی ها، دولتی مقدم ها و آزادگان سرافرازی همچون عبدالرضا عزیز و در نهایت شیخ شهید مجاهد شهید مزاری را دارد. رحمت و برکات خداوند بر شهدای این خطه ارزشمند و این دژ مدافع ایران و اسلام و درود و غفران خداوند نثار پدران و مادرانی که در خانه های محقر خود چنین شیردلان باغیرتی را تربیت کردند و سلام و تهنیت به همسران صبور و فرزندان آن مردان آزمون های سخت. این آلبوم با نوشته های ارزشمندش بسیار گرانبهاست. ان شاء الله با اقدامات دیگر و قلم متعهدان سیستانی این نشان کم نظیر به ایران اسلامی و جهان اسلام شناسانده شود.

«وقتی مهتاب گم شد»؛ واقعیتی اساطیری

این کتاب تألیف حمید حسام و شرح زندگی سردار شهید علی خوش لفظ و روایتی عینی از یک واقعه تاریخی است که موجب شد سرنوشت خیل وسیعی از مردمان ایران تغییر کند. در بخشی از نوشته سردار قاسم سلیمانی بر کتاب «وقتی مهتاب گم شد» آمده است: «یکبار همه خاطراتم



تقریظ های ابرمرد مجاهدگر؛

از نگاه چشم سردار

فرمانده قدسی مادر کنار چهره پر صلابت و قدم های محکمش که لرزه بر اندام دشمنان می انداخت، اهل فرهنگ و کتاب و کتابخوانی بودند و فقط یک انگشتر، سلاح و کتاب در هنگام شهادت همراهش بود. به طور مرتب کتاب هایی را در باره تاریخ شفاهی جنگ مطالعه می کردند و یادداشت هایی را بر آن ها می نوشتند. در ادامه نگاهی داریم به برخی از کتاب هایی که سردار سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی بر آن ها تقریظ نوشتند و بر مطالعه این کتاب ها تأکید داشتند.

«رادیو»؛ داستانی برای همه نسل ها

«رادیو» نوزدهمین کتاب از مجموعه کتاب های گنجینه کتاب است که خاطرات خودنوشت سردار آزاده محمد رضا حسینی سعدی و خاطراتی را از رزمندگان لشکر ۴۱ ثارالله روایت می کند. نویسنده در این کتاب به بخشی از خاطرات خود در باره نحوه به دست آوردن رادیو در اسارت اشاره می کند. سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی بر کتاب «رادیو» یادداشتی نوشته که بخشی از متن آن بدین شرح است: «این خاطره ارزشمند و تکان دهنده، که از یک عملیات سنگین ویژه هیجان انگیز تر است، نباید به این سادگی پردازش شود. رادیو می تواند زیباترین داستان برای تمام نسل ها باشد، در جایی که اسرا و زندانیان جنگ ها معمولاً به دنبال سیگار یا مواد مخدرند، فرزندان روح الله در فکر فهم اندیشه او و تلاش برای ایستادگی روح خود در مسلک اویند. این اعجاب مذهب و انقلاب است. این تأثیر یک رهبر انقلابی بر جوانان و نوجوانان در شرایطی تکان دهنده و سخت است. مرحبا به

این روح بلند و ارزشمند. زمین زیر پایشان را باید سجده کرد. دستتان و پایتان و آن نفس ها را در آن قفس ها می بویم و می بوسم. برادر تان سلیمانی ۱۳۹۷/۲/۲۰»

«گردان ۴۰۹»؛ ۱۶۰ قطعه عکس و خاطره

این کتاب شامل ۱۶۰ قطعه عکس و خاطره از رزمندگان و غواصان گردان ۴۰۹ قبل از عملیات والفجر ۱۰ است که کار نویسندگی آن نیز بر عهده عبدالرضا مزاری، فرزند شهید حجت الاسلام حاج شیخ علی مزاری، است. فرمانده سلیمانی تقریظی بر این کتاب نوشت و تجلیل خاصی از شهدای سیستان و بلوچستان کرد که بهانه ای برای برگزاری مراسم و رومایی این اثر شد. در سال ۱۳۹۷ نشر مطیع این کتاب را منتشر کرد. متن تقریظ سردار سلیمانی به این شرح است: «سلام و برکات خداوند بر خطه شهید پرور مقاوم و پراز معنویت، ولایی و بسیار شجاع سیستان بارها متحیرانه تماشاگر شجاعت و معنویت آنان

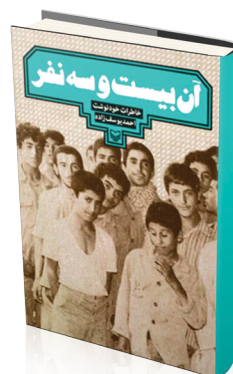


در پایان درود می‌فرستم بر مردی که به احترام شما و همه مجاهدین و شهدا، قریب ۳۰ سال چغیه یادگار آن روزها را به گردن آویخته تا عشق به این راه و مرام و فرهنگ را به همه یادآوری کند و بر هر نوشته شما بوسه می‌زند و در بالاترین جایگاه فقاقت، حکمت و اندیشه زیباترین کلمات را نثار تان می‌کند. چقدر مدیون این مردیم و بدون او تاریکیم. خداوندا، وجودش را برای ایران و اسلام حفظ بفرما.

دختری از دیار آبادان

«من زنده‌ام» روایت دختری ۱۷ ساله از روزهای جنگ است، دختری از دیار آبادان که در خانواده پرجمعیت «آباد» به دنیا آمد و به خاطر نذر مادر بزرگش در هنگام تولد، نامش را «معصومه» نهادند. معصومه آباد، راوی کتاب «من زنده‌ام»، یکی از نیروهای جوان هلال احمر بود که بعد از وقوع انقلاب اسلامی به عنوان نماینده فرماندار در هلال احمر در یکی از یتیم‌خانه‌های شهرش مشغول به کار شد و در زمان آغاز حملات هوایی رژیم بعث به شهر آبادان، مجبور به انتقال کودکان به شیراز شد و در راه برگشت و در همان روزهای ابتدایی جنگ به اسارت درآمد.

در نامه شهید حاج قاسم سلیمانی با اشاره به رشادت‌های معصومه آباد نوشته شده است: «خواهر خوبم، در آن اسارت، اسارت را به اسارت گرفتی. سعی کن در این آزادی اسیر نشوی. انشالله کتابت را به همه زبان‌ها ترجمه می‌کنم تا همه بدانند زینب بنت رسول الله چگونه بوده است؛ وقتی کنیز او معصومه این گونه معصوم بوده است. به تو به عنوان خواهرم، به عنوان معرف دختر مسلمان شیعه، معرف ایران اسلامی، معرف تربیت خمینی (ره) افتخار می‌کنیم. حقیقتاً شگفت‌زده شدم و هزاران بار به تو و دوستانت مرحبا گفتم. ساعت ۲۳، نینوا، سلیمانی»



به مقامت غبطه خوردم و افسوس که در کارنامه‌ام یک شب از آن شب‌ها و یک روز از آن روزهای گرفتار در قفس را ندارم. شماها عارفان حقیقی و عابدان به عبودیت رسیده‌ای هستید که به عرش رسیدید. ای کاش در همان بالا بمانید. چه افتخار آمیز است ربانیون بر منبر نشسته، تربیت یافتگان منابر خود را به تماشا بنشینند. چه زیباست جوانان جویای کمال، کودکان کمال یافته در قفس دشمن را ببینند. ای کاش سفیران در قصرهای مجلل نشسته کشورمان، این سفیران در قفس گرفتار شده را ببینند و چگونه سفیر بودن را بیاموزند.

احمد عزیز، وقتی کتابت را خواندم ناخودآگاه صحنه اسارتی در مقابل دیدگانم مجسم شد و به یاد آن اسیر بر کتاب این اسیر اشک ریختم. یاد قهرمان اسارت که اسارت را به اسیری گرفت.

بانوی معظمه خسته‌ای که با محرومیت دل و جسم، در حالی که سر برادران، برادرزاده‌ها و فرزندان خود را بالای نی جلوی چشم داشت و ده‌ها زن و کودک اسیر هر روز کتک خورده را در طول هزاران کیلومتر پیاده یا بر شتر نشسته سرپرستی می‌کرد، در عمق قرارگاه دشمن بر هیبت او شلاق زد و سخی را، که خاطره پدرش علی (ع) را در یادها زنده کرد و همانند شمشیر برنده برادرش عباس بود، بر قلب دشمن فرود آورد و با جمله «ما رأیت الا جمیلاً» عرش را گریاند و بشریت را تا ابد متحیر عظمت خود ساخت.

به کرمانی بودنم افتخار می‌کنم. از داشتن گوهرهایی همچون «شهسواری» که فریاد «مرگ بر صدام، ضد اسلام» را در چنگال دشمن سر داد و نشان داد که به خوبی درس خود را از مکتب امام سجاد (ع) آموخته است و «امیر شاه پسندی» که بر گوشت‌های بر اثر شلاق فرورخته او طو کشیدند و «احمد یوسف‌زاده»، «زادخوش»، «مستیمی»، «حسنی» و... که از اسارت عظمت آفریدند.



را به رخم کشیدی. چه زیبا از کسانی حرف زده‌ای که صدها نفر از آن‌ها را همین‌گونه از دست دادم و هنوز هر ماه یکی از آن‌ها را تشییع می‌کنم و رویم نمی‌شود در تشییع آن‌ها شرکت کنم. ۱۰ روز قبل بهترین آن‌ها - مراد و حیدر - را از دست دادم، اما خودم نمی‌روم و نمی‌میرم، در حالی که در آرزوی وصل یکی از آن صدها شیر دیروز له‌له می‌زنم و به درد «چه کنم» دچار شده‌ام. امروز این درد همه وجودم را فرا گرفته و تو نمکدانی از نمک را به زخم‌هایم پاشاندی. تنهای تنهایم.

کتابی که سردار برای دخترش امضا کرد

«سر بلند» مستندی داستانی است از کودکی تا شهادت شهید مدافع حرم، محسن حججی؛ کتاب دیگری که شهید قاسم سلیمانی بر آن یادداشت نوشته است، یادداشتی متفاوت. او این کتاب را که به قلم محمدعلی جعفری نوشته شده، خطاب به دخترش نوشته و امضا کرده:

«سلام بر حججی که حجتی شد در چگونه زیستن و چگونه رفتن. فدای آن گلولی که همچون گلولی امام حسین (ع) بریده شد و سلام بر آن سری که همچون سر مولای شهیدان به عرش برده شد. دخترم از آن‌ها الگو بگیر و مهمترین شادی آن‌ها عفت و حجاب است.»

«آن بیست و سه نفر»؛ نوجوان شجاع

این کتاب ماجرای نوجوانانی ۱۵ تا ۱۷ ساله است که دیدارشان با صدام را می‌توان جزء ۱۰ واقعه مهم دوران دفاع مقدس قلمداد کرد. سرلشکر قاسم سلیمانی پس از خواندن کتاب «آن بیست و سه نفر» نامه‌ای برای احمد یوسف‌زاده نوشت که در متن آن آمده است:

«احمد عزیزم، تقریظ و تحسین رهبر عزیزمان مرا تشویق به خواندن کتابت کرد و پس از قرائت آن



به کرمانی بودنم افتخار

می‌کنم.

از داشتن

گوهرهایی

همچون

«شهسواری»

که فریاد «مرگ

بر صدام، ضد

اسلام» را در

چنگال دشمن

سر داد و نشان

داد که به خوبی

درس خود را

از مکتب امام

سجاد (ع)

آموخته است



پلارک از فرمانده روزهای سفت گفت

ناگفته‌هایی از بقای افغانستان و سقوط داعش

● پیش‌تر گفته بودید که بهمن ماه امسال
سابقه دوستی و آشنایی شما با شهید
سلیمانی ۴۰ ساله می‌شود. آغاز این رفاقت
از کجا بود؟

۱۵ بهمن ۵۸ وارد پادگان آموزشی شدم. ایشان
مربی آموزشی آنجا بود؛ البته چهار ماه قبل به عنوان
نیروی داوطلب مردمی در کردستان جنگیده
و کار با اسلحه را آموخته و معتقد بودم که نیازی
به حضور در دوره آموزشی ندارم، اما مسئولان
امر گفتند که باید سر کلاس بروم. اولین کلاس
اسلحه‌شناسی و اولین مربی سردار سلیمانی بود.
آمدند و شروع کردند به آموزش باز و بسته کردن

سخن گفتن از ۴۰ سال هم‌زمی و همراهی با سپهبد شهید سلیمانی، که از بحث استاد و شاگردی در ابتدای جنگ شروع و به
ساخت صحن اهل بیت (ع) در عتبات ختم شد، نه به چند ساعت، که به روزها زمان نیاز دارد. بدین منظور حسن پلارک، رئیس
سازمان توسعه روابط اقتصادی، فرهنگی و یار تی ایران و عراق، تجربیات همکاری با سپهبد سلیمانی را برایمان بازگو کرد.



قلبی ما از همان جا زده شد. بیرون کلاس با همه دوست و صمیمی بودند و تالحنه شهادت تواضع و محبتشان را حفظ کردند.

آن زمان مربیان زنده نیروهای داوطلب هر منطقه را جمع می کردند. لشکر ۴۱ ثارالله هم بر پایه نیروهای کرمانی شکل گرفت. من هم در حوزه ستادی لشکر ۴۱ ثارالله با آقای سلیمانی همراه بودم. در زمان جنگ شهید حسن باقری متوجه توانمندی سردار سلیمانی شد و نامه‌ای به آقای محسن رضایی نوشت و گفت که در بین بچه‌های کرمان فردی را به نام قاسم سلیمانی دیدم که توان مدیریت سطوح بالاتر را دارد. در همان زمان سردار را به عنوان فرمانده تیپ ثارالله انتخاب کردند که بعدها به لشکر ثارالله تبدیل شد و یکی از لشکرهای خط‌شکن و محوری جنگ بود و ارتش عراق و صدام به شدت از آن وحشت داشتند. هر جا ارتش عراق متوجه می شد که با لشکر ثارالله مواجه است، روحیه خود را از دست می داد. رادیو عراق هم مدام اسم سردار سلیمانی را می گفت، تهمت می زد و در صدد بود جنگ روانی راه بیندازد.

● اقتدار یک فرمانده چگونه با محبت و تواضع تلفیق می شود، زیرا سردار با این مشی غیر ممکن‌ها را ممکن کردند؟

سردار از راه دور فرماندهی نمی کردند؛ همیشه اول خط بودند و از نزدیک مدیریت می کردند. همزمان اقتدار و محبت را داشتند. اگر فرد غریبه‌ای وارد جمع می شد و برخورد سردار سلیمانی با نیروها را می دید، از جدیت و سختگیری او تعجب می کرد، اما ما می دانستیم که فرماندهی ایشان دلی است. با هیچ کس حتی شخصیت‌های سیاسی روبرو بایستی نداشتند؛ با مافوقشان هم محکم حرف می زدند. استدلال، منطق و صراحت لهجه داشتند و افراد را متقاعد می کردند. علی‌رغم سخت‌گیری‌هایشان، حاکم دل‌ها بودند و همه افرادی که با او کار می کردند اعتقاد داشتند که یگانه‌اند و همانند ندارند. در واقع در مقابل حاج قاسم نه گفتن معنی نداشت و همه با اعتقاد کامل به فرمانش عمل می کردیم.

● در حمله طالبان احمد شاه مسعود از سردار چه خواستند که ایشان راهی افغانستان شدند؟

سال ۷۸ وقتی خبر رسید که طالبان حمله کردند

و افغانستان به زودی سقوط می کند، ساعت هشت صبح به سمت افغانستان به راه افتادند. به او گفتم یک نفره می توانی چه کار کنی؟ با این حال رفتند. احمد شاه مسعود هم به دره پنج‌شیر عقب‌نشینی کرد و طالبان هم می خواستند با ورود به دره پیروزی کامل خود را اعلام کنند. ساعت ۲ بعد از ظهر زنگ زدند و گفتند: «حسن (پلارک) امشب دو آتش بار توپخانه را به دره پنج‌شیر بفرست.» در حالی که توپخانه در اختیار ما نبود و متعلق به نیروی زمینی بود. دو آتش بار توپخانه یعنی به ۱۲ قبضه توپ و هر قبضه ۵۰ گلوله، قطعات یدکی، نیرو و... نیاز بود. تهیه سلاح و انتقال آن بسیار سخت و در یک روز غیر ممکن بود، اما خدا را گواه می گیرم که می دانستم چون حاج قاسم گفته، حتماً این توپخانه به موقع به دره پنج‌شیر، که طالبان در نزدیکی دروازه‌های آن بودند، می رسد. با افراد و نهادهای متعددی تماس گرفتم تا اینکه بالاخره در مشهد سلاح‌ها را تحویل گرفتم. جالب اینکه حتی نمی توانستم بگویم این توپ‌ها را برای کجای می خواهیم، چون امنیتی بود. سپس با یکی از دوستان، که در استفاده از توپخانه مهارت داشت، تماس گرفتم و گفتم که توپچی‌های قدیمی را جمع کنید و توپ‌ها را تحویل بگیرید. شب دو هواپیمای افغانی آن‌ها را بردند و ساعت ۲ با مدام توپ‌ها در دره پنج‌شیر بود. صبح آن روز توپخانه‌ها طالبان را زیر آتش گرفتند و همین موجب ترس و فرارشان شد و افغانستان سقوط نکرد. می توانم صدها مثال بزنم از چنین دستورهایی که در حالت عادی نشدنی به نظر می آید. همین کارهای به ظاهر نشدنی رمز موفقیت حاج قاسم بود.

● سردار دلاور زمان جنگ چگونه شرق کشور را مدیریت کردند و سران عشایر را گردهم آوردند؟

در مدتی که درگیر جنگ تحمیلی بودیم، وهابیت فعالیت عقیدتی فراوانی بین اقوام بلوچ و اهل تسنن در سیستان و جنوب کرمان انجام داده بود و ضمن ترویج فرقه‌گرایی، تلاش می کرد بلوچستان را از ایران جدا کند. شرارت‌ها در این مناطق به حدی رسید که نظام احساس خطر کرد و مقام معظم رهبری دستور دادند که باید آرامش به منطقه باز گردد و به وضع مطلوب برسد و هیچ تلفاتی از خودی‌ها و ساکنان منطقه پذیرفتنی نیست. اقدامات سردار در سیستان تلفیقی از

ایشان می‌گفتند که قوم بلوچ قومی جوانمرد، وطن دوست و مسلمان است و اگر تعداد اندکی شرور در آنجاست، حساب آنها از مردم جداست

▼ بازدید سردار سلیمانی از صحن حضرت زهرا (س) / انجف



● آخرین فصل خدمت سردار به جهان اسلام چگونه رقم خورد؟

هم نشینی با شهدا موجب شده بود تا سردار همه خوبی های شهدا را داشته باشد و آقا این مسئله را به خوبی می دانستند. به همین دلیل برای نیروی قدس ایشان را انتخاب کردند. سردار هم مطلع بودند که امنیت نظام و مسلمانان چگونه رقم می خورد؛ آرمان های امام (ره) در حفظ مظلومان چگونه محقق می شود و برای زمینه سازی ظهور باید کجا کار کرد. همه این موارد را با ولایت اعتقاد دینی، تدبیر مدیریتی، تقوای الهی و تبعیت از رهبری تلفیق کردند و وارد عرصه شدند.

● محور تفکر ایشان در ارتباط با حزب الله و سایر نیروهای مبارز بین المللی در عرصه مقاومت چه بود؟

سردار به نهضت مقاومت جنبه اعتقادی بخشیدند و به تبیین این موضوع پرداختند که مسئله صرفاً جنگیدن نیست. همیشه می گفتند که باید با اقتباس از سیره نبوی و با حرف و عمل اسلام را تبلیغ کنیم. نباید دیگران را شیعه کنیم، بلکه باید ببینیم مسلمان ها چه کمکی از ما می خواهند؛

صبح سردار به ما گفتند که مردم این منطقه نجیب هستند. ما که با مردم دعوا نداریم؛ عفو عمومی می دهیم و به آنها اعلام می کنیم که هر کس مراجعه کند و سلاحش را تحویل دهد، امان نامه می گیرد و قرار شد موضوع را با مقام معظم رهبری مطرح کنند.

سردار اطلاعاتی نوشتند و دستور دادند که از رسانه های محلی پخش شود. با پخش این اطلاعیه مردم به صورت فوج فوج و اشرار در صف ایستادند تا اسلحه هایشان را تحویل دهند و امان نامه دریافت کنند. سلاح های برنو، ۳، کلاشینکف، کلت کمری و ضد هوایی را پشت وانت گذاشته بودند و تحویل دادند.

حاج قاسم هم برای همه امان نامه نوشتند و کل منطقه را از سلاح تخلیه کردند، به طوری که یک منطقه نظامی به منطقه شهری تبدیل شد. سردار به شدت به دنبال توسعه استان سیستان و بلوچستان و نگران معیشت مردم منطقه بودند. به همین دلیل با دولت آیت الله هاشمی رفسنجانی مذاکره کردند تا وزارت کشاورزی ۴۰ حلقه چاه حفر و برای کشاورزی زمین را بین طوایف تقسیم کند

فعالیت اجتماعی، فکری و مردمی بود. به جای قشون کشی، سران عشایر را گرد هم آوردند و بارها و بارها با آنها صحبت کردند و از آنجایی که هر کس با سردار دیدار می کرد شیفته ایشان می شد، بعد از چند جلسه سران عشایر آرزو داشتند که فقط ۱۰ دقیقه با ایشان بنشینند و می گفتند که جانمان را فدایان می کنیم. سردار هم بسیار جدی به آنها گفتند که امنیت منطقه را از شما می خواهیم. ایشان به قوم بلوچ اعتقاد داشتند و می گفتند که قوم بلوچ قومی جوانمرد، وطن دوست و مسلمان است و اگر تعداد اندکی ضرر در آنجا ست، حساب آنها از مردم جداست.

سپس برای برچیدن اشرار منطقه دو عملیات نظامی انجام دادند، زیرا اشرار دو اتوبوس را در مسیر زاهدان زابل، که ۹۰ سرباز نیروی انتظامی در آن ها بودند، روده و به داخل خاک پاکستان برده بودند. حاج قاسم سلیمانی بلافاصله با هلی کوپتر وارد خاک پاکستان شدند و منطقه را شناسایی کردند. بعد با وانت، نفرت و چند نفر خالی به پاکستان رفتند و آن ۹۰ نفر را سالم به کشور بازگرداندند. یک عملیات را هم در جنوب کرمان انجام دادند، زیرا اشرار بین مردم بودند. یک روز



**هم نشینی با
شهدا موجب
شده بود تا
سردار همه
خوبی های
شهید را داشته
باشد و آقا
این مسئله
را به خوبی
می دانستند.
به همین دلیل
برای نیروی
قدس ایشان را
انتخاب کردند**



بازدید سردار سلیمانی از پروژه ترغیع گنبد حرم امام حسین (ع) / اکربلا



باید دوستان عراقی اطمینان داشته باشند که برای کمک به آنها رفته‌اید. به حمد الهی موفق شدیم تمام خواسته‌های ایشان را محقق کنیم و اکنون فقط توسعه حرم سامرا باقی مانده است.

● ایشان خواسته دیگری داشتند که مجال انجام آن نبوده باشد؟

قصه داشتند که جلسه مفصلی را با مسئولان در مورد زیارت اربعین برگزار و مشکلات این مراسم را رفع کنند. کلیاتی که به من گفتند این بود که می‌خواهند با همکاری ابومهدی زمین‌های مورد نیاز را از دولت عراق بگیرند تا موبک‌های دائمی ساخته و مشکل اسکان زائران حل شود.

● هدفشان از دستور راهاندازی سازمان توسعه روابط اقتصادی، فرهنگی و زیارتی ایران و عراق چه بود؟

تکمیل طرح‌های توسعه عتبات با سرعت بیشتر، افزایش سفرهای زیارتی تا سقف پنج میلیون زائر در سال، توسعه توریسم درمانی با تأکید بر ارائه خدمات حرفه‌ای، رشد صادرات ایران به عراق و ارتقای زیارت اربعین را دنبال می‌کردند.

که یک ارتش پشت این ماشین است و از ترس عقب‌نشینی کردند. بعد سردار حشد الشعبی را در عراق و فاطمیون و زینبیون و نیروهای سوری و عراقی را ساماندهی و به هم متصل کردند و مقاومت را به این مرحله رساندند. سردار با توانمندی خود از همه امکانات بهره‌می‌گرفتند؛ برای مثال نیروهای روسیه را به سوریه آوردند و از حمایت آنها استفاده کردند؛ وحدت کفار را در سقوط سوریه شکستند و دشمن را در تصمیم‌گیری‌هایش با تردید مواجه کردند. اعتقاد داشتند که برای امنیت پایدار و درازمدت بین عراق و ایران و با توجه به اینکه همیشه دشمنان از عراق علیه ایران سوء استفاده کرده‌اند، باید به کمک مقدسات دو ملت را پیوند داد.

● چه عاملی باعث شد که شهید سلیمانی بازسازی عتبات عالیات و امکان مشارکت مردم را در اولویت قرار دهند؟

یک‌بار پس از زیارت و مشاهده شرایط حرم‌های مطهر، بسیار ناراحت شده و معتقد بودند که شرایط حرم‌ها در شأن ائمه (ع) نیست و باید به سرعت بازسازی شوند. تأکیدشان این بود که در بازسازی

به دنبال حکومت‌سازی هم نبودند. به حزب‌الله هم توصیه می‌کردند که به دنبال به دست آوردن دولت نباشند. اقدامات سردار برای نهضت‌های اسلامی فقط شامل تدبیر نظامی نبود، بلکه تدابیر اعتقادی، مدیریتی و ... نیز موجب قدرت گرفتن حزب‌الله، حماس و جهاد اسلامی شد. سردار فرهنگ مقاومت را در گروه‌های حماس و جهاد اسلامی زنده و به آنها ثابت کردند که تنها راه نجات فلسطین مقاومت و مبارزه است.

● مبارزه سردار با داعش چگونه رقم خورد؟

وقتی که ساعت سه بعدازظهر گفتند که داعش موصل را گرفته، از سامرا عبور کرده و پشت دروازه بغداد است، سریع گفتند که بچه‌ها برویم. رفتند و منطقه داعش را شناسایی کردند. پرسیده بود که ماشین دارید؟ در یک ماشین زرهی همراه با ابومهدی و تعدادی از بچه‌های بدر که آنها را ساماندهی کرده بودند و دو وانت به سمت داعشی‌ها رفتند. داعش یک‌باره جا خالی داد و مثل دومینو از سیطره‌های ورودی بغداد تا سامرا عقب‌نشینی کرد. داعشی‌ها با آن همه نیرو و تجهیزات وقتی ماشین سردار را دیدند، فکر کردند



یک‌بار پس
از زیارت و
مشاهده
شرایط
حرم‌های
مطهر، بسیار
ناراحت شده
و معتقد بودند
که شرایط
حرم‌ها در
شأن ائمه (ع)
نیست و باید
به سرعت
بازسازی شوند

منار ابراهیمی، دختر شهید جمال جعفر ابراهیمی مشهور به ابومهدی المهندس، هم‌رزم شهید سردار سپهبد قاسم سلیمانی و معاون حشد الشعبی، که همراه با سردار سپهبد قاسم سلیمانی در عراق به شهادت رسید، معتقد است، اقدامی که آمریکا انجام داد، اقدامی بدوی بود؛ همانند بیابان گردهایی که راه و رسم تعامل را نمی‌دانند. منار می‌گوید پدرش با افراد بسیاری ارتباط داشت، ولی هیچ کس برای او حاج قاسم نمی‌شد؛ چون او انسان خالص و پاکی بود و رابطه‌ای که این دو نفر با خدا داشتند، عامل دوستی آنان شد.

گاهی پدرم را با حاج قاسم اشتباه می‌گرفتند. این اشتباه از آنجا بود که این دو همواره کنار هم بودند و مویی که در راه جهاد سفید کرده بودند، آنها را شبیه به یکدیگر کرده بود. همچنین رویه مشابهی که در پیش گرفته بودند باعث برادری و تحکیم روابطشان شده بود. سرانجام نیز خون آن دو به هم آمیخت. در یک ماشین بودند و پروانه‌وار سوختند و اوج گرفتند؛ آن دو همچون حضرت ابراهیم (ع) بت شکن زمان بودند.

پدرم در جنگ با داعش تجربه بسیاری به دست آورده بود. همراه با دوستانش به ساخت مؤسسه ساختار مهندسی نظامی، بیمارستان صحرایی برای مجروحان پشت جبهه، مراکز درمانی برای خانواده شهدا، جانبازان و افرادی که خانه نداشتند، اقدام کرد تا آن‌ها را سامان دهد.

وحدت رمز قدرت است، عرب و عجم نداریم، پدرم نمی‌گفت من عراقی هستم و فلائی ایرانی است یا من شیعه هستم و دیگری سنی، عزت و کرامت



روایت دفتر ابومهدی از پدر و حاج قاسم

لیاقت هر دوی آنها شهادت بود

گفت و گو

سردار سلیمانی و ابومهدی آیات جهاد را به تصویر کشیدند

مذاهب و قومیت‌ها دوستی کند. این مورد را می‌توان در مراسم باشکوه تشییع پیکر او در شهرهای ایران و عراق و تکریم او در کشورهای مختلف جهان مشاهده کرد. او فرماندهی نبود که فقط طراحی عملیات‌ها را بر عهده بگیرد، بلکه خود نیز در اجرای آن‌ها مشارکت و پیامدها را بررسی می‌کرد. بدون تردید نقطه نظرات مشترکی که موجب همراهی حاج قاسم با ابومهدی المهندس می‌شد بسیار است، اما برجسته‌ترین آن‌ها اراده مشترکشان در پایان دادن به اشغالگری آمریکادر عراق و ابزار هایشان در متزلزل ساختن امنیت عراق و منطقه بود. در واقع این دو فرمانده مقاومت در تقویت وحدت میان ملت‌های منطقه به ویژه دو ملت عراق و ایران نقش بزرگی داشتند و برای رسیدن به هدف خود تلاش بسیاری کردند. سخنان آیت‌الله خامنه‌ای درباره شهید سلیمانی به عنوان نماد بین‌المللی مقاومت بر اهمیت این شخصیت بر جسته بین‌المللی تأکید دارد که با تقویت و توسعه توانمندی‌های مقاومت

احسان عطا، نماینده جهاد اسلامی فلسطین در لبنان، بر نقش بارز حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در به تصویر کشیدن آیات جهاد در قرآن کریم تأکید کرد. به نظر او سپهبد سلیمانی ثابت کرد که از توانمندی‌های متنوعی به ویژه در زمینه نظامی برخوردار است و همین امر او را به فرماندهی منحصر به فرد تبدیل کرده بود. از ویژگی‌های اخلاقی سردار سلیمانی می‌توان شجاعت، مهارت، تواضع، حسن خلق و انس با قرآن را ذکر کرد. شهید سلیمانی مورد احترام همگان بود و می‌توانست با همه طیف‌ها،



انسانی برای پدرم بسیار مهم بود. این درس را از امام حسین (ع) آموخته بود، زیرا او نماد ایستادگی بود. در سال های اخیر مطمئن بودم که پدرم شهید می شود. این را از خطوط چهره، دست و پاهایش و همچنین از نحوه حرف زدنش می فهمیدم. پدرم از لحظه لحظه عمرش استفاده می کرد، این طور نبود که فقط کار نظامی انجام دهد؛ او کار نظامی، سیاسی و ... را با کمک دوستانش که در خیمه گاه امام حسین (ع) بودند، انجام می داد. پدرم در شب آخر حضورش در کنار خانواده گفت: «زندگی بعد از توارزشی ندارم یا حسین (ع)». بعضی افراد تصور می کنند اگر آمریکا این شخص را ترور کند، چون شخصیت بلندمرتبه و کاردانی بود، دیگر کسی جایگزین وی نیست. ولی این طور نیست. پدرم یک لحظه حاج قاسم را تنها نمی گذاشت. یادم می آید یک بار تازه از مأموریت برگشته بود، شب حاج قاسم تماس گرفت و گفت که می خواهد به عراق برود. پدرم گفت: «تمی گذارم تنها بروی. من هم می آیم» حاج قاسم از پشت تلفن به پدرم گفت: «تو تازه رسیدی. نیا» ولی پدرم اصرار داشت که سردار را همراهی کند. در آخر سردار گفت که نیمی دیگر از روز را کنار خانواده ها باش و بعد بیا. محال بود پدرم بداند که حاج قاسم قصد رفتن به عراق دارد و او را همراهی نکند. وقتی حاج قاسم به فرودگاه رسید، پدرم می توانست یک فرد معتمد را برای استقبال از ایشان بفرستد، ولی به کسی اعتماد نکرد و خودش رفت. گاهی که به این دو نفر نگاه می کردم، با خود می گفتم لیاقت هر دوی آنها شهادت است، ولی کدام یک اول شهید می شود؟ بعد با خود می گفتم خدا کند هر دو با هم شهید شوند یا اول پدرم شهید شود چون طاقوت دور

ماندن از حاج قاسم را ندارد.

یک بار از حاج قاسم خواستم نصیحتم کند. روی تقوا تأکید کرد. تقوا مفهومی بسیار گسترده دارد و کسی که مزین به آن باشد، دیگر فکر نمی کند که فلان شخص اهل کجاست، به چه زبانی حرف می زند یا حتی چه مذهبی دارد؟ پدرم وقتی به منطقه عملیات می رفت، فرزندان مهاجران را که حتی ممکن بود داعشی باشند در آغوش می گرفت و با آنها هم صحبت می شد و می گفت آنها گناهی نکرده اند. شیعه و سنی برای پدرم فرقی نداشت. باهمه صحبت و شوخی می کرد. بسیار شوخ طبع بود. در قلب پدرم مسائل بسیاری وجود داشت، ولی هیچ گاه آنها را بروز نمی داد. روزهای آخر زندگی اش بیشتر در سکوت گذشت. اینکه در چه خاکی به دنیا بیایم و پدر و مادر ما چه کسی باشد را خودمان انتخاب نمی کنیم. هر چه انسان بزرگتر شود، انسانیت او باید افزایش یابد. امام حسین (ع) وقتی قیام کردند، فرمودند برای اصلاح امت جدم قیام کرده ام. جد امام، رحمة للعالمین

بود، نه رحمة للمسلمین و للعرب. مهندس و سردار سلیمانی ادامه دهنده راه پیامبر (ص) بودند و برای ساختن فعالیت می کردند. ما جزئی از محور مقاومت هستیم. عصری در منطقه است که اشغالگر به شمار می رود، نه به خاطر قومیت یهودی اش، بلکه به خاطر ایده های که دارد. این عنصر در میان منطقه خاورمیانه تفرقه افکنی می کند. پدرم در جنگ با داعش تجربه بسیاری به دست آورده بود. فکر می کرد که دولت عراق سقوط می کند، زیرا بغداد به محاصره درآمده بود، ولی این شرایط فرصتی شد که خود را بهتر بسازد. در این راستا همراه با دوستانش به ساختن مؤسسه ساختار مهندسی نظامی، بیمارستان صحرایی برای مجروحان پشت جبهه، مراکز درمانی برای خانواده شهدا، جانبازان و افرادی که خانه نداشتند، اقدام کرد تا آنها را سامان بدهد. پدر می گفت در سال ۲۰۱۴ کل جهان به عراق پشت کرد و فقط ایران در حمایت از عراق دست یاری داد.

گاهی که به این دو نفر نگاه می کردم، با خود می گفتم لیاقت هر دوی آنها شهادت است، ولی کدام یک اول شهید می شود؟ بعد با خود می گفتم خدا کند هر دو با هم شهید شوند یا اول پدرم شهید شود چون طاقوت دور

دولت آمریکا در کشتار و جنایات است. دشمن صهیونیستی دیگر روی امنیت و آرامش را نخواهد دید و با وجود موشک های مقاومت، دیگر هیچ منطقه ای در فلسطین اشغالی امن نیست. این فرمانده بزرگ با خدمت به قدس و فلسطین روح انقلاب اسلامی را به تصویر کشید. این سرنوشت همه فرماندهان بزرگی است که در برابر طرح های آمریکایی و صهیونیستی بایستند و در مسیر آزادسازی قدس و فلسطین مقاومت کنند. امروز ارتش آمریکا به نیابت از ارتش صهیونیستی که در رویارویی با مقاومت در غزه و لبنان ناکام مانده، می جنگد. به همین دلیل دولت آمریکا سیاست حمایت از رژیم صهیونیستی را به شیوه های مختلف، از جمله ترور فرماندهان برجسته که خطری حقیقی برای امنیت صهیونیست به شمار می روند، اتخاذ کرده است.

در جبهه های مختلف، نقش مهمی در تحقق پیروزی ها داشت. این دو شهید با تضعیف پایه های تروریسم در منطقه، نشان دادن چهره اسلام، ایجاد امنیت و ثبات، مشارکت مؤثر در پایان دادن به فتنه و تفرقه، تقویت ریشه های محبت و وحدت میان ملت های منطقه به ویژه مسلمانان نقش بارزی در به تصویر کشیدن آیات جهاد در قرآن داشتند. نقش بارز شهید سلیمانی در شکستن هیبت دولت آمریکا و به حاشیه راندن آن از طریق شکست عوامل آن هادر منطقه، کمک به مقاومت فلسطین و افزایش میزان آمادگی آن ها، تحمیل شکست های پی در پی به دشمن صهیونیستی و وارد کردن خساراتی به نیروهای نظامی آمریکا به هیچ کس پوشیده نیست. او پرچمدار فلسطین و قدس بود و شهادت وی سر آغاز تحولی بزرگ در مسیر مقاومت برای دستیابی به پیروزی قطعی است، ترور و وحشیانه او بیانگر همراهی دشمن صهیونیستی با

نگاهی گذرا به لمظه ترور شهید سلیمانی و هم‌زمان شهیدش

بزرگترین دشمن امریکا در زمان ما

انفجار و اصابت موشک به دو خودرو در نزدیکی فرودگاه بغداد بود که الحشد الشعبی عراق از شهادت سردار سپهد شهید حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس، معاون سازمان الحشد الشعبی عراق در حمله هوایی آمریکا خبر داد: خبری که ساعتی بعد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آن را تأیید کرد. در پی همین خبر نیز، وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) مسئولیت ترور شهید سلیمانی و ابومهدی المهندس را بر عهده گرفت و در بیانیه‌ای اذعان کرد که این ترور به دستور رئیس‌جمهور آمریکا صورت گرفته است.

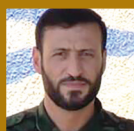
ساعت یک بامداد روز جمعه، ۱۳ دی ماه ۹۸ دو خودرویی که در حال انتقال شهید سلیمانی و آقای ابومهدی المهندس از فرودگاه بغداد به سمت شهر بغداد بودند، مورد اصابت حملات موشکی قرار گرفتند و تمام سرنشینان دو خودرو که ۱۰ نفر شامل شهید سردار سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس و تعدادی از محافظان و همراهان بود به شهادت رسیدند. پهبادهای آمریکای تعقیب خودروها را از خروجی فرودگاه آغاز کرده و پس از تأیید میدانی (عوامل نفوذی)، ناظران اتاق عملیات که در مقر فرماندهی نیروهای تروریستی سنتکام حضور داشتند دستور شلیک چهار موشک به خودروها را دادند. ساعتی پس از انتشار اخباری مبنی بر وقوع

خیابان فرودگاه

فرودگاه بین‌المللی بغداد

محل شهادت

سرگرد
شهید هادی طارمی

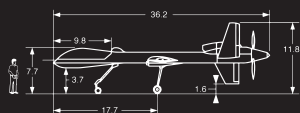


از نیروهای محافظ سردار سلیمانی، متولد ۱۳۵۸ و اصلت اهواز زنجان بود. در بیشتر مأموریت‌های مهم و خطیر برون مرزی سپهد شهید حاج قاسم سلیمانی در کشورهای عراق و سوریه و وظیفه حفاظت از ایشان را بر عهده داشت. از او دو دختر به نام‌های «هانیه» و «محیا» به یادگار باقی مانده است.

سردار سرتیپ
شهید مسین پورجعفری



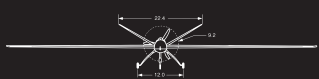
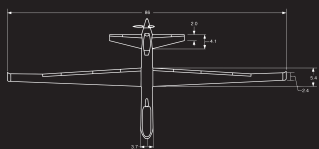
سردار شهید حسین پورجعفری، عضو سپاه پاسداران و سپاه قدس و از جانبازان هشت سال دفاع مقدس، بیش از ۴۰ سال تا پای شهادت همراه و همراز سردار سلیمانی گام برداشت، از او به عنوان مخزن اسرار لشکر ۴۱ ثارالله و محرم‌ترین فرد به سردار سلیمانی یاد می‌کنند.



ادوات نظامی امریکایی

پهپادام کیو۹:

توانمند در حملات دقیق و ارسال تصاویر به فرماندهان نظامی در سراسر دنیا، هر فروند از این پهپاد ۶۴ میلیون دلار ارزش دارد و می‌تواند ۴ فروند موشک ضد تانک هدایت لیزری هلفایر با کلاهک ۲۰ کیلوگرمی را حمل کند. پرواز این پهپاد تقریباً در سکوت انجام شده و اهداف مورد نظر از نزدیک شدن آن خبردار نمی‌شوند.



موشک ضد تانک
هدایت لیزری هلفایر
با کلاهک ۲۰ کیلوگرمی:

موشک‌های به کار رفته در این حمله از نوع ارتقا یافته هلفایر موسوم به موشک «نینجا» بوده که برای حداقلی کردن خسارت‌های ناخواسته و از بین بردن دقیق هدف طراحی شده‌اند. دارای شش تیغه بزرگ در کلاهک است که بعد از شلیک شدن، به سمت بیرون باز شده و به جای ایجاد انفجار مهیب، اهداف را تکه تکه می‌کند.

سروان
شهید امید زمانیان



کم سن و سال‌ترین فرد در میان این جمع آسمانی بود. متولد سال ۱۳۷۱ و فرزند برومندی از قبیله تهران است که چهار سال در سوریه به عنوان مدافع حرم حضور داشت تا اینکه توسط حاج قاسم سلیمانی به عنوان همراه و محافظ انتخاب شد. اکنون چند ماهی از عقد شهید و حیدر زمانیان می‌گذرد.

سرهنگ
شهید شهروز مظفری‌نیا



متولد سال ۱۳۵۷ در قم و ساکن تهران بود، همسر و مادرشان نیز اهل قم بودند. وی از نیروهای کادر حفاظت سردار سلیمانی بود و حدود ۱۰ تا ۱۲ سال در نیروی قدس سپاه و در جوار سردار شهید فعالیت می‌کرد. وی پس از شهادت در حادثه تروریستی در حرم مطهر حضرت معصومه (س) آرام گرفت.



فعالیت های فرهنگی سردار؛

پیشگام روایتگری جنگ

گلعلی بابایی، نویسنده پیشکسوت دفاع مقدس، درباره فعالیت های فرهنگی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی چنین می گوید: از ویژگی های فرماندهان دوران دفاع مقدس چند وجهی بودن شخصیت آن هاست، یعنی ضمن داشتن اقتدار و توانمندی نظامی خارق العاده، در ابعاد فرهنگی و اجتماعی هم افراد برجسته ای هستند. سردار سلیمانی فرمانده لشکر ۴۱ ثارالله بود که نیروهای آن عمدتاً از استان کرمان بودند و اولین استانی بود که پس از جنگ،

شاید بهتر باشد که سردار شهید حاج قاسم سلیمانی را فرهنگی ترین سردار حاضر در میدان های جنگ بدانیم؛ زیرا در هیچ برهه ای از فعالیت های فرهنگی غافل نشد. او بلافاصله پس از پایان جنگ تحمیلی هشت ساله، فردی را مأمور کرد تا به ثبت و ضبط خاطرات خانواده های شهدا و ایثارگران بپردازد و نتیجه آن انتشار کتاب هایی شد که اکنون مایه مباهات است و گنجینه ای ارزشمند محسوب می شود.

گفت و گو

برایمان تعریف می کند که بچه های ستاد بازسازی حرم حضرت زینب (س) مشتاق بودند که مدافع حرم شوند اما سردار آمدند و به بچه های ستاد گفتند که خیلی ها آرزو دارند حرم حضرت زینب (س) را بازسازی کنند. همه مدافعان حرم نیز در حال دفاع از حرمی هستند که شما در حال بازسازی آن هستید و حتی بسیاری از آنان می خواهند کار بازسازی را انجام دهند.

البته حرم و گنبد بی بی زینب (س) خمپاره خورده و صدمات زیادی دیده بود. مردم ترسیده و خانه های اطراف حرم را خالی کرده بودند. بازار نزدیک حرم هم تعطیل شده بود. مسائل امنیتی، ورود و خروج زائران را دشوار کرده و حرم دختر علی (ع) خلوت شده بود. جزء اولین گروه هایی بودیم که سال ۹۲ برای بازسازی به زینبیه رفتیم. وقتی رسیدیم، داعش در ۷۰۰ متری حرم بود و دستور بازسازی حرم رسیده بود؛ حرمی که اگر بازسازی

سردار و مردم فالی دفتر علی (ع)...

مکی یازع، اهل خوزستان و رزمنده جنگ تحمیلی است. از همان رزمندگانی که در زمان محاصره آبادان در شهر ماند و دفاع کرد. او سال ها بعد راهی سوریه شد؛ این بار نه برای جنگ، که برای بازسازی. آواز سردار سلیمانی را زمان جنگ هم شنیده بود، اما سال ها بعد در حرم حضرت زینب (س) توانست او را از نزدیک ببیند.

روایت

کانال ماهیگیری و مهم آتش

در کانال ماهیگیری عراقی ها نزدیک به ۳۰۰ قبضه توپ داشتند و دهها قبضه کاتیوشا، مجموع توپ های ما و آقای مرتضی قربانی به ۲۰ قبضه نمی رسید؛ آنجا پانصد تانک مقابل ما قرار داشت، ما دو تانک داشتیم. اگر روزی جنگ ما موشکافی شود، اینها جواب داده شود، آن چیزی که برای آینده جنگ ما، برای مردم ما الگوپذیر هست، بخش عمده اش این است که چطور ما با این حجم از آتش مقاومت می کردیم.

آنور عدنان خیرالله بود با سه سپاه و بیش از پانصد تانک توی میدان جنگ و سیصد چهارصد قبضه توپ که خود عدنان خیرالله در گزارشی که به صدام می داد، می گفت کاری کردم که اینها پشت بی سیم ها التجا می کردند. ما توی بی سیم با مرتضی آقربانی بعضی وقت ها با هم شوخی می کردیم، می خواندیم، دعا می خواندیم، سربه سر هم می گذاشتیم، روحیه می دادیم، او تصور می کرد که ما التماس می کنیم.

برگرفته از کتاب «حاج قاسم»



**سردار
سلیمانی
پیشگام
روایتگری
جنگ بود؛
در این زمینه
تصاویر
بسیاری
وجود دارد که
سردار وقایع
جنگ را برای
گروه های
مختلف
روایت
می کند**

بود؛ در این زمینه تصاویر بسیاری وجود دارد که سردار وقایع جنگ را برای گروه های مختلف روایت می کند. این اقدام زمینه آشنایی نسل های گوناگون را با وقایع دفاع مقدس فراهم کرد.

البته فعالیت های فرهنگی او در سپاه قدس نیز ادامه یافت؛ او تلاش کرد تا ارتش سوریه را متقاعد کند که خط مردم را از اغتشاشگران جدا کند؛ بدین جهت استراتژی جدیدی در ارتش سوریه ترسیم شد. آن ها دریافتند که باید به مردم احترام بگذارند و با آن ها مقابله نکنند، چرا که ایستادن در مقابل مردم سرانجام خوبی ندارد. وقتی جنگ در سوریه اوج گرفت و بسیاری از شهرها و روستاهای آن به دست داعش افتاد و مردم در شرایط بسیار بدی در پناهگاه ها وارد گناه زندگی می کردند، حاج قاسم به فکر مردم بود و از مؤسسات فرهنگی درخواست کرد که برنامه های گوناگون فرهنگی و هنری را برای کودکان و نوجوانان برگزار کنند تا آرام آنان بکاهند. فاتح جبهه های نبرد منزل خود را در کرمان به موزه تبدیل کرد و این موزه در اختیار کمیته حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس قرار گرفت تا خاطرات رزمندگان جمع آوری شود؛ این کمیته فراستانی عمل می کرد، یعنی گروه هایی به استان های دیگر اعزام می شدند و خاطرات را جمع آوری می کردند. اکنون گنجینه وسیع و بسیار ارزشمندی در این موزه موجود است. مکتب فرمانده را باید آن گونه که بود معرفی کرد، زیرا او شخصیت بزرگ و برجسته ای داشت و نیازی به زیاده گویی نیست. نویسندگان و پژوهشگران باید به این شخصیت تأثیر گذار بپردازند و مؤسسات و مراکز گوناگون باید ابعاد گوناگون شخصیتی شهید حاج قاسم سلیمانی را به درستی برای نسل های آینده تبیین کنند.



نخستین کنگره سرداران شهید را برگزار کرد و در کنار آن آثار خوبی منتشر شد. سردار سلیمانی، مرتضی سرهنگی را به عنوان مسئول بخش انتشارات کنگره شهدای استان کرمان و سیستان و بلوچستان انتخاب کرد که با این انتصاب آثار فاخری به یادگار ماند. علاوه بر این، تأسیس موزه دفاع مقدس به عنوان اولین موزه استانی کرمان یکی دیگر از اقدامات حاج قاسم بود که پیش از آن انجام نشده بود. سردار سلیمانی پیشگام روایتگری جنگ

گفت: «ما مهمان را روی سرمان می گذاریم.» نگفتم مهمان سردار است. سردار مان شب با ابومهدی و همراهانش آمدند. اول پرسیدند که خانه متعلق به کیست؟ آیا از بودن مادر اینجا راضی است؟ گفتم که راضی است. گفتند که می خواهیم صاحب خانه را ببینیم. صاحب خانه پسر جوانی بود که وقتی سردار را دید، بسیار خوشحال شد. سردار پرسیدند آیا از بودن مادر خانه ات راضی هستی؟ پسر گفت: «شما برای زندگی من نعمت آورده اید. ما مهمان پذیریم، اما شما عزیز تر از همه مهمان هایی هستید که تا حالا به خانه ام آمده اند.» سردار رو به ابومهدی کرد و گفت که این جوان و خانواده اش را عبات دعوت کنید که ابومهدی گفت چشم حتما.

سپس به مناطق سیل زده رفتیم. سردار آمد تا به مشکلات رسیدگی کند، اما مردم وقتی که ایشان را می دیدند می گفتند که شما را دیدیم مشکلاتمان را فراموش کردیم.

می شد، مردم هم امیدوار می شدند. پایمان که به حرم رسید، مردم منطقه خبردار شدند و بازگشتند. سردار سلیمانی مدام برای بازدید می آمدند و دستورات لازم را می دادند. اطراف حرم مملو از زائر شد. حتی سردار به ما دستور دادند تا جایی که می توانیم به مردمی که خانه هایشان تر کش خرده و آسیب دیده کمک کنیم. بدین ترتیب با ورود ایرانی ها تحولی در منطقه زمینه ایجاد شد.

هنوز باورمان نمی شود که دنیا سردار سلیمانی را از دست داده است. اگر ملاقاتش می کردید، شیفته اش می شدید. با همه شجاعتی که داشت، مهربانی در چهره و کلامش نمود داشت. گذشت؛ حرم حضرت زینب (س) بازسازی شد. در خوزستان سیل آمد. پنج عصر به من زنگ زدند و اطلاع دادند که سردار به منطقه مامی آیند. سریع رفتیم و خانه ای را در شادگان برای استقرار سردار آماده کردیم. به صاحب خانه هم گفتیم که قرار است مهمان بیاید؛



شهید سلیمانی آماده دیدار بود

امضای مراجع بر لباس وصل

برای رفتن باید آماده بود؛ به خصوص اگر جایی که می‌روی سرسرای وصل دلدارت باشد. سردار ما سال‌ها کفنش را با خود به بهترین جاهای عالم برد، غبار حرم‌های ائمه (ع) را بر پیراهن وصلش نشانده، از عالمان دین امضا گرفت و آماده آماده به دیدار حق شتافت.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی

مردم معمولاً از شجاعت او صحبت می‌کنند. من در اینجا می‌خواهم یک جمله از اخلاص او بگویم. سردار سلیمانی دوسه سال قبل به دیدار ما آمده بود و بعد از اتمام صحبت به آقایان گفت

که بیرون بروید؛ وقتی همراهان بیرون رفتند، کفن خود را بیرون آورد و گفت این کفن را امضا کنید. این نشان می‌دهد که اولاً شهید سلیمانی از همان زمان به فکر رفتن بود و ثانیاً نمی‌خواست

مردم بفهمند که او این کفن را آورده است؛ این اخلاص واقعاً قابل ملاحظه و ستودنی است.

آیت‌الله العظمی نوری همدانی

حاج قاسم سلیمانی مکرر در دفتر ما رفت‌وآمد داشت. در آخرین دیدار بعد از ملاقات رسمی گفتند که همه بیرون بروند من با شما کاری خصوصی دارم. بنده و ایشان در اتاق ماندیم. حاج قاسم کفنش را از کیف بیرون آورد و به بنده گفت که کفن من را امضا کنید و نام خود را بنویسید و ما هم امضا کردیم. بعد هم گفت می‌خواهم به عنوان خداحافظی چند رکعت نماز پشت سر شما بخوانم.

بعد از دیدار، بنده از ایمان و بصیرت ایشان متقلب شدم. عشق و علاقه به جهاد و شهادت داشت. در زمان خداحافظی سردار سلیمانی را در آغوش گرفتم و آیه «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» را قرائت کردم

یادداشت

یک وجود برای یک امت

بسیاری از ما هنوز به دنیا نیامده بودیم که او عازم دفاع از وطن شد. دفاع از ایران اسلامی؛ هشت سال جنگید و این یعنی بهترین سال‌های عمر و جوانی‌ات را فدا کنی برای مردم. مجروح شد، جانباز شد، شیمیایی شد، اما ماند. می‌گویند دوست داشتن وطن بخشی از ایمان است و او چه ایمان قوی‌ای داشت. یارانش همه رفتند. او ماند. خدا می‌داند در دلش چه غوغایی بود از رفتن و چه شب‌ها که اندیشیده بود به رسیدن. خیلی‌ها گفتند جنگ تمام شد، اما اشتباه می‌کردند. جنگ حق و باطل هرگز تمام نمی‌شود. ساده‌اندیشانی که از صلح سخن می‌گویند، باطل را نمی‌شناسند. باطل تا جهان را نگیرد

و ظلم ابدی برقرار نکند، آرام نمی‌شود. در کدام برهه از تاریخ جنگ حق و باطل تمام شده است؟ ۱۴۰۰ سال پیش بهترین انسان‌ها روی زمین می‌زیستند. خونشان را جاری کردند، بر اجساد تکه‌تکه آن‌ها تاختند، اعلام کردند ما کشتیم، شادی کردند، هلهله کردند، گمان کردند پیروز شده‌اند، رجز خواندند، اما حداقل همه ما شیعیان خوب می‌دانیم که چه کسی پیروز شد. زمان همه چیز را به جهانیان ثابت خواهد کرد. دل نگران نشستن غبار فراموشی بر پیکر عظمت دوستان شهیدش بود؛ مدام از آن‌هایی که رفته بودند تا ایران بماند روایت می‌کرد و می‌نشست پای هنر هنرمندانی که حق مطلب شهادت رفقایش را ادای می‌کردند. آن هشت سال که تمام شد، شرارت پابر جابود فقط جبهه تغییر کرده بود. تصمیم گرفت به تمام آن‌هایی که در فکر شرارت بودند درس عبرتی دهد. ذره ذره خاک ایران شهادت است که تشرارت را آرام نکرد، آرام نگرفت.

روایت

زمان جنگ کسی «حاجی» نبود

این عنوان «حاجی» که باب شده، در زمان جنگ واقعاً وجود نداشت و نسبت به جنگ تحریف‌هایی رخ می‌دهد و ما هم گاهی خوشمان می‌آید و واکنشی نشان نمی‌دهیم. زمان جنگ کسی «حاجی» نبود، من، احمد، حسین و ... بودیم، و اصلاً و ابداً به کسی «حاجی» نمی‌گفتند. تکه کلام آن زمان «برادر» بود. مثلاً برادر حسین. برادر قاسم. اصلاً این عناوین اهمیتی نداشت و برادر هم کم کاربرد داشت و فقط اسم گفته می‌شد. من وقتی این فیلم‌ها را نگاه می‌کنم متعجب می‌شوم. وقتی روزنامه‌ها را هم می‌خوانیم، می‌بینیم پراز خاطرات دروغ، دروغ محض نسبت به شهید؛ من باشهید رفتم آنجا، من باشهید چه و چه، همه‌اش دروغ، چیزهایی که آدم می‌داند واقعیت ندارد. لذا آن فرمانده گردان را درست کردند که با عراقی‌ها در تماس بود. اصلاً یک سناریوی عجیب و غریبی وجود داشت. این همه مادر جنگمان سناریو و قهرمان داریم، آن وقت این‌طوری!

برگرفته از کتاب «حاج قاسم»



**آیت‌الله
العظمی
جواد آملی:
همه ما وامدار
شهادت و
مجاهدت این
برادر عزیز،
مرحوم شهید
سردار سپهبد
حاج قاسم
سلیمانی
(رضوان الله
تعالی علیه)
هستیم**



و با چشمانی اشک‌بار خداحافظی کردیم.

آیت‌الله العظمی جواد آملی

همه ما وامدار شهادت و مجاهدت این برادر عزیز، مرحوم شهید سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی (رضوان الله تعالی علیه) هستیم. ایشان پارسال که آمده بود قم. دیداری با آقایان داشت. وقتی به مؤسسه آمد. عده‌ای هم همراهش بودند. بعد از اینکه آن آقایان تشریف بردند گفت حاج آقا من کار دارم. گفتم بفرمایید! من دیدم آن پارچه را از جیبش درآورد، گفت این کفن من است. شهادت بدهید! ما چه صلاحیت داریم که شهادت بدهیم! یک کسی که عمری به قرآن خدمت کرده است، آبروی ما را حفظ کرده، امنیت ما را حفظ کرده، ناموس ما را حفظ کرده، دین ما را حفظ کرده، شرف ما را حفظ کرده، نظام ما را حفظ کرده، حرف‌های امام را حفظ کرده، حرف‌های رهبر را حفظ کرده است! ما گفتیم خیلی خوب! امضا

کردیم. خدایا تو شهادی گفتیم «هو الشاهد»؛ خدایا تو شهادی! این عزیز ما کار گزار توست! الان هم با بهترین وجه، خدا را مهمان خود قرار داد. حشرش با انبیا، حشرش با اولیای الهی، حشرش با شهدای کربلا، حشرش با حسین بن علی بن ابیطالب علیه‌السلام.

آیت‌الله العظمی سبحانی

او می‌دانست که شهادت در کنارش است و روزی کفنش را آورد من امضا کردم، هر چند به او گفتم که شما فوق این امضا هستید اما کفن ایشان را امضا کردم. معلوم می‌شود او در راه رفتن بود و این مسئله را احساس کرده بود و خدا او را با شهدای کربلا محصور کند. ایشان همیشه در صحنه بوده و در کارزارها فداکاری می‌کرد. حتی گاهی اوقات خود را در وسط میدان جنگ قرار می‌داد و خطر همیشه در کنار او بود، اما چون فداکاری را پیش هدف بزرگی بود به این مسائل اعتنا نمی‌کرد.

خللی ببینند. قاسم ما این را باور داشت و هر روز این مرزهای مقدس را بلندتر و طولانی‌تر می‌کرد. وقتی هزاران سرباز و ژنرال و سلاح‌های میلیارد دلارشان از پس سردارمان برنیامدند، بیرون میدان جنگ او را «ابا» کردند. چقدر این لحظه را آرزو کرده بود؛ همه وجودش را برای حق صرف کرده بود و همه وجودش را برای اسلام داد و رسید آن روزی که در تمام امت اسلام فقط او شاد بود. روز وصل دوستداران یادباد و چه طوفانی به پا کرد این وصل. طوفانی از پشت به پشت و دست به دست هم دادن مسلمانان؛ خواهیم دید که این طوفان خانه‌های پوشالی و تارهای عنکبوت را در هم خواهد پیچید و در امتداد جوشش همیشگی خون حسین (ع) پیروزی نهایی با حق است.

چقدر این روزها تاریخ تکرار می‌شود. گویی علی (ع) را می‌بینم که بعد از جهادهای پی در پی، برای مردمش چاه آب حفر می‌کند تا کشاورزی کنند. نه خیلی دور کافی است سری به سیستم بزنید تا حلقه‌های چاهی را که سردارمان برای آبادانی حفر کرده ببینید. صدای مظلومان دنیای اطرافمان بلند بود، زیرابی‌ها و یاور مانده بودند. سردار شنید و رفت و با خودش قدرت و صلابت و شجاعت برد. قدرتی که تمام سلاح‌های عالم هم حریفش نبود. پیروزی‌ها پشت سر هم محقق شد. دشمن عاصی بود و از قلب اسلام، کفر را علم کرد. چه باک! سردارمان حاضر بود و طومارشان را در هم پیچید. دشمن را کیلومترها آن طرف‌تر از مرزهای مقدس ایران نگه داشته بود. یادتان هست؟ وقتی شهدای غواص دست‌بسته را آوردند، چه قیامتی به پا شد. به حرمت خون تک‌تک شهدای والا همت و اشک مادران همیشه منتظر، این سرزمین هرگز نباید

چیزش فرقی نکرده بود. فقط بیشتر غبطه خورد، سختی بیشتری کشید و هر روز هم شهید شد. شهادت فقط تیر خوردن و کشته شدن نیست. برخی بانحوه سخن گفتن و کارهایشان انسان‌ها را شهید می‌کنند.

● ویژگی‌های منحصر به فرد در فرماندهی سردار چه بود؟

سردار سلیمانی اعتقاد داشت که فرمانده باید همیشه در صف اول باشد و نباید به نیروهای خود بگوید بروید، بلکه باید جلو باشد و به نیروهای خود بگوید ببایید. حتی در جنگ علیه داعش نیز بیشتر نیروهای عراقی حاج قاسم را دیده بودند، در حالی که برخی فرماندهان عراقی حاجی را ندیده بودند، چرا که در خط اول مبارزه نبودند. برای حاج قاسم، چه در زمان جنگ تحمیلی و چه در طول مبارزات دیگرش، فرقی نمی‌کرد که افراد فرمانده باشند یا سرباز؛ ارتباط او با سربازان همانند ارتباط با فرماندهان بود. البته خصوصیت جنگ ما این بود که نشان و درجه‌ای بر روی دوش هیچ کس نبود و فرمانده و سرباز یکی بودند.

● در مبارزه با اشراکدام ویژگی فرماندهی سردار سلیمانی سبب تمایز ایشان شده بود؟

رأفت اسلامی سردار؛ او در کرمان و سیستان و بلوچستان اعلام کرد که اگر افراد سلاح‌های خود را تحویل دهند به آنها امان نامه می‌دهد، مگر افرادی که مرتکب قتل شده‌اند؛ آنها باید بروند از خانواده افراد کشته شده رضایت بگیرند. البته سردار قول داد که در گرفتن رضایت خانواده‌ها به آنها کمک کند. یکی از اشراکرامان گفت که اگر حاج قاسم امان نامه را بدهد، سلاحم را تحویل می‌دهم و همین کار را هم کرد. البته او شرور معروفی بود و بیش از ۲۰ نفر هم به دست او کشته شده بودند. وقتی این فرد سلاحش را تحویل داد، حاج قاسم با توجه به توانایی‌هایش، مأموریتی به او داد و آن فرد شرور پذیرفت و عملیاتی را به نفع نظام انجام داد؛ یعنی سرباز نظام شد و بعدها اشراکرامان که وارد ایران شده بودند او را کشتند. سردار در مقابله با اشراکرامان به دنبال انتقام نبود و تلاش می‌کرد افراد را به هویت اصلی‌شان بازگرداند. در مسائل سیاسی هم همین نگاه را داشت و اصلاً به دنبال دسته‌بندی‌های جناحی نبود.



حاج قاسم هر روز شهید می‌شد

عارف میدان‌های نبرد

محمدحسین کریمیان اهل کرمان است؛ از نوجوانی با سردار سلیمانی، که او را حاج قاسم صدا می‌کرد، دوست بود. هم‌رمز دوران جنگ و بعد از جنگ رفیق صمیمی بودند. کریمیان سال‌ها جنگیده و جانباز است، اما بار سانه‌ها ارتباطی نداشته و از آن روزها حرفی نزده است تا اینکه حاجی شهید شد. حال دلش می‌خواهد از حاج قاسم بگوید.

● کدام جنبه از شخصیت سردار ناگفته باقی مانده است؟

صحبت‌های زیادی در مورد ویژگی‌های فرماندهی و حتی اخلاقیات او بیان شده است، اما نکته خاصی که باید درباره سردار گفت این است که برخلاف فرماندهان نظامی دنیا، که در میدان جنگ به انسان‌هایی قسی‌القلب تبدیل می‌شوند، حاج قاسم انسانی بسیار مهربان بود. کمتر شبی بود که او قبل از اذان صبح خواب باشد؛ معمولاً یک ساعت قبل از اذان صبح بیدار می‌شد و نماز شب می‌خواند و مناجات می‌کرد. دائم‌الذکر بود، حتی در جلسات رسمی. فرماندهان نظامی دنیا به دنبال کسب بالاترین درجات نظامی هستند، اما او اصلاً به دنبال نشان و جایگاه نبود، حتی در دوران جنگ هم هرگز به این فکر نمی‌کرد که خود را به درجات بالای فرماندهی برساند؛ او فقط به رضایت خداوند می‌اندیشید. البته نه در فرماندهی بلکه در تمام رفتارهای زندگی خود به رضایت خدا فکر می‌کرد.

● شما ارتباط نزدیکی با ایشان داشتید. با وجود این صمیمیت متوجه شدید که چرا حاج قاسم تا این حد بی‌قرار شهادت بود؟

همیشه بابت اینکه از قافله شهدا جامانده ناراحت بود و به حال دوستان شهیدش غبطه می‌خورد؛ تنها چیزی که او را آزار می‌داد این بود که بسیاری از دوستانش شهید شده‌اند، اما او زنده مانده است. البته تعریف واژه دوست در زمان جنگ چیز دیگری بود و دوستی‌های آن دوران از برادری هم نزدیک‌تر بود. دوستان دوران جنگ خودشان را فدای همدیگر می‌کردند. در چنین فضایی سخت است که هر روز خبر شهادت دوستان را بشنوی یا آنان در مقابل چشمانت شهید شوند و تو زنده بمانی؛ به خصوص اینکه هدف همگی هم یکی باشد، اما تو مانند دوستانت شهید نشوی. البته حاج قاسم مطمئن بود که در بستر یا بر اثر تصادف و... از دنیایمی‌رود، بلکه شهید خواهد شد. اگر حاج قاسم شهید نمی‌شد، در حش جفا می‌شد. من یقین داشتم که او شهید می‌شود. او در قیاس با سایر شهدا سختی بیشتری را متحمل شد، و گر نه حاج قاسم چه اول جنگ شهید می‌شد، چه آخر جنگ و چه حالا، همان حاج قاسم بود و هیچ



سردار می‌خواست سرباز بماند. عده‌ای کاندید شدن حاج قاسم در انتخابات ریاست جمهوری را مطرح می‌کردند، در حالی که سردار اصلاً به چنین چیزی فکر نمی‌کرد



● راز عملیات‌های موفق سردار سلیمانی در میدان‌های نبرد چه بود؟

حاج قاسم توسل می‌کرد، وقتی فکر و ذکر و هدف الهی باشد، خداوند صاحب آن فکر را هدایت می‌کند، زمانی که او متوسل می‌شد، به شدت اشک می‌ریخت. گریه‌های حاجی چند ساعت طول می‌کشید. او به حضرت زهرا (س) متوسل می‌شد و معتقد بود که حضرت برای رزمندگان مادری می‌کنند. بعد از چنین توسلی، نیروها را هدایت می‌کرد؛ مشخص است که با چنین درجه‌ای از توسل، بهترین افکار به ذهن انسان راه می‌یابد.

● برخی افراد پس از جنگ تغییر کردند؛ سردار چگونه معنویت دوران دفاع مقدس را حفظ کرد؟

وارد خانه سردار که بشوید، خواهید دید که حتی میز ناهار خوری هم ندارد و هنوز همان رفتارهای سنتی همچون سفره باز کردن و دور هم غذا خوردن حفظ شده است. زندگی شخصی او از زمانی که پاسدار بود تا زمانی که سردار شد، تغییر چندانی نکرد. سردار سلیمانی به هیچ وجه در این دنیا زندگی نمی‌کرد، بلکه به فکر رسیدن به لحظه شهادت بود و فکر می‌کنم شادترین لحظه زندگی حاج قاسم همان لحظه شهادتش باشد. واقعاً نمی‌توان کسی را پیدا کرد که ۴۰ سال در حال نبرد باشد و همواره پوتین به پا داشته و از اول انقلاب تا روز شهادتش در حال مبارزه بوده باشد. آدم‌ها معمولاً به دنبال بازنشستگی یا تغییر پست و مقام هستند، اما سردار می‌خواست سرباز بماند. عده‌ای کاندید شدن حاج قاسم در انتخابات ریاست جمهوری را مطرح می‌کردند، در حالی که سردار اصلاً به چنین چیزی فکر نمی‌کرد و مطمئن بود که اگر برای خودش تغییر هدفش را از مبارزه به چیز دیگری مثل کاندیدای ریاست جمهوری توجیه کند، پیروز نمی‌شود و برای چیز دیگری غیر از رضای خدامبارزه کرده‌است.

● در طول جنگ چند بار مجروح شدند؟

اوایل جنگ از ناحیه سینه تا کنار مهره‌ها ترکش به او اصابت کرد که موجب کمر درد شد. درد شدیدی داشت و چند بار برای عمل جراحی مراجعه کرد اما دکترها گفتند که اگر بتوانید درد را تحمل کنید، بهتر از عمل کردن است. به همین دلیل عمل نکرد و ترکش و کمر درد با او همراه بود. یک بار هم از

ناحیه دست مجروح و یک دفعه هم زخمی شد که چندان عمیق نبود. در اواخر جنگ در کردستان هم شیمیایی شد. همه افرادی که در عملیات والفجر ۸ حضور داشتند شیمیایی شدند، هواپیمای دشمن بمب شیمیایی را به مقر لشکر مازد، شهید محمدحسین یوسف‌اللهی (همان شهیدی که سردار وصیت کرد کنار ایشان به خاک سپرده شود) نیز به خاطر همان بمب شیمیایی شهید شد.

● چرا تا قبل از شهادت سردار عموماً کسی خانواده‌ایشان را نمی‌شناخت؟

حاج قاسم قبل از جنگ و قبل از اینکه وارد سپاه شود، ازدواج کرده بود و در زمان جنگ دو فرزند کوچک داشت. این خانواده بسیار ساده زندگی می‌کنند و همسر ایشان به هیچ وجه در هیچ جمعی نمی‌گفت که همسر سردار سلیمانی است. حاجی به شدت مخالف بود که بچه‌هایش این حس را داشته باشند که فرزند سردارند. فرزندانش هم همیشه دخترها و پسرهای قاسم سلیمانی بودند، نه فرزندان سردار سلیمانی.

● چرا سردار اهل مصاحبه نبودند؟

سه سال پیش از او دعوت کردند که میهمان برنامه سال تحویل باشد، اما نپذیرفت و علاقه‌ای هم به این کار نداشت، چرا که نمی‌خواست خودش را نشان دهد و مطرح کند؛ از مطرح شدن فرار می‌کرد. البته وقتی برای رضای خدا کار می‌کنی، خدا می‌داند؛ پس کافی است. چرا باید کاری می‌کرد که دیگران هم بدانند. فرد جانبازی در اصفهان بود که بعد شهید شد. سردار مدت‌ها حتی وقتی فرمانده نیروی قدس بود از تهران به اصفهان می‌رفت، او را به حمام می‌برد و شست و شو می‌داد، اما به جز اطرافیان نزدیک کسی از این موضوع خبر نداشت. همچنین، مادر شهیدی در کرمان حدود ۹۰ سال دارد. او در این دنیا فقط یک پسر داشت که آن هم شهید شد. محال بود که حاج قاسم به شهر کرمان برود و به خانه این مادر شهید نرود.

ورودش به جلسات رسمی همانند بقیه مردم بود و در اولین جایی که ممکن بود می‌نشست، نه اینکه در صدر اتاق بنشیند. در کنار مردم خیلی ساده بود. حاج قاسم هیچ وقت از پلویون دولت سوار هواپیما نشد،

بوسه سردار حاج قاسم سلیمانی بر پای مادر شهید

گفت و گو

هیچ گاه از مذاکره غافل نبود

ریما فخری، عضو شورای سیاسی حزب الله لبنان، به نقش سردار سلیمانی در مقابله با اسرائیل می پردازد. او تلاش های سردار، عماد مغنیه و مجاهدان را علت شکستن هیمنه اسرائیل می داند که از آن به عنوان نیرویی شکستناپذیر یاد می شد.

من افتخار دیدار با شهید حاج قاسم سلیمانی را نداشتم، اما این شهید عزیز در مراحل مختلف جهاد با دشمنان دائماً حضور داشت و در جنبش حزب الله لبنان از حضور ایشان در میداين نبرد مطمئن بودیم. حضور شهید سلیمانی در رویارویی با مستکبران در لبنان، فلسطین، سوریه، یمن، عراق و افغانستان نشان از روح بزرگ این مجاهد مردمی و ارتباط معنوی اش با خداوند متعال دارد. او فرماندهای مبتکر و مدید در میدان و مؤمن به خدا، رسول خدا و اولی الامر و مصداق حدیث قدسی «إن لله رجال إذا أروا أروا» بود.

مجاهدان معتقدند که سردار سلیمانی افق دید وسیعی داشت و قادر به یافتن راهکار و از بین بردن موانع برای تحقق اهداف نظامی بود. با تلاش های او و عماد مغنیه، از فرماندهان حزب الله لبنان بود که مجاهدان در لبنان و فلسطین توانستند هیمنه رژیم صهیونیستی را درهم بشکنند.

سردار سلیمانی هیچ گاه از مذاکره غافل نبود؛ کمتر کسی چنین ویژگی ای را دارد. او در جنگ سوریه در پی تعامل با گروه های درگیر همچون کردهای سوریه و عراق بود. او همواره گوش به فرمان ولایت به فرماندهی امام خامنه ای بود.



بچه ها هر روز به خانه شما بیایند و شما در چشم آن بچه هایی نگاه کنید که پدرشان به فرمان شما به خط مقدم رفته و شهید شده است؛ لحظات بسیار دشواری است، اما وقتی به عنوان تکلیف به آن نگاه کنید، احساس پدری به آن بچه ها خواهید داشت.

بلکه همانند مردم عادی از همان گیتی که سایر افراد اودمی شدند، سوار هواپیمای می شد.

● رابطه خاص سردار با فرزندان شهدا از کجا شکل گرفت؟

سردار به فرزندان شهدا علاقه فراوانی داشت، ولی هیچ وقت رابطه او با این بچه ها به عنوان رابطه یک سردار نبود. هیچ گاه به عنوان سردار سلیمانی وارد خانه هیچ شهیدی نشد، بلکه همانند پدری پیگیر مسائل ازدواج، تحصیل، شغل و ... فرزندان شهدا بود. برای سردار فرقی نمی کرد که پدر آن فرزند شهید، فرمانده بود یا سرباز، در اوج شرایط کاری وقتی از محلی به محل دیگر می رفت، در همان فاصله چند دقیقه ای هم به خانواده شهدا زنگ می زد و احوال آنها را جویامی شد.

انجام تکلیف جنگی بسیار دشوار است. جان افراد زیادی دست شماست و احساس می کنید که باید به خانواده های آنها پاسخ دهید؛ حال تصور کنید که بعد از شهادت پدر، آن

● قرآن کجای زندگی سردار جای داشت؟

حاج قاسم در حال نوشتن تفسیری از قرآن بود و آن طور که اطلاع دارم پیشرفت خوبی هم داشت. جمع آوری و تدوین این تفسیر را در وصیت نامه اش به دختر بزرگ و دامادش سپرده است که با کمک فردی در قم این تفسیر را کامل کنند.

● ایشان با افرادی که تقید چندانی به دین

نشان نمی داند چگونه مواجه می شدند؟ در برابر همه حالت جذب داشتند، حتی در برابر افرادی بی حجاب یا بدحجاب. یک بار در هواپیما کنار هم بودیم، خانمی که از نظر عموم مردم بدحجاب محسوب می شد، هنگام بلند شدن هواپیما به بچه هایش گفت که صلوات بفرستند. حاج قاسم خیلی راحت رو به آن خانم کرد و گفت که خوشا به حال شما خانم که این طور بچه هایت را تربیت



گفت و گو

مردم اروپا مشتاق شنیدن حقایق درباره سردار

از نظر رافائل مائوریللو، سردار سلیمانی در امنیت کشورهای منطقه نقش مهمی ایفا کرد و مردم اروپا علاقه‌مندند حقایق ترور ایشان را از زبان رسانه‌های مستقل بشنوند؛ زیرا رسانه‌های مطرح غربی برای توجیه این حادثه به دروغ‌پردازی روی آورده‌اند.

ترور سردار سلیمانی به لحاظ حقوق بین‌المللی غیرقانونی است؛ زیرا ایران و آمریکا در حال جنگ نیستند و ترور مقام رسمی یک کشور اقدامی غیرقانونی است. آمریکا علناً به انجام این عمل غیرقانونی اعتراف کرده است. امیدوارم ایران و عراق در اعتراض به این اقدام به دادگاه لاهه و سازمان ملل شکایت و تارسیدن به نتیجه پیگیری کنند.

معمولاً رؤسای جمهور آمریکا برای انتخاب در دوره دوم نیاز به جنگ و دشمن‌تراشی دارند، ویژگی خاص ترامپ این است که سیاستمدار نیست و تصمیمات او به ویژه در عرصه بین‌المللی بدون مشورت با افراد کارشناس و به صورت هیجانی گرفته می‌شود.

در روزهای اخیر دو مقاله خیلی مهم در ایتالیا در این باره منتشر شده است، یکی از طرف وزیر سابق فرهنگ ایتالیا که طی آن نوشته جنگ و کشتن مقامات کشورها راه دموکراسی نیست و دیگری از انریکو مونتانا، از مهم‌ترین روزنامه‌نگاران ایتالیایی که ترور سردار سلیمانی را اقدامی غیرقانونی دانسته و تأکید کرده است نمی‌توانیم به بهانه اینکه ایتالیا عضو ناتو است، این امر غیرقانونی را بپذیریم. ترور مقام عالی‌رتبه یک کشور کاملاً غیرقانونی است.



اگر حاجی

می‌خواست

می‌توانست

درخواست

کند که

پیکرش را در

کربلا، حرم

امام رضا (ع)

یا هر مکان

دیگری به

خاک بسپارند،

اما وصیت کرد

که او را کنار

همرزمش

شهید

محمدحسین

یوسف‌اللهی

دفن کنند

سردار سلیمانی در جمع فرزندان شهید



حاج قاسم عاشق او بود. بیان آنچه حاج قاسم در این شهید دیده بود، برای امثال ما که توان دیدن این چیزها را نداریم، دشوار است.

حسین یوسف‌اللهی یکی از نمونه‌های مکتب جنگ ماست که آنها را نشناختیم، اما مردانی از جنس این شهیدان مثل سردار سلیمانی آنها را شناختند. این شهید در عرفان، نگاه و لبخند چیز دیگری بود. از آن آدم‌هایی بود که حتی در سختی‌ها هم لبخند می‌زد. وقتی تحمل سختی‌ها برای خدا باشد، لذت‌بخش‌تر است.

البته حاج قاسم هم عارف بود. خیلی‌ها عرفان را زهد و چله‌نشینی می‌دانند، اما حاج قاسم عارف میدان‌های نبرد بود؛ در معرکه دنیا و در عزلت گناه نمی‌کرد. برخی می‌گویند فلسفه و عرفان باهم فرق دارند، اما آنچه مادر حاج قاسم دیدیم، جمع عرفان و فلسفه بود.

تنها فردی که به تک‌تک توصیه‌های مقام معظم رهبری جامعه عمل پوشاند، سردار سلیمانی بود. خیلی‌ها فقط به عنوان شعار این توصیه‌ها را تکرار می‌کنند، اما در عمل کاری از پیش نمی‌برند. مطمئنم که خون سردار نتیجه و ثمر می‌دهد؛ امیدوارم جوانان راه‌وار او را ادامه دهند.

می‌کنی که در سختی یاد خدا باشند. شاید بسیاری از افراد گمان کنند که سردار در مسائلی مثل حجاب یا سایر مباحث سختگیر بودند اما اصلاً به این شکل نبود و رفتار ایشان سبب جذب افراد می‌شد.

وقتی در کنار فرماندهی می‌ایستادی که در مقابل داعش ایستاده و آنها را شکست داده، متوجه می‌شدی که همیشه لبخند بر لب حاجی بود، چرا که نیت و هدفش جلب رضایت خداوند بود، چون جنگ برای او ادای تکلیف محسوب می‌شد، و عاشقانه در آن حضور می‌یافت.

چرا سردار وصیت کردند که کنار شهید محمدحسین یوسف‌اللهی به خاک سپرده شوند؟

اگر حاجی می‌خواست می‌توانست درخواست کند که پیکرش را در کربلا، حرم امام رضا (ع) یا هر مکان دیگری به خاک بسپارند، اما وصیت کرد که او را کنار همرزمش شهید محمدحسین یوسف‌اللهی دفن کنند. ارتباط سردار با شهید یوسف‌اللهی خاص بود؛ نمی‌دانم چگونه توصیف کنم، عاشق و معشوق یا مرید و مراد بودند. حسین زمانی وقتی که شهید شد، ۲۵ سال داشت، اما به درجه‌ای رسیده بود که

نوری از مردم در دل حاج قاسم

آغاز گربازسازی عتبات عالیات

سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی، بزرگ‌مردی در تاریخ ایران بود که آوازش در دنیا پیچید و رشادت‌هایش حق مظلوم را از ظالم ستاند؛ شهیدی که وقتی نامش به میان می‌آید، هنوز هم لرزه بر اندام دشمنان اسلام در عراق، سوریه، یمن و لبنان می‌افتد. سرداری که علاوه بر بُعد نظامی، تلایه‌داری عرصه فرهنگ را هم بر دوش گرفت و بنیان ستاد بازسازی عتبات عالیات را گذاشت و با این اقدام حریم‌های مطهر ائمه اطهار (ع) در عراق از غربت بیرون آمد و بابرقراری امنیت، مسیر زیارت کربلا را برای ایرانیان و سایر عاشقان حسینی هموار ساخت. بدین منظور غلامرضا کرمی، مسئول مرکز پژوهش و نشر آثار ستاد بازسازی عتبات، در خصوص نگاه آن سردار رشید اسلام در این مورد سخن می‌گوید.





امسال مسئولیت ایشان تغییر کرد. مسئول ستاد عضو شورای قدس بود، اما جنبه بیرونی نداشت؛ برخی معتقدند این احکام نباید علنی شود، اما به یاد ندارم که از سردار سلیمانی چنین چیزی را شنیده باشم، حتی در خاطرم هست که معتقد بودند باید ستاد بازسازی به عنوان زیرمجموعه سپاه قدس شناخته شود. در سلی که اوایل امسال رخ داد نیز موکب‌ها با فراخوان سردار به کار گرفته شدند. احساس می‌کنم که سردار خودش را آماده شهادت کرده بود و قصد داشت برای فعالیت‌های پیش‌رو بر نامه‌ریزی دقیقی کند. آقای سلیمانی همیشه می‌گفتند: «شهید تا شهید نباشد، شهید نمی‌شود.» مقام معظم رهبری نیز چندین بار این موضوع را به طور مشخص در دیدار با اعضای کنگره شهید باهنر بیان فرمودند؛ حضرت آقا در آن جلسه سه بار فرمودند که آقای سلیمانی شهید زنده است. در جلسه دریافت نشان ذوالفقار هم بحث شهادت را خیلی روشن‌تر مطرح کردند. یکی از دغدغه‌های سردار سلیمانی این بود که تکلیف ستاد بازسازی عتبات پیش از شهادتشان روشن باشد؛ این ستاد زیر نظر فرماندهی نیروی قدس است و ایشان این مسئله را تثبیت کردند.

● از همراهی و حضور شهید پورجعفری خاطره‌ای دارید؟

شهید پورجعفری در دفتر سردار و به عنوان آجودان و همراه همیشگی‌شان بود. ما همیشه به شهید پورجعفری می‌گفتیم: «مرد همیشه در اضطراب»، زیرا حجم کار سردار سلیمانی بسیار بالا بود و او هم نباید از نظر امنیتی تماس تلفنی برقرار می‌کرد. تمام وقت با حاجی بود. یک پیوست واقعی و همیشگی، مطیع، دلسوز، عاشق و پرکار بود. خودش را نمی‌دید و هر چه بود حاج قاسم بود. پورجعفری انسان کم‌حرف و بی‌ادعایی بود. وقتی درجه‌اش سردار شد، برخی او را پورجعفری و بعضی حسین صدا می‌کردند. این اواخر گفتند باز نشسته شده، اما دیدیم باز هم در صحنه هست. می‌گفتند که حاج آقا به او گفته بود: «۳۰-۴۰ سال با هم بودیم. من و تو باید با هم شهید شویم.» پورجعفری اصلاً خودی نشان نمی‌داد و خودش را به حاج قاسم وصل کرده بود. همه پورجعفری را با سردار می‌شناختند. آدم سالم، متدین، پاک و عاشق حاج قاسم بود. حداقل ۳۰ سال او را می‌شناختم. ۱۰ سال در یک مجموعه بودیم. اگر با هم شهید نمی‌شدند، حتماً پورجعفری بسیار ناراحت می‌شد. شهادت با حاج قاسم مزدا بود.

بن عقیل (ع) و حرم طفلان مسلم انجام شده است. این اقدامات با کمک‌های مردمی و همکاری عتبه‌های مربوطه در عراق و نیز نظارت همیشگی سردار سلیمانی انجام شد. فراموش نکنیم که ایشان آغازگر بازسازی عتبات عالیات بودند. ایشان چند ماه قبل از شهادت، در ستاد بازسازی عتبات گفتند که وقتی آن اوایل در حرم امیرالمؤمنین (ع) حضور یافتند، به قدری حرم خاک گرفته بود که من به دوستان گفتم باید چاره‌ای اندیشید و حرم را از این وضعیت بیرون آورد. لذا این شهید بزرگوار شکل دهی و راهبری ستاد بازسازی عتبات را انجام دادند.

● چگونه در ستاد بازسازی عتبات عالیات مشغول به کار شدید؟

بعد از نمایندگی در مجلس هشتم، سراغ هیچ کاری نرفتم، تا اینکه روزی سردار سلیمانی مرا صدا زد و از کارم پرسید. گفتم که فعلاً کار خاصی نمی‌کنم. ایشان پیشنهاد کار با آقای قالیباف را، که در آن زمان شهردار تهران بود، مطرح و هماهنگ کردند که در حوزه فرهنگی با ایشان همکاری کنم. البته تأکید کردند که ضمن همکاری با شهرداری تهران، حتماً با ستاد بازسازی نیز همکاری کنم. به طور کلی حاج قاسم برای بچه‌های کرمان و کسانی که در قسمت‌های مختلف سپاه فعال بودند، مرجع بودند و سخنشان در حد حکم بود؛ به طوری که همگی احساس می‌کردیم بزرگتری داریم.

● سردار چه نگاهی به ستاد بازسازی عتبات عالیات داشتند؟

به طور طبیعی وقتی به هم می‌رسیدیم درباره ستاد صحبت می‌کردیم. بعضی اوقات در جلسات مذهبی به ارائه نظراتشان در مورد بازسازی عتبات هم می‌پرداختند. ملجأ همه بودند؛ به طور مشخص ادامه همین روند را، در چارچوب شرح وظایف مسئولانی که خودشان منصوب کرده بودند، مدنظر داشتند.

● در سال گذشته جملاتی از شهید سلیمانی شنیده شد که نشان می‌داد ایشان بر بیان اینکه ستاد بازسازی زیرمجموعه نیروی قدس فعالیت می‌کند تعمدی دارند. نظر شما چیست؟

تصور ما هم این بود که بنیانستار تباطوس ستاد بازسازی و نیروی قدس بیان شود. حدود ۱۰ سال از انتصاب آقای پلارک به عنوان رئیس ستاد بازسازی گذشت و

● ستاد بازسازی عتبات عالیات، که از یادگارهای فرهنگی شهید سلیمانی محسوب می‌شود، طی بیش از یک دهه فعالیت‌های خود چه دستاوردهای عمده‌ای داشته است؟

ستاد بازسازی عتبات، در طول سال‌هایی که از عمر خدمتش می‌گذرد، پروژه‌های زیادی را اجرا کرده که برای مردم معرفی شده است و پس از این نیز در فرصت مناسب در اختیار مردم قرار می‌گیرد، اما در این مجال به برخی خدمات ستاد بازسازی در عتبات مقدسه اشاره می‌کنم؛ برای مثال در شهر نجف اشرف، طرح توسعه حرم امیرالمؤمنین (ع) و ساخت حرم حضرت زهرا (س) یکی از پروژه‌های بزرگ و زمان‌بر بازسازی عتبات بوده که بخش‌های عمده آن تاکنون افتتاح شده است. همچنین، بازسازی کامل حسینیه حیدریه و مسجد غروی در حرم امیرالمؤمنین (ع)، تعمیر و تجهیز کتابخانه حرم، ارائه خدمات بهداشتی در محدوده حرم، احداث تأسیسات برقی و مکانیکی برای دسترسی به حرم، بازسازی و مرمت دیوارهای ایوان و مناره‌ها و طلاکاری گنبد حرم نمونه‌هایی از خدمات ستاد است. در شهر کربلا طرح جامع توسعه حرم امام حسین (ع)، که با نام پروژه صحن حضرت زینب (س) پیگیری می‌شود، طرحی بزرگ و مهم است. علاوه بر آن، ساخت و نصب کتیبه‌های حرم و کاشی‌کاری‌های گسترده، ترمیم سنگ‌های کف و بدنه صحن مطهر، احداث بیمارستان ۱۲۰ تختخوابی با نام امام زین‌العابدین (ع)، ساخت و نصب ضریح ابراهیم مجاب (ع)، ساخت و نصب ضریح حبیب ابن مظاهر (ع)، ساخت و نصب درهای گوناگون برای حرم مطهر، پروژه بسیار مهم و پیچیده لاغرسازی ستون‌های روضه منوره و ترفیع گنبد و ساخت مجموعه نیم‌ضریح‌های خیمه‌گاه امام حسین (ع) گوشه‌ای از اقدامات ستاد در کربلاست.

در شهر کازمین تعویض خشت‌های مطلای حرم امامین جوادین (ع)، اجرای سنگ‌کاری در بدنه و کف صحن حرم، بازسازی و مرمت مسجد جامع صفویه، بازسازی و مرمت ایوان‌های حرم مطهر و در شهر سامرا کاشی‌کاری حرم امامین عسکریین (ع)، ساخت درهای حرم مطهر، طلاکاری گنبد حرم که در حمله تروریستی تخریب شده بود، سنگ‌کاری کف و بدنه صحن مطهر نمونه‌هایی از اقدامات ستاد هستند. در کنار اقداماتی که در نجف، کربلا، کازمین و سامرا انجام شد، در شهر بلد نیز اقدامات مهمی برای بازسازی حرم امامزاده سید محمد (ع) و در کوفه اقدامات ویژه‌ای برای بازسازی حرم مسلم

یادداشت

کسی چه می داند

کسی چه می داند وقتی که در دی ماه ۱۳۸۵ تروریست های آمریکایی پنج دیپلمات ایرانی را در اربیل از کنسولگری ایران ربودند و یا در مردادماه ۹۱ زمانی که ۴۸ زائر ایرانی در مسیر فرودگاه دمشق به اسارت تروریسم تکفیری درآمدند، شهید سلیمانی با چه تلاش شبانه روزی، عملیات پیچیده سیاسی و امنیتی، با حفظ عزت و اقتدار جمهوری اسلامی ایران و بدون دادن هیچ گونه امتیازی موفق به آزاد کردن آنان شد.

در جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ حزب الله با رژیم اشغالگر قدس، غیر از خدا، چه کسی حضورش را در کنار سیدحسن نصرالله در قلب ضاحیه و زیر بمباران شدید دشمن و هدایت موفقیت آمیز عملیات شاهد بود.

کسی چه می داند زمانی که داعش به دروازه های اربیل رسید، سران اقلیم کردستان با گریه و التماس به سراغش آمدند و طلب یاری کردند. همچنین، آنگاه که بغداد به دست داعش در آستانه سقوط بود، سران حکومت عراق ناامید از کمک آمریکا به حاج قاسم متوسل شدند و یا وقتی که تروریست های تکفیری پشت دیوارهای دمشق بودند، اسد چاره ای جز تماس با شهید سلیمانی نداشت.

او در تمامی سطوح مبارزه حضور فعالی داشت؛ در سطح راهبردی و عملیاتی نیز فرماندهان عالی عراق و سوریه و فرماندهان نهضت های حماس، حزب الله، حشدالشعبی و انصارالله را هدایت می کرد و در سطح تاکتیکی نیز شخصاً در همه عملیات ها علیه داعش و گروه های تکفیری در عراق و سوریه میان رزمندگان و در پیشانی خط حمله حضور داشت.

کسی چه می داند...



طوفان سلیمانی

انقلاب اسلامی بود. ایشان فرماندهی مخلص بودند که اخلاق مدارانه و بر مدار ذکرریال فرماندهی و زندگی کردند و به حقیقت مصداق آیه ۵۴ سوره شریفه مائده بودند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَن يَرْتَدَّ مِنكُم عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از آیین خود بازگردد، به خدا زبانی نمی رساند؛ خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند. آنها در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری هراس ندارند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد و (فضل) خدا وسیع و خداوند داناست.»

طوفان سلیمانی ها در راه است؛ ایشان تکیه گاه، حامی و یاور نهضت های آزادی بخش بودند و کدام یک از آنها و همزمانشان امروز خونخواهشان نیستند؟ شهادتشان قطعاً موجب اعتلای انقلاب اسلامی شد و روح تازه ای را در کالبد مقاومت دمید و فصل جدیدی را در تاریخ مبارزات ضد استکباری گشود. تماس اخیر سردار اسماعیل قاتانی، جانشین شایسته سردار سلیمانی، با رهبران مقاومت فلسطین نیز نشان داد که این منطقه با وجود جای خالی سردار دل ها، آبستن تحولات سرنوشت سازی است که دیر یا زود همه شاهدش خواهند بود.

استکبار جهانی در برابر تدابیر و برنامه های ضد استکباری سردار قهرمان، حاج قاسم سلیمانی، به ستوه آمده بود و در مقابل اقدامات منطقه ای و جهانی سردار سلیمانی، که علیه ظلم، فرقه گرای، آدم کشی و ایجاد اختلاف میان مسلمانان بود، عاجز مانده و در برابر ادبیات استکبارستیزی سردار سلیمانی به بن بست رسیده بود. مستکبران سال ها به دنبال حذف ایشان بودند، اما در نهایت با ترور، این سردار سرافراز را به شهادت، همان آرزوی دیرینه اش، رساندند. سلیمانی یک فرد نبود، بلکه فرهنگ، ادبیات و مکتبی بود که هم اکنون در ایران و جبهه مقاومت ساری و جاری است و هیچ قدرتی نمی تواند آن را از بین ببرد. ایشان فرمانده قدسی همان فصل نویی است که به پایاستاده برای مقاومت در برابر مزدور، همان منطق شهادت است که برای خروج نیروهای مزدور آمریکایی می خروشد، همان خون میلیونی است که برای خداحفاظی با ایشان همراه شدند و همان مکتب «زیست در مرز شهادت» است که به فضل خدا طوفانی به پا خواهد کرد؛ طوفان سلیمانی.

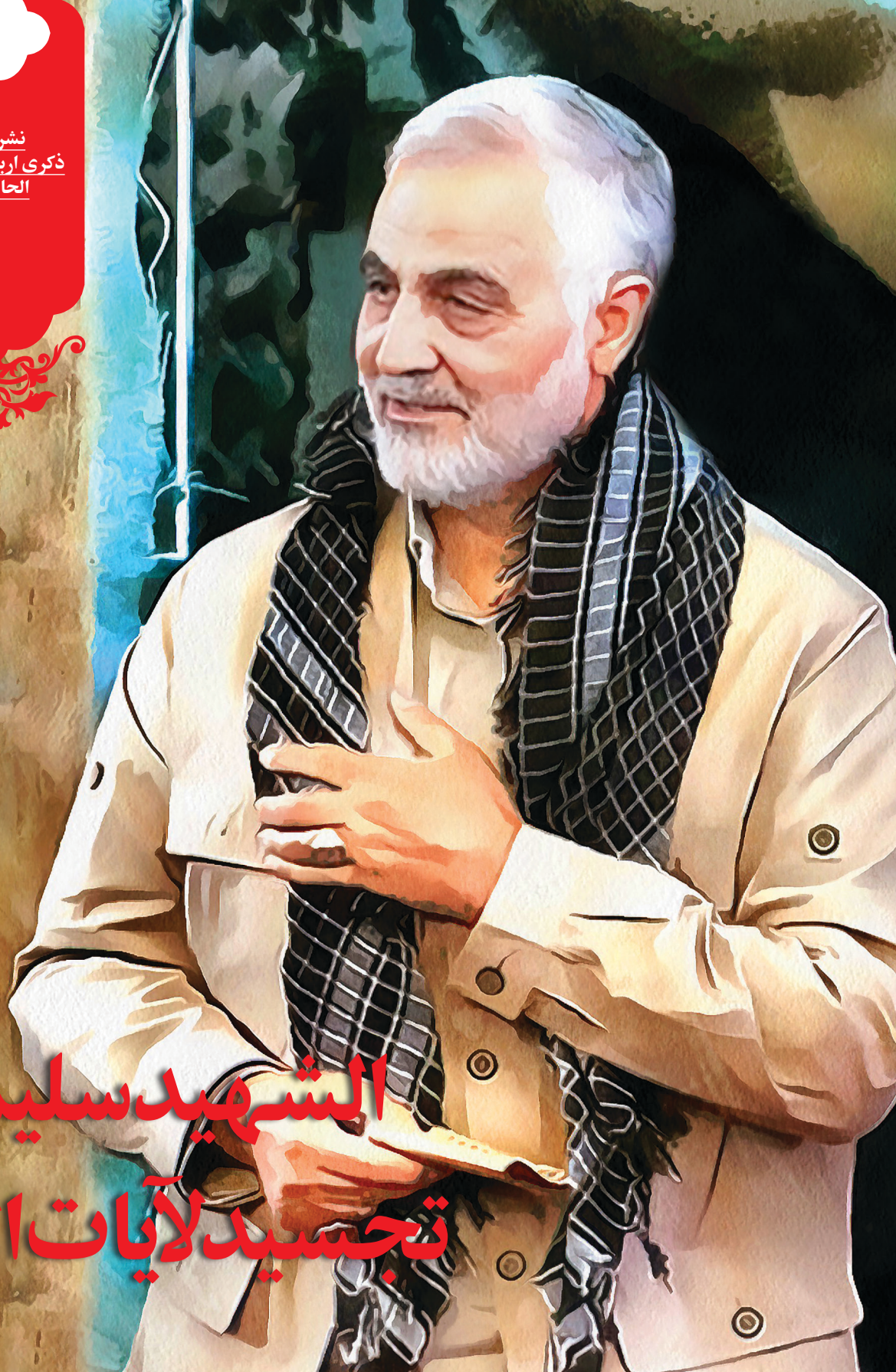
فرمانده قهرمان، ابرمرد جهادگر، مالک عصر، حماسه ساز تاریخ ایران، سردار حرم، همان قاسم و قسم ما، محبوب دل ها و برقرار کننده امنیت در کشور های اسلامی بودند و شهادتشان نیز قطعاً مانند حیاتشان موجب عزت اسلام و انقلاب خواهد شد. نظیر فرماندهی ایشان در هیچ کدام از ارتش های دنیا دیده نشده است. نفس شهید سلیمانی الهام گرفته از ایمان به اهل بیت (ع)، امام خمینی (ره) و رهبر

فرمانده
قهرمان، ابرمرد
جهادگر،
مالک عصر،
حماسه ساز
تاریخ ایران،
سردار حرم،
همان قاسم
و قسم ما،
محبوب دل ها
و برقرار کننده
امنیت در
کشور های
اسلامی بودند

الرحمة

نشرة خاصة بمناسبة
ذكرى أربعينية استشهاد الفريق
الحاج قاسم سليمانى

الشهيد سليمانى؛ تجسيد لآيات القرآن





الشهيد سليمانى؛ تجسيد لآيات القرآن والعمود الفقري لمحور المقاومة

الفريق الشهيد قاسم سليمانى (١٩٥٧ - ٢٠٢٠)، القائد الذي لم يعرف الجلوس في المكتب ودأب على العمل العسكري الميداني طوال ٤٠ عاماً. كان الشهيد سليمانى تجسيداً لآيات الجهاد في القرآن والعمود الفقري لمحور المقاومة في المنطقة، في الوقت نفسه كان له دور مثالي في مواجهة العدو وبالمعنى الحقيقي للآية الكريمة "أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ".

حياته الشخصية

ولد قاسم سليمانى المعروف بـ الحاج قاسم سنة ١٩٥٨م بقرية "قناة ملك" النائية من توابع "رابر" في محافظة "كرمان" الإيرانية، وأكمل دراسته الابتدائية وهو في ١٢ من عمره، ثم ترك قريته مهاجراً إلى

كرمان ليعمل في مجال البناء، ثم أكمل دراسته الاعداية، وحصل على الشهادة الثانوية.

نشاطاته

وانخرط الفريق قاسم سليمانى بالعمل الثوري ضد

نظام الحكم البهلوي قبل انتصار الثورة الإسلامية في إيران. وبعد انتصار الثورة إنتمى إلى الحرس الثوري وذلك في شهر مارس / آذار سنة ١٩٨١م. وفي عام ١٩٩٨ للميلاد تم تعيينه قائداً لفيلق القدس في الحرس الثوري، وفي ٢٤ يناير / كانون الثاني ٢٠١١ تمت ترقيته إلى رتبة لواء. وكان للشهيد سليمانى دور مفصلي في إفشال مخطط سقوط بغداد بعد ما سقطت مدينة الموصل بيد داعش، كما شارك اللواء سليمانى بالعديد من جبهات القتال ضد تنظيم داعش الارهابي، منها المعارك التي دارت شمالي محافظة "صالح الدين".

وخلال حرب الثلاثين وثلاثين يوماً في لبنان، كان اللواء سليمانى هدفاً دائماً بالنسبة للاسرائيليين، حيث كان الاسرائيليون يعلمون بوجوده على الأرض خلال الحرب وفي حضور آخر له في لبنان يحتمل أن يكون سليمانى الدافع وراء الرد الصاروخي لحزب الله على إسرائيل حينما شنت القوات الإسرائيلية هجوماً صاروخياً على القافلة العسكرية المشتركة بين إيران وحزب الله في القنيطرة والتي أدت إلى استشهاد جاهد مغنية ابن الشهيد عماد مغنية.

ويؤكد اللواء سليمانى أن القتال في الجبهتين السورية والعراقية هو من أجل القضية الفلسطينية، وفي لقاء له مع وفد فلسطيني عام ٢٠١٦م، ويقول: "نحن غير مستعدين للتفاوض أو التساوم على قضية فلسطين مع أمريكا أو غيرها، وأؤكد لكم، وأن تبلغوا إخوانكم، أن دعمنا لفلسطين مستمر، لأن هذا موقف مبدئي، أصولي وعقائدي نؤمن به.. فلا تتغير المبادئ عندنا. وستظل فلسطين معتقدنا".

أي أمانة الدين وأمانة الأرض وأمانة المال وأمانة العرض. وأكد أن الله سبحانه وتعالى إختار لهما صحبة في الدنيا فكانا متقاربين ورأينا مرات عديدة أن يصرح الشهيد المهندس للإعلام ويقول أنه جندي عند الحاج قاسم سليمانى. وحول أبرز إنجازات الشهيد في ساحة المقاومة الإسلامية، قال الشيخ الملا: انهما كان لهما الأثر الكبير في الإنتصار على جماعة داعش الإرهابية في العراق وقد إختار الله سبحانه وتعالى وقد أن يستشهدا في مكان واحد وتختلط دماءهما وتختلط أشلاءهما سوية وهذه أعلى درجات اليقين التي يرزقها الله سبحانه وتعالى لمن أراد البصيرة ومن أراد الحق ومن أراد اليقين. وفي معرض حديثه عن التشييع المليونى لجثامين الشهداء، قال: إنه يعتقد أن هذه الجموع من المحبين التي قامت بتشيع جثمان الشهيد دليل واضح على محبة الشعوب. ووصف الشهيد الحاجين قاسم سليمانى وأبو مهدي المهندس، قائلاً: من بينهما رجان تحابفاً في الله التقيا على حب الله وإفترقا على

الشهيد سليمانى رمز للشجاعة والتواضع معاً

قال رئيس جماعة علماء العراق، الشيخ الدكتور "خالد الملا"، إن الشهيد سليمانى ورفيقه الشهيد أبو مهدي المهندس لهما معاني في قلوب المؤمنين من الشجاعة والتواضع والكرم. وقال الشيخ الدكتور "خالد الملا" إن العلاقة بين هذين الرجلين كانت على أساس الإسلام والجهاد في سبيل الله وهو أعلى درجة من درجات الإيمان بالشريعة الإسلامية، فعلى الرغم من أنهم ما يتمتعان بأخوة وصداقة وعمل مشترك ولكن الجامع بينهما جامع عظيم. وأوضح قائلاً: إن هاتين الشخصيتين لهما معاني في قلوب المؤمنين لأسباب متعددة أولها الشجاعة لأهمها كانا يتمتعان بشجاعة كبيرة وثانياً التواضع والكرم وأيضاً حمل الأمانة الإسلامية

الحوار

يجمعنا بالحاج قاسم سليماني روابط إيمانية وأخوة دينية

قال الإعلامي من جماعة أنصار الله اليمنية، "الأستاذ أحمد الشامي" إن ما يجمعنا بالشهيد سليماني هو روابط إيمانية وقضايا إسلامية مشتركة في مقدمتها القضية الفلسطينية، وأوضح قائلاً: نحن في اليمن تجمعنا روابط إيمانية مع الأخوة المقاومين في كل أنحاء العالم، وإستشهد بقول الله تعالى "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ" مضيفاً: الأخوة القرآنية هي أرقى من كل العلاقات الأخرى ونحن علاقتنا بالشهيد سليماني هي علاقة إيمانية، وفي معرض وصفه للشهيد سليماني، قال: الشهيد يعتبر أيقونة للمقاومة وصيداً كبيراً من الإستبصار والجهاد والنضال. وقال إن الشهيد سليماني جعل أنف أميركا مرغمة في التراب حين أخرجها أكثر من مرة في العراق وفي سوريا وحين أثبت أن داعش والجماعات التكفيرية ماهي الاغشاء وأن هزيمتها ليست عسيرة. وقال إن الحاج قاسم بإستشهاده ستكون روحه الطاهرة مسماراً في نعش التواجد الأمريكي في المنطقة وأيضاً ستكون دماءه ودماء رفاقه هي مفتاحنا لخروج المسجد الأقصى وتحرير كل فلسطين.



**للشهيد قاسم
سليماني شعبية
كبيرة في أوساط
الإيرانيين
على اختلاف
توجهاتهم
السياسية
والعقائدية،
نظرًا لما يقوم
به في مواجهة
المجموعات التي
تشكل هاجساً
للمجتمع الإيراني**

وكان بين الشهداء أبو مهدي المهندس نائب رئيس هيئة الحشد الشعبي في العراق.

ردود الفعل

وكانت هناك بعض ردود الفعل من قبل شخصيات سياسية ودينية، فقائد الثورة الإسلامية الإيرانية وخلال بيان له اعتبر الشهيد سليماني شخصية دولية في المقاومة وأعلن الحداد لثلاثة أيام، كما وأصدرت بيانات منفصلة لكل من الرئيس الإيراني ورئيس البرلمان إضافة إلى جمع من مراجع التقليد، وأنشأ فيها على شجاعته وإخلاصه وتضحياته.

والسيد حسن نصر الله، الأمين العام لحركة "حزب الله" اللبنانية، والسيد عبد الملك الحوئي قائد جماعة أنصار الله اليمنية ورؤساء كل من سوريا ولبنان والعراق وتركيا قدموا التعازي بإستشهاد سليماني، هذا إضافة لكثير من الوزراء الخارجية لبلدان عدة. ومن جهته اعتبر ممثل الأمم المتحدة "أغنيس كلامارد" اغتيال سليماني والمهندس عملاً ناقضاً للقوانين الدولية وحقوق الإنسان.

تشجيع الشهيد سليماني في كرمان

وأقيمت مراسيم تشييع الشهيد قاسم سليماني مع نائب رئيس هيئة الحشد الشعبي في العراق "أبو مهدي المهندس" ورفاقهم لحضور شخصيات سياسية ودينية في بغداد وكر بلاء والنجف. ومن ثم نقل جثمان الشهداء الإيرانيين إضافة إلى جثمان أبي مهدي المهندس إلى إيران ليُشيع في كل من الأهواز ومشهد وطهران وقم. لينقل بعدها جثمان سليماني إلى كرمان وشيع ودُفن هناك.

وفي صبيحة يوم الثلاثاء ٢١ نوفمبر ٢٠١٧ تم الإعلان عن انتهاء خلافة داعش وبشكل رسمي على لسان اللواء سليماني وذلك خلال رسالة وجهها إلى قائد الثورة الإسلامية الإيرانية سماحة آية الله الخميني، وكانت البوكمال المنطقة الحدودية بين سوريا والعراق هي آخر ضربات تلقاها تنظيم داعش بواسطة قوات النظام السوري بمعونة القوات الشعبية وباستشارة ميداني قيود هلسليمان.

للشهيد قاسم سليماني شعبية كبيرة في أوساط الإيرانيين على اختلاف توجهاتهم السياسية والعقائدية، نظراً لما يقوم به في مواجهة المجموعات التي تشكل هاجساً للمجتمع الإيراني.

وسام ذو الفقار

في سنة ٢٠١٩ أهدى السيد الخميني وسام "ذو الفقار" اللواء سليماني. هذا الوسام هو أعلى وسام عسكري يُهدي لمن تخطيطه وقيادته في الحرب يوصل إلى الانتصار. الشهيد سليماني هو أول من حصل على هذا الوسام، كما قدّم وزير الدفاع السوري "العماد علي أيوب" وسام بطل الجمهورية العربية السورية الذي منحه الرئيس السوري بشار الأسد للشهيد الفريق قاسم سليماني لوزير الدفاع وإسناد القوات المسلحة الإيرانية العميد أمير حاتمي.

إستشهاده

في الثالث من يناير / كانون الثاني ٢٠٢٠ للميلاد، تعرض موكب الحاج قاسم سليماني لهجوم أمريكي في طريق المطار ببغداد مما أدى إلى استشهاده مع عدد من قادة الحشد الشعبي،

بالمستشارين العسكريين ونقل الأسلحة عن طريق البر والجو. وأكد أن الشهيد قاسم سليماني قدّم خدمة إلى العراق بغض النظر عن الإنتماءات سنية كانت أم شيعية وإنما دعم كل الشعب العراقي وبالأخص الشعب السني الذي إستبيحت أرضه واحتلت أرضه من قبل عصابات داعش الإرهابية ولذلك هذا الموقف عزز العلاقة بيننا وبين الإيرانيين. وقال الشيخ الملا إن هذا الموقف أغاض الحكومة الأمريكية وأغاض الرئيس ترامب بعد أن فشل في زرع الفتنة بين العراقيين والإيرانيين وحصل ذلك بوعي القيادات العراقية والقيادات الإيرانية وحينما فشلت أمريكا وحلفاءها في مشروع الفتنة توجهوا إلى المشروع الثاني المتمثل بإستهداف قوات الحشد الشعبي في معسكرات القوائم الحدودية ثم جاءت الطامة الكبرى بإستهداف القائدين العظميين اللذين وقفت لهما المرجعية العليا في النجف الأشرف والقيادة العليا في إيران وملايين المشيعين وهذا دلالة واضحة على الأثر الذي تركه الحاج قاسم سليماني.

حب الله سبحانه وتعالى وكانت لهما علاقة جهادية وأخوية وعلاقة تحمل هموم الأمة لعشرات السنين وقدر الله سبحانه وتعالى أن يستشهدا في مكان واحد وتختلط أجسادهما وأرانا الله سبحانه وتعالى هذه المليونية من العراق إلى طهران إلى قم إلى مشهد إلى الأهواز كلها تمسني خلفهم وتبكي دموعاً عليهما.

وقال رئيس جماعة علماء العراق: أعتقد أن الدور البطولي للشهيد سليماني ظهر في ردع داعش الإرهابية في العام ٢٠١٤ عندما أسقطت داعش بعض المدن السنية وأعطتنا جميع الدول ظهورها حتى أمريكا ودول الخليج {الفارسي} وبعض الدول العربية أصبحت تنظر إلينا عندما سقط نصف العراق بيد داعش. وأضاف الشيخ الدكتور خالد الملا بعد أن أغلقت الولايات المتحدة وأوروبا أبوابها في وجه العراقيين جاء الحاج سليماني وفتح الأبواب وقال أنا في خدمتكم وفتح وتعامل مع الحكومة العراقية في أواخر حكومة السيد المالكي ودعم العراق



أطياب الشعب العراقي. لكن أوضحها هي سمة الروح الكبيرة التي كانت بين جنبيه والصدق بينه وبين الله تعالى حتى جعل الله سبحانه وتعالى حبه واحترامه لدى كل هذه الجهات و"من كان مع الله كان الله معه".

● البعض كانوا يزعمون أن استعادة الموصل من داعش مستحيل لكن قوات المقاومة الاسلامية تمكنت من الانتصار على داعش بدعم من هذين الشهيدين، ماهور أياكم؟ إن الذين كانوا يزعمون أن استعادة الموصل من داعش مستحيل، هؤلاء الذين لا يؤمنون بالله تعالى وينفس الوقت كانوا يرون أن تنظيم داعش يمتلك من المقومات التي يستحيل من خلالها هزيمته وذلك فيه شيء من الصحة لدعم العالم

رئيس المجلس السياسي لحركة النجباء:

الشهيد سليمان هو المؤسس الحقيقي لحركة "النجباء" العراقية

أكد رئيس المجلس السياسي لحركة "النجباء" العراقية، الشيخ علي الاسدي، أن قائد فيلق القدس الشهيد سليمان كان هو المؤسس الحقيقي للمقاومة الاسلامية حركة النجباء، مؤكداً أن الشهيد ترك أثراً بأغلب دول المنطقة.

وكان الشيخ أكرم الكعبي من أوائل المجاهدين الذين التقوا بالحاج وتبادلوا هموم الامة كما شهد بذلك الشهيد سليمان في اللقاء الأخير الذي جمع الأمين العام وقيادات حركة النجباء مع الشهيد الكبير الحاج سليمان، واللطيف في الأمر هو أن قائد فيلق القدس الشهيد سليمان كان هو المؤسس الحقيقي للمقاومة الاسلامية حركة النجباء.

وقال ذلك، حجة الاسلام والمسلمين الشيخ علي الاسدي، مبيناً أن الشهيد سليمان ترك أثراً بأغلب دول المنطقة والعالم مما جعل واقعة شهادته أليمة على الشعوب الواعية التي مَدَّ يد العون لهم وسوف يكون هذا التاريخ الجهادي مدرسة ثورية سوف تدرس في جامعات العالم مثله مثل كل العظماء على مر التاريخ. إليكم النص الكامل للحوار:

● ما هي السمة الشخصية التي استطاع الشهيد سليمان من خلالها أن يبني علاقات ودية مع الشيعة والاكرد والسنة والتركمان والعرب وغير العرب؟ طبعاً للشهيد القائد الكثير من السمات التي تميزه والتي جعلته يحتل هذه المكانة بين جميع

● ما هي طبيعة العلاقة التي تربط الشهيد سليمان بالأمين العام للنجباء؟ العلاقة بين الشهيد سليمان وبين الأمين العام لحركة النجباء علاقة الجندي بالقائد وعلاقة المريد بأستاذه وعلاقة المؤمن الواعي بممثل ولي أمر المسلمين وعلاقة محبة واحترام وتقدير.

الحوار

حيث انهم فرحوا واحتفلوا بذلك، لقد كان الشهيد يسبب للأعداء الصهاينة حالة من الرعب وخاصة في صفوف الجنود والقادة العسكريين داخل الكيان الصهيوني. وأكد القدومي على الأثر المباشر في وقوف الشهيد الى جانب إخوانه المقاومين في فلسطين وبالتحديد في حركات المقاومة الاسلامية في كل فلسطين، مبيناً أن اللواء سليمان كان عوناً حقيقياً سواء كان في مجال نقل الخبرات أو في التأهيل أو في العدة والعتاد. وأضاف أن الشهيد سليمان كان شريكاً حقيقياً لأخوانه الفلسطينيين وشهادته خسارة كبيرة ولكن الله لن يضيع دماء الشهداء واننا مطمئنون أن خلفه وإخوانه في قوات القدس سيكونون على نفس المسيرة التي تعاهدوا فيها بينهم عليها لمواجهة الاستكبار والظالمين وعلى رأسهم العدو الصهيوني.

الشهيد سليمان كان أخاً كبيراً لنا في فلسطين

أكد ممثل حركة المقاومة الاسلامية الفلسطينية (حماس) في إيران، خالد القدومي، أن غياب الشهيد سليمان ترك فجوة كبيرة، مشيراً إلى أن اللواء سليمان كان أخاً كبيراً للفلسطينيين. وقال: إن الشهيد اللواء سليمان كان نعم النصير للقضية الفلسطينية بمعنى أنه كان إذا أردنا منه رأياً سياسياً أو عسكرياً فكان لا يخل فيه على إخوانه. وأوضح خالد القدومي: أمافي البعد العسكري بلا شك إذا أردنا أن نعرف ماهو قدر وتأثير الحاج سليمان فعلياً نرى كيف تلقى الأعداء الصهاينة خبر استشهاد القائد سليمان

الحوار

الشهيد سليمانى إقتنى دبلوماسية قرآنية في حوار مع الآخرين

صرح مسؤول قسم القرآن في مديرية التوجيه العقائدي بالحشد الشعبي في العراق، "أبوتحسين النجار" أن الشهيد سليمانى إقتنى دبلوماسية قرآنية في حوار مع الآخرين بكل مستوياتهم وبكل رتبهم السياسية والعسكرية إذ كان مصداقاً للآية الكريمة "وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا لَّيْلًا" (النساء ٦٣)، وأكد أن الشهيد سليمانى يعتبر المؤسس الأول لنهج المقاومة ضد الإستكبار والهيمنة الأمريكية في العالم إذ كل شعوب المضطهدة حول العالم باتت ترى منهجية الشهيد هي السبيل الى الحل والخلاص من هيمنة الاستكبار الأمريكي. وأشار الى أن شخصية القائد سليمانى كانت بذاتها مصداق الآية ١٧٠ لسورة الأعراف "وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُضْلِحِينَ" مضيفاً: كان الشهيد يحاول بكل خطواته في سبيل إقامة الصلاة والتمسك بالقرآن. وأكد أن الشهيد سليمانى كان مصدر قلق للاستكبار العالمي وأمريكا لانهم يريدون إستغلال الشعوب الإسلامية وكان الدور البارز للشهيد هو توعية الشعوب الإسلامية.

**ترك الشهيد
سليمانى أثراً
باغلب دول
المنطقة والعالم
مما جعل واقعة
شهادته أليمة
على الشعوب
الواعية التي مدّ
يد العون لهم
وسوف يكون هذا
التاريخ الجهادي
مدرسة ثورية
سوف تدرس في
جامعات العالم
مثله مثل كل
العظماء على مر
التاريخ**



العالم مثله مثل كل العظماء على مر التاريخ.

● لماذا شهدت مراسيم تشييع جثامين القادة الشهداء حضوراً شعبياً مهيباً وما هي رسالة هذه المراسيم المليونية؟
إن الحضور الجماهيري الواسع الذي شهده تشييع القادة الشهداء دليل الرضى الجماهيري للعملية الجبارة التي قامت بها القوات الأمريكية وكذلك أراد الحضور أن يبلغ أمريكا وأذنانها ان هؤلاء قادتنا ونهجمهم نهجنا، نحب ما يحبون ونبغض ما يبغضون. إن هذا التشييع الكبير يحمل رسالة سياسية الى الذين يطلبون للتفريق بين الشعب العراقي والايرائي ويهتفون (ايران برة برة)، ان هؤلاء لا يمثلون الاغلبية الصامتة والمحبة لهذه الوشائج الايمانية التي تربط الشعبين.

بأجمعه لهذه العصابة. ومن ضمن العوامل هي الفتوى المباركة للمرجعية السيد السيستاني ودعم سماحة الامام الخامنئي.

● اعتبر قائد الثورة، الشهيد قاسم سليمانى رمزاً دولياً للمقاومة الإسلامية، ما هو تحليلكم حول هذا الموقف من جانب سماحة القائد؟
إن التاريخ الطويل في الجهاد للقائد الشهيد قاسم كان له الأثر والبصمة في الكثير من دول المنطقة ودعمه لحركات التحرر بالعالم جعله مصداقاً حقيقياً لوصف سماحة السيد الخامنئي. وإن الشهيد ترك أثراً باغلب دول المنطقة والعالم مما جعل واقعة شهادته أليمة على الشعوب الواعية التي مدّ يد العون لهم وسوف يكون هذا التاريخ الجهادي مدرسة ثورية سوف تدرس في جامعات

القدس والمقاومة كما عبر عنه سماحة القائد.

وحول تطرق الاعلام الاسلامي والعربي الى شخصية الشهيد سليمانى بعد استشهاده، قال القدومي: للأسف الشديد نحن الان فى منطقة تقتلنا الطائفية والاثنية والمذهبية ويتصارع الشيعة والسني والعربي وغير العربي... وتم إغتيال الشهيد فى ظرف بائس يميز على الامة الاسلامية لم تعطه حقه حقيقة ولم تعبر بشكل حقيقي عما هو هذا الشهيد وماهية هذه الشخصية التي كان لها الوقع الكبير في مواجهة الكيان الصهيوني. وشدد على الدور الكبير للشهيد في توحيد أبناء المقاومة لمواجهة العدو الصهيوني ومعالجة التباينات أحياناً بين فصائل المقاومة، قائلاً: نسأل الله تعالى أن تتوحد الأمة وتتوحد الجهود سواء على المستوى الاعلامي أو السياسي أو الدبلوماسي أو العسكري حتى يكون لنا نوع من القوة التي كان القائد سليمانى يسعى لها.

وأشار القدومي الى تسمية الشهيد سليمانى رمزاً دولياً للمقاومة من جانب قائد الثورة سماحة الامام الخامنئي، قائلاً: هذا القول دقيق وعميق ونحن نشارك الرأي مع سماحة القائد فهذا ما عبر عنه الاخ المجاهد "اسماعيل هنية" رئيس المكتب السياسي فى حركة حماس عندما زار طهران مؤخراً بحضور جنازة الشهيد وأكد أن الشهيد سليمانى هو "شهيد القدس"... وما عبر عنه سماحة القائد بنيني على حقائق ورؤية صادقة بحق الشهيد... فقد كان همه الاساس رحمه الله هو كيف يعزز صمود الشعب الفلسطيني والمقاومة الفلسطينية والمقاومة بشكل عام في مواجهة هذا العدو المشترك. وأضاف ممثل حركة حماس في طهران أن العدو الصهيوني هو عدو مشترك وليس عدواً للفلسطينيين فقط بل هو عدو لكل الانسانية ولكل الامة وكان دور الشهيد (رحمه الله) له بصمة واضحة وموقف واضح في مواجهة هذا الكيان وتعزيز المقاومة ويستحق لقب شهيد



ممثل حركة الجهاد الإسلامي في طهران:

المشروع الأساسي للحاج قاسم كان نهوض الأمة من خلال مواجهة الاستكبار

أشار ممثل حركة "الجهاد الإسلامي" الفلسطينية في طهران، "ناصر أبو شريف" إلى أبرز صفات الشهيد سليماني، قائلاً: إنه كان لديه مشروع أساسي وهو نهوض الأمة من خلال مواجهة الاستكبار الغربي.

وقال: باعتقادي أن شخصية الحاج قاسم كانت شخصية متكاملة وهو لم يكن فقط عسكرياً إنما كان إلى جانب تخصصه في المجال العسكري وقيادته إلى فيلق عسكري، كان سياسياً مميزاً

وإستراتيجياً مميزاً يقر الجغرافيا السياسية بشكل صحيح ولم يملأ بكل ظروف المنطقة ومشاكلها ويستطيع أن يحدد هادئة. وأردف قائلاً: إن أهم ما يميز هذا القائد إنه كان

يعرف ما يريد ويعرف أيضاً الوسائل لتحقيق مثل هذه الأهداف وهو كان يحظى بصبر كبير وكان ذات شخصية متواضعة إلى أبعد الحدود لا يرى بنفسه أنه قائد كبير وإنما جندي صغير من جنود الاسلام كان يتمنى أن يموت على خط الجهاد في سبيل الله ونصرة الاسلام.

واستطرد موضحاً: مشروعه الأساسي هو نهوض الأمة من خلال مواجهة الاستكبار الغربي وربيبته اسرائيل في هذه المنطقة وبرأيي هو كان دائماً مستنيراً يفهم أهدافه بشكل واضح ويفهم كيف يصل إليها بالرغم من كل هذه التعقيدات الموجودة في المنطقة والمشاكل الكثيرة ولذلك في كثير من المواقع كان حليفه وحليف هذه الجبهة التي يقودها وينسق فيما بينها كان حليفها الانتصار في كل المواجهات التي واجهتها في السنوات الاخيرة وكانت شاقة جداً في ظل ظروف صعبة وإمكانات قليلة.

وفي معرض رده على سؤال حول نظرة الحاج قاسم سليماني إلى القضية الفلسطينية، قال: إنه كان ينظر إلى فلسطين كما ينظر إلى الصلاة كما أن الصلاة فرض يومياً كذلك أيضاً فلسطين هي واجب وفرض عيني على الأمة الإسلامية ولابد أن تنهض الأمة وتقوم بواجبها تجاه القضية الفلسطينية والقدس.

وأردف قائلاً: كان يرى في فلسطين قبلية سياسية أولى وحقيقية وكان لا يرى في حركته إلا ماذن القدس ووبرأيي لم يخطأ في تحديد طريقه على الإطلاق وإنه ألف ونسق بين جبهة المقاومة وكان غرضه الأساسي هو تحرير فلسطين وإخراج الاستكبار العالمي من هذه المنطقة كشرط أساسي لنهوض الأمة الإسلامية.

ينظر الشهيد
سليماني إلى
فلسطين كما
ينظر إلى الصلاة
كما أن الصلاة
فرض يومياً كذلك
أيضاً فلسطين
هي واجب وفرض
عيني على الأمة
الإسلامية ولابد
أن تنهض الأمة
وتقوم بواجبها
تجاه القضية
فلسطينية
والقدس

الحوار

القدرة الاستخباريّة ساعدت الشهيد سليماني على أن يكون ركناً من المقاومة

صرّح الأستاذ ماجد غماس أن القدرة الذهنية والعسكرية والسياسية والاستخبارية الفائقة لدى القائد الشهيد سليماني ساعدته على أن يكون ركناً من عالم المقاومة. وقال إن الشهيد سليماني رغم دوره الكبير في الاجتماعات مع الرؤساء من بوتين إلى الآخرين وقدرته في إقناع الشخصيات الكبيرة وحل الإشكالات على مستوى الدول ونجاحاته في سوريا والعراق، فنجد أن التواضع كان أبرز الصفات التي كان يحملها الشهيد معه في كل الحالات: حول طبيعة العلاقات بين الشهيدين الحاج سليماني والحاج أبو مهدي المهندس، أوضح قائلاً:

إنتم الشهيدان بالشجاعة وأصبحا رمزين للجهاد والثبوت والعمل والمقاومة في سبيل الله ومقاومة الاستبداد والظلم. وأكد أنه عندما احتل داعش مدينة "الموصل" العراقية في عام ٢٠١٤ للميلاد، حدثت قفزة مفصلية في العلاقة بين المجاهدين، مشيراً إلى أن دولة العراق طلبت من الحاج سليماني وجمع من كبار قادة الحرس الثوري الإيراني أن يقوموا بإعطاء الاستشارات في جبهات القتال حيث كان للشهيد سليماني دور كبير في تنظيم الجهود. في غضون هذه الفعاليات النضالية أخذ الفريق سليماني يرى في أبو مهدي المهندس العون والسند والرجل القادر على الإنسجام والإشتراك في عملية أساسها تنظيم القوات المسلحة العراقية. وأكد أن الاستشارات العسكرية التي كان يفيد بها الشهيد سليماني لم تختصر على الحشد الشعبي وبل كانت تستعين بها قوات الشرطة والجيش، مشيراً إلى أن الشهيد سليماني كان يتمتع بقدرة كبيرة على اجتذاب الآخرين وبناء علاقات على أسس دينية أخلاقية،

الحوار

إبنة الشهيد المهندس: لم يكن أحد بمثابة اللواء سليمان بالنسبة لأبي

قالت منار ابراهيمي "إبنة نائب رئيس الحشد الشعبي في العراق، إن أبها كان يتواصل مع الكثيرين ولكن لأحد كان بمثابة اللواء سليمان لأنه كان رجلاً زياً مخلصاً.

وأضافت أن الوحدة هي رمز القوة ونحن لانفرق بين العرب والعجم والشيعية والسنة، إنما كان أبي يعامل الناس على أساس العزة والكرامة الإنسانية.

وأكدت أنه تعلم هذا الدرس من الامام الحسين (ع) الذي كان رمزاً للمقاومة. وقالت منار ابراهيمي انها كانت على ثقة تامة بأن أبها سيستشهد وكانت ترى ذلك في ملامح أبيها عندما كان على قيد الحياة.

وأردفت قائلة إن الحاج قاسم سليمان كان أخاً عزيزاً بالنسبة إلى أبيها حيث كان يرافقه في كل رحلاته إلى العراق ولم يدعه يذهب إلى العراق وحده أبداً مبينة أنه كان بإمكانه إيفاد رجل آخر لاستقبال الشهيد سليمان بينما هو ذهب بنفسه. وصرحت أن هذين الشهيدين عاشا كأخوين وأستشهدا كأخوين وإمتزج دمه مامعاً.

المعركة بين النظام السوري والشعب السوري ولم يدركوا أن أبعاد المعركة أبعد من ذلك بكثير ولم يفهموا أن المعركة كانت حول وضع سوريا وأين تكون وحول أن سوريا هل تكون في جبهة المقاومة أو تكون في الجبهة المعادية أي جبهة أمريكي إسرائيل.

وأوضح أن الكثير من الناس لا يعرفون ذلك ويظنون أن إيران جاءت لإنقاذ النظام السوري من شعبه أو جاءت من أجل دعم النظام السوري في مواجهة شعبه ولكن لم تكن المعادلة بهذه الصورة بل لو كانت المسألة داخلية في سوريا لما تدخلت بها إيران أصلاً إنما المشكلة كانت مشكلة إقليمية ودولية حيث كانوا يريدون وضع سوريا في المكان غير الصحيح ويريدون وضع سوريا في الجبهة المعادية للأمة الإسلامية.

وحول مسؤولية الأمة تجاه الشهيد سليمان والمقاومة الإسلامية، قال: إن مسؤولية الأمة الآن مسؤولية كبيرة وعندنا الآن جبهة واسعة وكبيرة وتستطيع أن تواجه وتقاوم وواجبنا الأساسي الآن هو إخراج الوجود الغربي من هذه المنطقة لأنه باعتقادي لا يمكن أن تنهض الأمة في ظل هذا الوجود الغربي الكثيف في منطقتنا وفي ظل وجوده التخريبي في المنطقة.



وحول اعتبار قائد الثورة، الشهيد قاسم سليمان رمزاً دولياً للمقاومة، قال أبو شريف: بالتأكيد كما وصفه القائد وهو أعلم بما كان يقوم به بأنه الشخصية الدولية لجبهة المقاومة وكان مهندس جبهة المقاومة وكان المنسق الذي أنشأها وطورها إلى هذا المستوى وجعل منها جبهة قوية ومتماسكة تستطيع أن تواجه الأعداء الكثير الموجودين سواء في المنطقة أو في العالم. وأضاف: أن الكل يعلم أن ما نواجهه من أعداء ليسوا بسيطين يمتلكون إمكانيات عسكرية وسياسية ومالية هائلة ولكن الحاج قاسم أنشأ من جبهة المستضعفين أو من الناس الذين لا يملكون أشياء كثيرة أنشأ منهم قوى قد تكون خارقة ومنها المقاومة في قطاع غزة والمقاومة في جنوب لبنان والمقاومة في العراق واليمن وسوريا كلها كان مهندسها الحاج قاسم سليمان وكان له دور كبير في تنميتها حتى بلغت هذا المستوى لذلك هو كما وصفه القائد بحق أنه الشخصية الدولية لجبهة المقاومة.

وحول إنقسام الإعلام العربي والإسلامي حول شخصية الحاج سليمان، قال أبو شريف: إن الإعلام الإسلامي والعربي إنقسم بالتأكيد حول شخصية الحاج قاسم فكثر منهم رأي فيه قائداً مميزاً كبيراً كان همّة فلسطين وتحرير الأمة من الاستعمار ويريد أن ينهض بهذه الأمة ورأوا فيه مقاتلاً إسلامياً عظيماً وهناك من رأى فيه للأسف عكس ذلك.

واستطرد قائلاً: بسبب الفوضى الفكرية والسياسية التي تعيشها الأمة، كثير من الناس لم يفهموا رسالة هذا القائد بالأخص في موضوع سوريا لم يفهموا موضوع سوريا أصلاً إذ كانوا يرون

الحالة المعنوية التي تمثلت في الاستعداد للتضحية والفداء في أعلى مستوياتها نتيجة للتطوع والاستجابة لفتوى المرجعية. أما الجانب الفني كانت هناك إشارات أساسية ذات تأثير صارخ من الحاج سليمان بجانب قيادات بدر والحشد الشعبي وغيرهم من القيادات المقاومة. كل هذه الخبرات ساهمت في إستهداف داعش مما لاشك أن مشورة الفريق قاسم سليمان كانت مؤثرة جداً. وأضاف أننا نعتقد أن هذه الشهادة رغم مرارتها إثر فقدان الكبير الذي أصبنا به جميعاً، حملت بركات كبيرة وأحدها التشجيع المليون الذي حصل في العراق وإيران، لكن هناك حالة من الحزن والألم أصابت الشعب العراقي بشكل عام ووصلت حتى بالنسبة للبيوت والعوائل وأخذوا يتحدثون بهذا الأمر مؤكدين على دور القائد العظيم وأيضاً الحاج أبو مهدي المهندس في تحرير العراق من داعش ويصرحون على أن عملية الاغتيال التي قامت بها الولايات المتحدة الأمريكية بكل تأكيد جريمة كبرى.

بالإضافة إلى هذا، كان لدى الشهيد المهندس تاريخ مطول في الجهاد ومقارعة الظالمين حيث التقت الإرادات وتكونت علاقة روحية قبل أن تكون علاقة عمل. وصرح أن الشهيد سليمان كان يتصف بالقدرة على تحمل الآخرين بشكل لا يوصف وكان يحترم الصغير والكبير، معتبراً قول سماحة القائد الامام الخامنئي إن القائد سليمان كان رمزاً دولياً للمقاومة في العالم وصفاً صائباً وحكيماً. وأشار إلى أن سماحة الإمام الخامنئي يعرف الشهيد سليمان حق المعرفة منذ سنوات طويلة وعلم بصفاته الشخصية التي أهلتها ليكون قائداً كبيراً في محور المقاومة. وأوضح أن تحرير الموصل كان نتيجة تظافر جهود من قوات الجيش العراقي، وقوات الشرطة وأيضاً قوات مكافحة الإرهاب والحشد الشعبي، مشيراً إلى أن هذه المعركة كانت صعبة جداً حيث تستحق أن تدرس في الكليات العسكرية. نستطيع أن نقول إن هناك عدة عوامل بالنسبة لهذا الموضوع: أحد أهم هذه العوامل هو الجانب المعنوي حيث وفر الحشد الشعبي

الحوار

المعارك التي خاضها الشهيد سليمانى مؤشراً على قدرته على التعامل مع كل الفئات

أكدت عضو المجلس السياسي لحركة "حزب الله" اللبنانية، "الدكتورة ريماء فخري" أن المعارك التي خاضها الشهيد سليمانى مؤشراً على سعة روح هذا المجاهد وقدرته على التعامل مع كل فئات الناس. وأشارت إلى أن حضور الشهيد سليمانى في المعارك التي خاضها المستضعفون في مواجهة المستكبرين في كثير من الساحات، في لبنان وفلسطين وسوريا والعراق واليمن وأفغانستان مؤشراً على سعة روح هذا المجاهد الأممي، ارتباطه الكبير بالله تعالى، وطيب أخلاقه وقدرته على التعامل مع كل فئات الناس.

وأكدت أن المجاهدين العسكريين يتحدثون عن سعة أفق الشهيد الحاج قاسم، وقدرته على إيجاد السبل وتذليل الصعوبات لتحقيق الأهداف العسكرية، مبيّنة أنه مع الشهيد الحاج قاسم وأخيه الشهيد الحاج عماد مغنية، نجح المجاهدون المؤمنون في لبنان وفلسطين بتحطيم هيبة العدو الاسرائيلي. وصرحت الدكتورة ريماء فخري: "مع الشهيد الحاج قاسم نجح المجاهدون من إيرانيين ولبنانيين وسوريين وعراقيين وأفغان وغيرهم، في هزيمة العدو التكفيري الذي وضع العالم المستكبر في خدمته مئات مليارات الدولارات وقدرات عسكرية هائلة، بهدف ضرب قدرات المقاومة وإضعاف ساحاتها. وحول أهم مسؤولية المسلمين بعد استشهاد الشهيد سليمانى، صرحت فخري أن أهم مسؤولية تقع على عاتق المسلمين اليوم هي منها تحرير فلسطين، وطرد المحتل الأمريكي من منطقتنا، ونصرة المستضعفين في كل مكان، ونصرة الإسلام المحمدي العزيز.



ممثل حركة الجهاد الفلسطينية في لبنان:

كان للشهيد دين سليمانى والمهندس دور بارز في تجسيد آيات الجهاد في القرآن

صرح ممثل حركة "الجهاد الإسلامي" الفلسطينية في لبنان، "الأستاذ إحسان عطايا"، أنه كان للشهيد دين الحاج قاسم سليمانى وأبو مهدي المهندس دور بارز في تجسيد آيات الجهاد في القرآن حيث استطاعا تقويض دعائم الإرهاب في المنطقة، وإبراز الصورة الناصعة للإسلام.

أن يكون قريباً من كل من عرفه، وأن يكون صديقاً لمختلف الأطياف والمذاهب والقوميات... وهذا ما تجسّد في المشهد المهيّب الذي رأيناه في تشييع جثمانه الطاهر، في معظم المدن الإيرانية والعراقية ودول مختلفة من العالم. وأوضح: جاء كلام سماحة القائد الخائمي حول الشهيد سليمانى بوصفه رمزاً دولياً للمقاومة، ليؤكد على أهمية هذه الشخصية الدولية البارزة في جبهة المقاومة، والتي كان لها دور مهم في تحقيق انتصارات على أكثر من جبهة، حيث ساهم في تعزيز قدرات المقاومة وتطويرها على مختلف الجبهات.

وصرح أنه كان للشهيد دين دور بارز في تجسيد آيات الجهاد في القرآن، حيث استطاعا تقويض دعائم الإرهاب في المنطقة، وإبراز الصورة الناصعة للإسلام، وتحقيق نسبة كبيرة من الأمن والاستقرار، والمساهمة بشكل فعال في القضاء على الفتنة والفرقة، وتعزيز أواصر المحبة والوحدة بين شعوب المنطقة عموماً، وبين المسلمين على وجه الخصوص.

وقال إن الشهيد سليمانى أثبت أنه يمتلك مهارات متنوعة ميزت شخصيته القيادية النادرة، ولا سيما في المجال العسكري الذي قضى معظم حياته العملية في ميدانه. ولم يكن مجرد قائد يخطط، ويترك التنفيذ لغيره، بل كان يشارك في تنفيذ الخطط، ويبدع في معالجة العقبات، ويتقن التقييم والتصويب. ناهيك عن شجاعته وإقدامه، وحنكته، وتواضعه، ونبل أخلاقه، وحسن سيرته، وصلته الوثيقة بالقرآن الكريم.

وأضاف أنه لا شك أن القواسم المشتركة التي تجمع بين الشهيد دين الحاج قاسم والحاج أبو مهدي كثيرة، أبرزها الهم المشترك في التخلص من الاحتلال الأمريكي للعراق، ومن كل أدواته الذين يعثرون بأمن العراق والمنطقة، والعمل بشكل حثيث لتعزيز الوحدة بين شعوب المنطقة بشكل عام، وبين الشعبين العراقي والإيراني على وجه الخصوص.

وأشار إحسان عطايا أنه لقد حظى الشهيد سليمانى باحترام الجميع وتقديرهم، واستطاع

القواسم
المشتركة التي
تجمع بين
الشهيد دين
الحاج قاسم
والحاج أبو مهدي
كثيرة، أبرزها
الهم المشترك
في التخلص
من الاحتلال
الأمريكي للعراق